



امان
aman.ir
www.aman.ir



کلیش

برای آن کلی که با امتنش بیار می شود

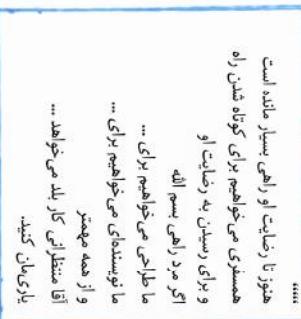
پیاک با خم عشقت، نم وکاری
تو سو ناز چنانی، کل هیشه بیاری
کیانی خزانه، کل سیمه برازی
اگر به خلوات عشقت، قم به رینه گزاری
تو لری به تکاهن، دلم و زیده برآزی
زام شاملت ما گزیر و چاره نداری
من آفتاب لب بهم تو صبح خوب بیاری
(ابو الفضل فروزوی (سونا))

من انتقام خرامم تو اشتای بیاری
من درخت شکسته کنار جاده غربت
نمی تو اتفاقد، اگر که به مردم زرم
تمام حضرت خود را به حاک پائی تو زرم
دل رسیده هارا دلی به گز نریابد
اگر آهوی چنست، نشد شکار یکاهم
تو در اولان راهی، منم در آخر این خط



باشد همه شب در دل غمگین دارم
امام خمینی
جه کنم
فرهادم و سوز شیرین دارم
ایند لقاء پل دیرین دارم
طاقت ز کنم رفت و ندانم چکم

.....
هزوز نارضایت او راهی بسیار مانده است
همسری می خواهم برای کوتاه شدن راه
و برای رسیتن به رضالت او
اگر مد راهی بسم الله
ما طریقی می خواهم برای ...
ما نویسندهای می خواهیم برای ...
واز همه مهتر
آقا منتظرانی کار بلد می خواهد ...
پایی میان کنید.



جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ما این است
دشمن ز جیات خوشنی، تو پیده ایست
آن روز که عالم ز مستمر کمالی ایست
ما را و حمه مستثنان را عید ایست
امام خمینی



۱۹

گامی بود رعایت امامت و مهدویت



۳۱ پرسش ها و پاسخ های مهدوی ۳۲ بازوی راست یوسف ۳۴ راه و رسم زندگی / محمد رضا اکبری ۳۷ آشنایی با بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج) استان لرستان ۳۸ ((میم، هاء، دال، یاء)) زیبایتین واژه/زهرا صفاری زاده ۴۰ غریبیگی با عesco/فاطمه حیدری ۴۲ شهیدا/هدی مقدم ۴۶ ویروس پوکی استخوانهای اعتقادی / جواد اسحاقیان در چه ۴۸ رازها و روزها / جواد کمار ۵۱ وظایف بایسته های یک منتظر (با رویکرد عاشورایی) / مراد امیدی میرزاپی - روح الله امیری ۵۴ شعر ۵۵ دل نامه های ادبی ۵۶ اخبار امان / سید محمدی موسوی ۶۰ خودمانی ۶۲ جدول ۶۳ مسابقه	۲ ابقاء یا عزل / سر دیر ۳ بهار / حجت الاسلام والملیمین ناصر تقیان ۵ امام عصر(عج) حقیقت آب حیات / آیت الله جوادی آملی ۷ عید نوروز / خامن موسوی ۹ نکاتی اخلاقی از آیت الله مجتبه‌ی تهرانی (ره) ۱۱ وهابیت / نعمت الله حشمی ۱۲ زنگ زده ها / احمد حاج قلی ۱۴ تربیت جامعه منتظر / دکتر فرامرز شهرابی ۱۵ چشم انداز رشد اخلاق در عصر ظهور / حامد اسلامجو ۱۸ منجی در ادیان / دکتر روح الله شاکری زواردهی ۱۹ جامعه منتظر، پیشگام در دانش و فن آوری / احمد محمدزاده ۲۲ پیامهای حضرت مهدی (عج) به دولتمردان / دکتر علی اصغر رضوانی ۲۴ سیاه، سفید، خاکستری / محمد رضایی ۲۶ مهدی یاوران جوان / خدمادراد سیلیمان ۲۷ بدان ... / مسعود داستار ۲۹ راه ۳۰ عریضه
---	---

نشانی: قم / خ شهداء / کوچه آمار / بن بست شهید علیان

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی

5

40

10

10

3

شان

۱۰۱

۲۷۰

۲۰

۲۷

. 9

ایران



روزهای ویژه یا برخی اتفاقات در زندگی انسان، آدمی را به فکر فرو می‌برد تا خود را ارزیابی کند، زمان‌ها، مکان‌ها و امکانات همه و همه می‌تواند از عوامل برسی و ارزیابی خود باشند: کجا بودیم، کجا هستیم و کجا باید باشیم.

بهترین موهبت واعظی از درون است که انسان را ارزیابی کند.

هر کس نسبت به استعداد، توانایی و مسئولیت خود، خود را ارزیابی می‌کند، چنانکه هر میدان و هر موقعیتی، هر زمان و فرصتی امتحانی است. چه موقعیت‌ها و مسئولیت‌های فردی و شخصی و چه موقعیت‌های اجتماعی و حقوقی به تعبیر امام راحل؛ «آن‌هایی که در مجلس هستند، آن‌ها هم همان کرسی مجلس محل امتحان آن‌هاست».

مومن وجودش نوروز است؛ هر روزش نوروزتر از دیروز است، نه آن‌که بدتر باشد، حتی مساوی هم نیست؛ نوتر است. مؤمن برای فردا و روزی ن بر نامه‌ریزی می‌کند، لحظه به لحظه در حرکت و جریان است. راکد نیست که رکود باطل شدن و متعفن شدن را در بی دارد. انتظار یعنی نو، نو شدن، فردایی نو، فکر و تلاش برای نو شدن.

نوروز مانند (آغاز ولایت حضرت مهدی ﷺ) یا نیمه شعبان (ولادت امام عصر ﷺ) بایستی ما را به فکر فرو برد که در قبال امام و در مسیر تحقق اهداف امام، در جهت زمینه‌سازی و بستر سازی ورود و قیام ایشان چه نقشی داریم و کدام مسئولیت خود را انجام دادایم. همانطور که هر روزه امتحان تغییر می‌باید و انسان در معرض مسائل متفاوت قرار دارد تا جایی که ایمان آدمی ممکن است به راحتی نابود و به کفر تبدیل شود و در این دوره انسان آب دیده می‌شود و سعید به نهایت سعادت و شقی به نهایت شقاوت می‌رسد پس کنترل و بررسی خود، حوزه فعالیت خود و میدان امتحان خود، مهمترین وظیفه‌ای است که می‌تواند انسان را از ورطه هلاکت و دوری از امام و فاصله گرفتن از مسیر الهی مهدوی جدا سازد.

هر کسی، هر مسئولیتی که دارد؛ دولت در حوزه خدمات و فعالیت‌های اجرایی خود، قانونگذار در حوزه تلاش قانونگذاری خود و قضاآتگر و قاضی در حوزه قضاوی خود، استاد و معلم در حوزه تدریس و تعلیم خود و ...؛ هر کس در هر کجا که هست بررسی کند که آیا عملش، رفتارش و منش و حرکتش، همانی است که امام می‌خواهد؟ مگر نه این است که به تعبیر امام راحل ﷺ مملکت ما مملکت امام زمان ﷺ است و امیدواریم روزی پرچم را به صاحب اصلی اش بسپاریم. کدام نماینده - کدام کاردار و سفير جمهوری اسلامی، کدام دولتمرد و وزیر و وکيل می‌تواند کارگزار مهدی ﷺ باشد یا لااقل لبخند و تبسم حضرت مهدی ﷺ به همراه داشته باشد.

به قول بزرگی^۱ (در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب) خطاب به فرمانداران و استانداران وقت؛ به گونه‌ای عمل کنید که آقا که ظهور کنند، لااقل شما را ابقاء کنند (نه عزل و انفال از خدمت و ...).

اینجاست که کارگزار جمهوری اسلامی خود را کارگزار حضرت مهدی می‌داند و در می‌باید که مسئولیت و صندلی خدمت همه و همه امانتی است برای تلاش و تحقق بخشیدن جامعه‌ای ارزش‌مدار که دغدغه و اهداف اصلی اش رضایت ولی خداست که همان رضایت خداست.

سخنی که می‌گوید یا نمی‌گوید. امضایی که می‌کند یا نمی‌کند. فریادی می‌زند یا نمی‌زند، همه و همه؛ خود را در محضر ولی خدا می‌بینند.

امام عصر ﷺ فرمود:

فليعمل كل امرى منكم بما يقرب به من محبتنا و يتتجنب عن سخطنا.

هر کدام از شما کاری کند که به محبت ما نزدیک‌تر شده و از ناراحتی و سخط ما دوری گزیند.

پی‌نوشت

۱. آیت الله مهدوی کنی، هنگام عهده‌داری وزارت کشور.



حجت الاسلام والمسلمین ناصر تقیویان*

من می‌دانم، شما می‌دانید، خدا هم می‌داند، گاهی بخشیدن دوست و فامیلی و آشتی کردن با او چقدر سخت و سنگین است. چه اشکالی دارد گاهی با انجام کارهای سنگین، جوانمردی خود را ثابت کنیم؟ یادمان باشد آنها که می‌توانند وزنه‌های سنگین تری بردارند و بر نمی‌دارند، جایزه‌ای که نمی‌گیرند هیچ، نزد خدا و خلق هم محبوبیتی ندارند.^۱

من و شما تلاش کنیم جزء کسانی شویم که به تدریج وزنه‌های سنگین بر می‌دارند. آقای حسین رضا زاده را که فراموش نکرده‌اید. گفتم به تدریج، یادم آمد که فصل بهار در راه است. راستی بهار هم همین کار را می‌کند، یعنی در زمستان که آب و خاک با هم قهر بودند هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ نه خاک رویشی داشت و نه بذرهای پنهان شده در خاک زایشی. ولی با پیدا شدن چشم و ابروی بهار ماجرا طور دیگری شد. خاک که از آمدن این مسافر خوش قدم بو برد، لحاف زمستان را کنار زد و برخاست. چند روز دیگر معلوم می‌شود که از آشتی آب و خاک بلکه از وصلت این دو چه اتفاقات مبارکی در راه است.

با کنار رفتن نقاب برف و سرما کم معلوم می‌شود کدام درخت خشکیده و هیزم شده و کدام سرسبز و زنده است، کدام دشت چادر در چمن بر سر کرده و کدام برهنه و بی چیز است، حاصل کدام خاک یا علی گفته و برخاسته و بر کدام خاک بذر مرگ و مردگی پاشیده اند، کجا سنگستان است و کجا گلستان. کجا گل است و کجا گل، بقول مولوی:

خاک شو تا گل بروی رنگرنگ
در بهاران کی شود سرسبز سنگ

چشم دانه‌های برف که به بهار می‌افتد از شدت خجالت چنان آب می‌شوند که آبروی رفته زمین دوباره به جویبارها بر می‌گردد. مهم این است که یادمان باشد اگر درختی با نگاه پر مهر بهار بیدار نشد به قهر آتش گرفتار می‌شود، همان که بیش از هزار سال پیش ناصر خسرو می‌گفت:

بسوزند چوب درختان بی بر

سزا خودهمین است مر بی بری را

همان که سعدی شیرین گفتار می‌گفت:

هر که امروز نبیند اثر قدرت او

غالب آست که فرداش نبیند دیوار

سعدی می‌خواست بگوید: نگو، سیزده به دامان طبیعت می‌رویم و صفاتی می‌کنیم، بگو می‌رویم در دامان خلت خدا و درسی می‌گیرم و برمی‌گردیم.

البته او از پیش خود نمی‌گفت، از قرآن می‌گفت:

﴿فَانظُرْ إِلَى آثارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمْحَى الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

به نشانیهای رحمت خداوند بنگر که چگونه از دل خاک مرده حیات و نشاط بیرون می‌کشد. هم او مردگان را نیز زنده خواهد فرمود.

(روم/۵۰)

بله، خوب متوجه شدید، بهار یک دانشگاه بزرگ است که اگر درست به آن نگاه کنیم درسهای فراوانی به ما می‌دهد. یعنی به چشم دانشجویی، نه به چشم مدرک جوئی!

حالا به قول قرآن، خوب نگاه کن، دوباره نگاه کن، چه می‌بینی؟

درختانی که از درخت بودن فقط نقش و نقشه آن را داشتند الان از چوب خشک بودن بیرون آمده و در حال سبز شدن و شکوفه دادن هستند، و کم کم آن انتظار سرخ به بارداری سبز تبدیل شده و معلوم شد زمستان و سرما به همه هارت و پورشن حریف ریشه‌های پنهان و گرم درختان نشده و امروز که سرما، سایه اش را از سر ما کم کرده این جوانه ها هستند که خودی نشان داده و آرام ارام، باد و طوفان های بهاری را نیز رام خود می‌کنند و دیری نمی‌باید که بار درختان چنان سنگین می‌شود که کس باورش نمی‌آید که همان شکوفه‌های کوچولو تبدیل به گلابی و هل و شده، نارگیل و آناناس به آن عظمت که بماند.

حالا دیدی که نباید از درخت کمتر بود و اگر تمرین و تکرار در کار باشد ما هم می‌توانیم وزنه بردار سنگین وزنی بشویم و نرمک، نرمک و گرم گرم هم که شده به وزنه ها اضافه کنیم، درست همان کاری که وزنه ها می‌کنند.

از بخشیدن کسی که جواب تلفن ما را نداده شروع کنیم تا بخشش کسی که جفای بزرگی در حق ما کرده است، خدا رحمت کند آیت الله مجتهدی تهرانی را، می‌گفت:

«اگر می‌خواهی محبت دنیا از دلت بیرون برود، موقع خرج کردن پول ها، اول اسکناس های نو را خرج کن.»

پس تا دیر نشده دست به کار شویم و با همه آنها یکی که در زمستان عمر قهر بودیم آشتبایی کنیم و دید و بازدید عید را ولیمه و سور این آشتبایی کنان قرار دهیم که در غیر اینصورت دیر یا زود با آتشی دیدار خواهیم کرد که وجودمان را همچون هیزم در قهر خود که نتیجه همان قهر با دوستان و بستگان است؛ خواهد سوزاند.

بی نوشت

*. محقق و استاد دانشگاه.

۱. در زیارت امین الله بما می‌آموزند که از خدا درخواست کنیم تا در زمین و آسمان محبوب باشیم، محبوبه فی أرضک و سمانک.

لِمَّا وُصِّرَ حَقْقَةٌ عِجْلَةُ الدِّيْنِ حَقْقَةٌ آیَتُ اللَّهِ جَوَادِي آَمِلَّهُ

زَلَّانْ



زیستنی جاهلانه داشته است و فاقد حیات معنوی و والای انسانی بوده است.

مسئله زنده کردن زمین به آب حیات پس از مرگش، در روایات عترت طاهره علیها السلام مورد تأیید و تأکید است و بر پایه آن روایات خداوند زمین مرده را نیز با انسان کامل زنده می‌کند، همان‌طوری که زمین مرده را با آب: عن أبي جعفر علیه السلام قال: يحييها الله (عزوجل) بالقائم علیه السلام بعد موتها؛ بموتها يعني کفر اهلها و الكافر ميت.^۵

گاهی جامعه، زمانی دل‌ها و هنگامی زمینه فرهنگی ملتی می‌میرد. آن‌جا که محیط جهل و جهالت باشد، فضای سیطره مرگ است که گاه با گفتن و نوشتن و هدایت‌های ظاهري دفع می‌شود؛ اما زمانی چنان عمیق و فراگیر است که باید دم مسیحایی و نفس قدسی مسیحادم آن عصر امت را زنده کند و آن که امروز نفسش دم روح القدس است و وجودش چشمۀ زلال زندگانی، جز وجود مقدس ولی الله الاعظم حجت بن الحسن المهدی علیهم السلام نیست. معرفت امام عصر علیهم السلام مایه حیات قلوب انسان‌ها و بازیابی بشر به عرصه حیات معقول انسانی است که ثمره‌اش معنوی و انسانی است، که همانا هجرت از خدر طبیعت به فرا طبیعت و انتقال از سجن دنیا به خلد آخرت است.

این احیای تام جامعه منحصرًا در دست انسان کامل است و سر حیات‌بخشی امام معصوم هر زمان، آن است که دیگران گاهی واجد علم و فاقد فضائل عدل‌اند و گاه عکس چنین قضیه‌ای صادق است و زمانی می‌شود که فی الجمله هم عالم باشند و هم عادل؛ اما در هیچ کدام به نصاب مطلوب کمال نرسیده‌اند. ایشان انسان‌های

وجود مبارک امام زمان علیهم السلام انسان کامل عصر ماست و وجود انسان کامل از آن جهت که مظهر اسم اعظم الهی است، واجد تمام کمالات است و بر همین اساس، امام معصوم مایه تأمین حیات معنوی و سرچشمۀ آب زندگانی است: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخْبِي إِلَّا رُضَّ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛^۶ خداوند زمین را پس از مردنش زنده می‌کند و زندگی مرهون آب است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»^۷ و امام معصوم علیهم السلام همان چشمۀ زلالی است که سرزمین دل‌ها با آن زنده می‌شود.

آب زندگانی، بارانی نیست که از بالا ببارد و آب چشمۀ یا چاه نیست که از پایین بجوشد، بلکه حقیقتی است که به صورت قانونی الهی در عرصه تشریع و در قالب انسان کامل معصوم در عرصه تکوین ظهور می‌کند. کتاب خدا دین الهی را چشمۀ حیات عرصه تشریع می‌شناساند و در بیان حیات‌بخشی آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَحْيِوْا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لَمَّا يُحْبِبُكُمْ»؛^۸ یعنی راه‌آوردن دین، نه تنها افیون و مخدوّر نیست بلکه نیروی محرك و عامل حیات و پویایی است.

رسول اعظم اسلام علیهم السلام نیز در سخنی نورانی - همان طور که گذشت - شناخت انسان کامل و امام معصوم هر عصر را عامل حیات معقول فرد و جامعه معرفی فرمود: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛^۹ آن که بمیرد و امام معصوم در عصر خویش را نشناخته باشد، چونان جاهلان و به مرگ جاهلیت مرده است و چون مرگ عصاره زندگی است، آن که جاهلانه مرده،

آل‌حجبله*

پیروزی طیب است و آشنا بودن به شیوه صحیح زندگانی و قانعه و ساده‌زیستن از مصادیق حیات طیب است، همان‌گونه که در روایات معصومان علیهم السلام حیات طیب به قناعت تفسیر گردیده است: قال علیهم السلام: کفى بالقناعه ملکاً و بخسن الخلق نعمماً و سئل علیهم السلام عن قوله تعالى: «فلتحبّيئه حیوہ طییہ» فقال: هی القناعه.^۷

خلاصه آن که جامعه جاهل چیزی را از دست می‌دهد که مایه آرامش اوست و چیزی را جمع کرده و به آن اعتماد دارد و بر آن پایه خرسند است که سبب نارامی او است. آن ترک ناروا و این جذب اضطراب آور است و چنین جامعه‌ای بین دو جدار فشار دهنده و دو بند مهارکننده گرفتار می‌شود. آن که این بندها را بشناساند و راه بروزرفت از آن‌ها را بیاموزاند و شیوه علمی آن را اراده کند انسان کامل است: «وَيَضْعُغْ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».^۸ حضرت ختمی امامت علیهم السلام همانند حضرت ختمی نبوت علیهم السلام عهده‌دار چنین هدایت است.

بی‌نوشت

- * برگرفته از کتاب امام مهدی علیهم السلام موعود موجود.
- ۱. سوره حید، آیه ۱۷۰.
- ۲. سوره انبیاء، آیه ۳۰.
- ۳. سوره انفال، آیه ۲۴.
- ۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۸۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۰ - ۲۵۱؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.
- ۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۵.
- ۶. سوره نحل، آیه ۹۷.
- ۷. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹.
- ۸. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

شایسته و وارسته‌ای هستند که خودشان را نجات می‌دهند و شاید درمانگر برخی بیماران باشند؛ اما انسان کامل چون عملش و عدلش کامل و در مقام مظہریت اسم اعظم خداوند است همه برکات را به همراه دارد، پس به تنها یکی کار آب زندگانی می‌کنند.

ولایت و امامت، حقیقت آب زندگانی است و تمام شؤون علمی و عملی وجود مبارک ولی الله الاعظم امام زمان علیهم السلام آب زندگی است، از این‌رو با ظهورش دل‌ها و زمین‌های مرده را احیاء می‌کند. امام عصر علیهم السلام به نمایندگی و مظہریت حق سیحانه سبب تام احیاء دل‌ها و زمین‌های مرده است و وظیفه بشر عرضه کردن زمین و زمینه دل خویش به حضور مبارک آن حضرت است، به گونه‌ای که در پرتو فیض معرفت و هدایتش از سرچشمه زلال چشمہ حیات بهره‌مند و احیا شود.

زندگی آسوده، ثمره اطاعت از انسان کامل راحت زیستن، آرزوی تمامی انسان‌هاست؛ اما انسان به یقین نمی‌داند که راحت حقیقی خود را در کجا بجویید. انسان کامل که متن ظاهر و اسرار باطن عالم را می‌شناسد، بهترین راهنمای است که جامعه با اطاعت او به کمال سعادت می‌رسد. آنان می‌آموزانند که برای آسوده زیستن نخست باید ساده زیست بود و از تجمل دست شست؛ سپس باید چنان افق اندیشه را بالا برد که دانست هرگز جمالی بیرون از جان انسان یافت نمی‌شود.

خداؤند به مؤمنان مستضعف صدر اسلام می‌فرماید که شما در برابر ایمان و عمل صالح از حیات طیب برخوردارید؛ نعمت آزادی،

عید نوروز

حاتم موسوی

عید نوروز یکی از اصیل ترین سنت‌ها و اعیاد ایرانی است. نوروز نمادی از هویت ملت ایران است.

عید نوروز آن چنان در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده که هر ساله با آمدن خود، به تجدید خاطرهای و سنت‌های دیرینه و قدیمی می‌پردازد. این عید آن چنان شور و هیجانی در افراد به وجود می‌آورد که با یاری یکدیگر به زدودن غبار از خانه و کاشانه خویش می‌پردازند. ملابس تازه و جدید خریداری می‌کنند به دیدار یکدیگر می‌روند و به شادی و سرور می‌پردازند و بار دگر حیاتی زیبا و تازه را همراه با شکفته شدن شکوفه‌های بهاری از سر می‌گیرند. آری، عید نوروز این قابلیت و توانایی را دارد که روز نو، روزی نو، سال نو، و انسانی نو را ایجاد کند. ما ایرانیان مسلمان جدای از عید نوروز، ایام خاص دیگری را عید خود می‌دانیم:

عید قربان، عید فطر، عید مبعث، عید غدیر، ولادت پیامبر اکرم ﷺ، و ائمه علیهم السلام به ویژه نیمه شعبان سالروز ولادت امام زمان حضرت مهدی موعود علیه السلام و

معنا و مفهوم «عید»:

معنای لغوی:

۱. در لغتنامه دهخدا آمده: واژه عید در اصل از فعل «عاد»، «یعود» است و به معانی «خوی گرفته، روز فراهم آمدن قوم» می‌باشد.^۵

۲. در لسان العرب آمده: اصل واژه «عید» از «عادت» است زیرا اقوام بر گرد آمدن دور هم در آن روز عادت کرده‌اند.^۶

معنای اصطلاحی:

مولای متقيان علی علیهم السلام می‌فرماید:

«کل یومِ لا يعصى الله تعالى فيه فهو يوم عيد»

«هر روزی که در آن معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد آن روز عید است».^۷

نیز دویاره آن حضرت فرمودند:

«اگر قدر بدانید هر روزی نوروز است».^۸

يعني اگر قدر عمر خود را بدانید و معصیت نکنید و هر روزی پیشرفتی داشته باشید آن روزتان نو و تازه است در غیر اینصورت هر روزتان مثل روز قبلی خواهد بود و در اینصورت نه نوروز و عید بلکه کهنه روز خواهد بود. چنانچه در حدیثی به آن اشاره گردیده است:

«هر کس دو روزش با هم مساوی باشد زیان کرده است».^۹

با توجه به مطالب و احادیث مذکور می‌توان عید را این گونه معنا نمود: هر گونه تحول و پیشرفت سازنده‌ای که در ایام زندگی فردی یا اجتماعی رخ دهد و آنان را بر سختی‌ها و مشکلات پیروز گرداند و آنان را به سمت اهداف متعالی سوق دهد، آن روز عید است و مبارک.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۶۹ فرمودند: «تحویل سال جدید شمسی که مصادف با نوعی تحول در عالم طبیعت می‌باشد فرصتی است برای این که انسان به تحول درونی و به اصلاح امور روحی و معنوی و مادی خود پردازد. ایجاد تحول کار خداست ... اما ما موظفیم که برای این تحول در درون خود، در زندگی خود و در جهان اقدام کرده و همت و تلاش به عمل آوریم».

۱. فردی: تک تک انسان‌ها با ترک منکرات و به پا داری معروفات شاهد انقلابی عظیم در درون خود باشند.
۲. اجتماعی: همه افراد یک جامعه با کمک و تعاون یکدیگر، تحولات سازنده و عظیمی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و ... ایجاد نمایند.

اعمال عید

گرچه عید نوروز مانند دیگر اعیاد نیست که در آن روایت‌های فراوانی آداب و دعاهای خاصی مطرح نموده باشند اما مناسب است در کنار صله رحم‌ها و بازدیدها و تلاش برای اصلاح رفتارها و دعای تحويل سال به این روایت نیز عمل کنیم:
معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام درباره نوروز روایت کرد فرمود:
«هر وقت نوروز شد پس غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و خود را با بهترین عطرهایت خوش بو کن و آن روز را روزه بدار، پس زمانی که نافله‌های نمازهای ظهر و عصر و خود نمازهای (ظهر و عصر) را خواندید پس بعد از این‌ها چهار رکعت نماز بخوان (دو رکعتی)، در اول هر چهار رکعت سوره فاتحه الكتاب بخوان و ده بار سوره «انا انزلنا فی لیله القدر» و در رکعت دوم فاتحه الكتاب و بعد ده مرتبه «قل يا ایه‌ها الکافرون» و در رکعت سوم فاتحه الكتاب و بعد ده مرتبه «قل هو الله احد» و در رکعت چهارم فاتحه الكتاب و بعد ده مرتبه سوره «فاس و فلق» را بخوان و بعد از خواندن این چهار رکعت سجده شکر کن و در سجده، دعا کن (برای خودت) که گناه پنجاه سال تو آمرزیده شود.»

مهدي آخرين «مائده آسماني»

«ربَّنَا أَنْزَلْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيَداً لَأُولَنَا وَآخِرَنَا وَآيَةً مَّنْكَ...»^۷ «خدایا نازل کن برای ما مائدای از آسمان که برای اولین و آخرین از ما عید باشد و نشانه‌ای از تو ...»

اولین مائدۀ آسمانی پس از وجود نازنین و گرامی رسول اکرم ﷺ، حضرت علی علیه السلام بودند. حضرت رسول ﷺ در روز ۱۸ ذی الحجه در غدیر خم، حضرت علی را به عنوان امام و جانشین پس از خود معرفی نمودند و از همگان بیعت گرفتند و جمعیت حاضر به ولایت و امامت ایشان پس از رسول گرامی اسلام اقرار نمودند.

در این روز بزرگ، خداوند بر ما متن نهاد و با نزول آیه ۳ سوره مبارکه مائدۀ «...اليوم أكملتْ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتْ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَحْبَتْ لَكُمُ الْإِسْلَامُ دِينًا...» و نصب آن حضرت به امامت، نعمتش را بر همگان تمام نمود و دینشان را کامل کرد.

اما متأسفانه نه ایشان و نه دیگر ائمه علیهم السلام به دلیل کارشکنی‌ها، مشکلات و وجود کوتاه فکری و سطحی‌نگری عوام، موفق به اجرای بخشی از برنامه‌ها و پیاده نمودن اهداف الهی نشدند.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تها و آخرین مائدۀ آسمانی، یگانه منجی عالم بشریت است که تمام اهداف الهی بر روی زمین پیاده خواهد شد. زمین زنده خواهد شد «یُحِبِّی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۸ و هر آن‌چه درون خویش دارد آشکار می‌سازد، همدلی و برابری و برادری ایجاد خواهد شد، بدعت‌ها از میان می‌روند و آداب و سنت اسلامی جان آن را می‌گیرد، باطل شکست می‌خورد و حق جانشین آن می‌شود، دین اسلام بر سایر ادیان و همچنین بر شرک و نفاق غلبه می‌یابد و مومنین وارث زمین می‌گردند.



«أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۹ و پس از آن عبادت پروردگار خالصانه و به دور از شرک بر سرتاسر زمین حاکم خواهد شد و دنیا روزی تازه و نو را شروع خواهد نمود.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلُفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيَنَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مَنْ بَعْدَ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَأَيُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»^{۱۰}

آری، روزی که مهدی فاطمه، بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء، بیاید آن روز عید واقعی و حقیقی ماست، عید فردی و اجتماعی ماست، چه زیباست که قبل از آمدن حضرتش، درون خویش را همچون عید نوروز متحول کنیم و به خانه تکانی دل پردازیم و خویش و جامعه را آماده ظهور حضرت نماییم چرا که بهار و عید واقعی، زمان ظهور حضرت است، چون عاشق واقعی، رنگ معشوق به خود می‌گیرد و همچون مجنون در راه لیلی جان می‌دهد، با آمدن او جان‌ها، تازه می‌شوند و از معرفت الهی سیراب می‌گردند.

اسیر طعنه خارم خدا کند که بیایی گل همیشه بهارم خدا کند که بیایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«... وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهِرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ وَ وَلَادُ الْأَمْرِ وَ يَظْفِرُهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالدِّجَالِ فَيُصْلِبُهُ عَلَى كَنَاسَةِ الْكَوْفَةِ...»^{۱۱}

«نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحب امر ظاهر خواهد شد و خداوند او را بر دجال غلبه می‌دهد. پس آن حضرت دجال را بر کناسه کوفه به دار می‌کشد...»

اینک دستی به دعا بر می‌داریم و با گریه و زاری می‌گوییم:

«اَيْنَ السَّبِبُ الْمُتَصلُّ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ»

پی نوشته:

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۹۱؛ وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۸۸.
۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.
۳. الفقيه، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۴.
۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳، ح ۶۴.
۵. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه عید.
۶. لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ح ۳۱۹.
۷. سوره مائدہ، آیه ۱۱۴.
۸. سوره روم، آیه ۲۴.
۹. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۱۰. سوره نور، آیه ۵۵.
۱۱. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۶؛ وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۸۸؛ عوایل اللئالی، ج ۳، ص ۴۱.

نکاتی اخلاقی از آیت‌الله تهرانی*



هر شب به حساب خود رسیدگی کن

راه غلبه بر نفس، محاسبه است، بعضی اولیای خدا یک دفتری همراه خود داشتند و هر کاری که می‌کردند می‌نوشتند، در آخر روز هم نشسته و حساب کارهای خود را می‌کردند که ما در این روز چه کردیم، چه مقدار اطاعت خداوند متعال را نمودیم، چه مقدار سریچی و نافرمانی کردیم. امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل خیرا استزاد الله منه و حمد الله عليه و ان عمل شرّا استغفار الله منه و تاب اليه^۱

از ما نیست کسی که هر روز به حساب نفس خود نرسد؛ پس اگر کار خوبی انجام داده بود خدا را شکر کند و از خدا بخواهد که آن کار را بیشتر و بهتر بتواند انجام دهد و اگر کار بدی انجام داده بود استغفار و توبه نماید. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: لا یکون العبد مؤمنا حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبة الشريك شريكه و السید عبده^۲؛ انسان مؤمن نخواهد بود، تا این که به حساب نفسش برسد؛ شدیدتر از حسابرسی شريك با شريکش و مولی با بندهاش. امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمودند: القب حرم الله، فلا تسکن حرم الله غير الله^۳؛ قلب، حرم خداوند متعال است پس در حرم او غیر او را ساکن مکن.

گاهی هوایما برای فروند آمدن به طرف فروندگاه می‌آید ولی به خلبان پیغام می‌دهند به علت شلوغ بودن و فروند هوایماهای زیادی در فروندگاه، فعلا فروند آمدن ممکن نیست. شب قدر هم، ملاکه بر قلب ما نازل می‌شوند لکن جای خالی برای فروند آمدن پیدا نمی‌کنند (زیرا قلب ما پر از محبت دنیا، خانه، ماشین، پست و مقام، پول و ثروت و حب معروفیت و مشهوریت و ... است) لذا بر می‌گرددند. قلب خودت را از غیر خدا خالی کن تا نور خدا و ملاکه خدا بر قلب تو نازل شود. شخصی به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام عرض کرد: شما چگونه به این مقام رسیدید؟ حضرت فرمودند: جلوی در خانه دل نشستم و غیر خدا را ندادم. در کندوی زنبورها همیشه چند زنبور ایستاده‌اند و اگر اجنبی یا زنبوری که روی گل‌های بدبو نشسته بخواهد داخل شود، جلوی او را می‌گیرند و نمی‌گذارند داخل شود، ما هم باید از این زنبورها یاد بگیریم. شخصی نزد آیت الله العظمی اراکی حجه آمد و تقاضای موعده کرد، آقا از او پرسیدند: شغلت چیست؟ گفت: نجار، آقا به او فرمودند: یک در هم برای خود بساز و بگذار جلوی دلت!

ای یکدله و صد دله، دل یک دله کن مهر دگران را ز دل خود یله کن

روزی گنجشک نری نزد حضرت سليمان علیه السلام آمد و عرض کرد: این گنجشک ماده به من توجهی نمی‌کند، هر چه من به او محبت دارم در عوض او به من بی محبتی می‌کند. حضرت از گنجشک ماده بازخواست کرد، گنجشک ماده گفت: دروغ می‌گوید که به من محبت دارد، یکی دیگر را هم زیر سر دارد و دوست می‌دارد! حضرت سليمان زار زار گریه کرد. می‌دانی چرا؟ یعنی: خدایا نکند در قلب ما هم، غیر تو جای گرفته باشد^۴؛

طلبیه باید علاوه بر درس، اهل نوافل، مستحبات و تعقیبات نماز باشد. استاد ما حضرت آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان حجه می‌فرمودند: انسان باید عبادات مستحبی را در طول سال حداقل یک بار هم شده نوبر کند و (بچشد) مثل میوه‌ای که انسان هر سال نوبر می‌کند. وقتی که نماز اول ماه می‌خوانی، مفاتیح را بردار و مناسبتها و اعمال آن ماه را هم بین و عمل کن. قرآن و مفاتیح نباید از کنار سجاده شما دور باشد. مقدسی باید متوسط باشد، این طور نباشد که اصلاً تعقیبات نماز یا نماز شب و اعمال مستحبی را نخواند و یا این که تمام اوقات خود را به این گونه اعمال بگذارد؛ یا وقتی به قم می‌رود به مسجد جمکران نزود و این طور هم نباشد در ایام درسی، کلاس و درس و بحث خود را تعطیل و مثلاً عازم قم و جمکران و یا دیگر عتبات عالیات شود.

پی نوشته

زنگنه
زنگنه
زنگنه

* برگفته از افق حوزه، شماره ۲۱۷. ۱. بخار الانوار، ج ۷۰، ص ۷۲. ۲. همان، ج ۷۷، ص ۸۸ و ج ۷۰، ص ۷۲. ۳. همان، ج ۷۰، ص ۲۵؛ جامع الاخبار، ص ۵۱۸.
۴. همان، ج ۱۴، ص ۶۵.

فتیمت ششم

مکالمه

احکام و سنت تحول در حیات و نیز عوامل پیشرفت علمی و منطق عبور مستمر از صالح به اصلاح بود به پیش رفتند و با آن همگامی کردند. آقای محمد سعید رمضان البوطی در موارد نقض و در موضع

نقد این تفکر می‌گوید:

پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان در مکه دارای آداب و رسوم و عادات خاص خویش بودند ... و چون به مدینه منوره هجرت کردند در آن جا با عادت‌هایی غیر از آن‌چه با آن خو گرفته بودند روبرو شدند ...

در مکه اکثر مسلمانان با لباس دوخته آشنا نبودند ولی چون در مدینه مستقر شدند و مردم دیگر شهرها نام و آوازه آنان را از همدیگر شنیدند و با آنان در آمیختند، لباس دوخته و حلجهای یمنی و غیر عربی فاخر بر تن کردند...». در خانه‌های مکه چیزی به نام توالت وجود نداشت اما چون به مدینه آمدند آن را در خانه‌های خود

منطقی، آن‌ها دو راه و دو پاسخ دارند و راه یا پاسخ سومی متصور نیست.

پاسخ اول: آن که به ما گفته شود: راه این کار پاییندی به ظاهر جزء به جزء گفته‌ها و کردها و برخوردها و عادت‌هایی است که سلف بدان‌ها ملتزم بودند و عمل می‌کردند. بی آن که چیزی بر آن بیفزاییم، چیزی بکاهیم و تغییری در آن دهیم. در این صورت ناگریز باید به آن‌ها بگوییم: اما سلف نیز خود به گفته‌ها و کردها و برخوردهایی که از آنان صادر می‌شد چنین نگاه خشک تقدسی نداشتند که به موجب آن می‌باشد میخ جاودانگی بر آن گفته‌ها و کردها بکویند و در مقابل آن برخوردی به سان برخورد با یک شهر طلسم شده داشته باشند! بلکه آنان چنین نگاه ثابت را تنها به آن دسته از اصول کلی و احکامی که به صورت صریح و قاطع در کتاب خداوند بر آنان نازل شده یا رسول خدا ﷺ ایشان را بدان مخاطب ساخته بود و پس از آن همراه با آن‌چه مقتضای علل

در شماره پیشین بیان شد که با وجود منافقین در زمان پیامبر ﷺ (به شهادت قرآن و تاریخ)، نقدهای اساسی و سؤالات زیادی بر پایه‌های فکری این مذهب خود ساخته بی‌جواب مانده است، از جمله این که:

۱. منافقان زمان پیامبر ﷺ که مصاحب با او بودند بعد از پیامبر ﷺ چه شدند؟ آیا این مصاحبان، یا صحابی‌ها توبه کردند یا همگی مردند تا این که ما بدون هیچ استثنای از همه اصحاب و صحابه پیروی کنیم و همه آن‌ها را مقدس بشماریم؟

۲. با توجه به اختلافات بسیار زیاد و حتی در بعضی موارد متضاد و متناقض مانند اختلاف حضرت علی علیهم السلام و طلحه و زبیر و عایشة. اختلاف حضرت علی علیهم السلام با خوارج و معاویه، اختلاف امام حسین علیهم السلام و یزید و ... ما از کدامیک از اصحاب پیروی کنیم.

۳. در صورت قبول یک نظر که در بعضی موارد لازمه‌اش رد کردن نظر صحابی دیگر است چه باید بکنیم؟

۴. ملاک و معیار انتخاب یکی و رد دیگری برای من به عنوان مقلد از سلف چیست؟ و ... سؤالات اساسی دیگری که پاسخی برای آن وجود ندارد و هرچه بیشتر دست این فرقه خود ساخته و مورد حمایت دشمنان قسم خورده اسلام و دین پیامبر اکرم ﷺ را رو می‌کند و روز به روز مسلمانان به ماهیت استعماری این فرقه پی می‌برند، فرقه‌ای که همه مسلمانان را به غیر از خود کافر می‌داند و خون و جان و مال و ناموس آن‌ها را برای خود مباح می‌شمرد و تاریخ، جنایات بی‌شماری از آن‌ها در حافظه خود به ثبت رسانده است. حال ادامه بحث:

با وجود این می‌توانیم کوتاه آمده، از باب مماثلات با خصم در جدل بپرسیم: اکنون ما می‌خواهیم به سلک این گروه درآییم و عضوی از آن شویم. بفرمایید اساسنامه این گروه که اگر از آن پیروی کنیم عضوی از این گروه می‌شویم چیست؟ بنا به حصر

شیوه‌ای علمی است که این جماعت برای تفسیر متون دینی، استنباط احکام و معین کردن اصول تفکر و اجتهاد، آن را تدوین و تفسیه کرده‌اند.

در صورت اظهار چنین پاسخی از سوی آنان می‌گوییم: اما - بنابر آن‌چه برای عالمان و اهل تحقیق و پژوهش روشن است - این روش هیچ زمان اساسنامه یا نشانی مشخص نداشته است^۲ بلکه می‌دانیم نیمی از دوران سلف در حالی سپری شده است که اثری از وجود این روش چه در حد اصطلاح و چه در مرحله تدوین و چه در حد اتفاق بر آن و پایاندی بدان وجود نداشته است.^۳

بدین ترتیب روش می‌شود جاده‌ای را که وهابیت با چراغ سلفیه می‌خواهد مردم را به آن دعوت کند جاده‌ای تاریک و بی مقصد است و خود آنان نیز نتوانسته‌اند تناقضات و تضادهای موجود در بیانات خود را حل کنند و با این دعوت، خود آن‌ها یک مذهب تشکیل داده و به مذاهب دیگر اضافه کرده‌اند و اکثیریت قریب به

اتفاق فرقه‌های اسلامی (شیعه یا سنی) آن را فرقه‌ای استعماری یا مورد حمایت استعمار می‌دانند که برای پیش برد اهداف دشمنان اسلام در میان مسلمانان، خنک کرده‌اند.

ادامه دارد

پی نوشت

١. ر.ك: ابن سعد، الطبقات، ج ٥، ص ٣٦٨؛ سلفيه بدعت يا مذهب، ترجمه حسين صابري، حاip دوم، ص ٢٥ - ٢٨.

۲. البه به اعتقاد شیعه چانشینان راستین پیامبر که همان آنمه معصومین هستند و همانند پیامبر مصون از خطأ، کسانی هستند که تمام احکام الهی را و همچنین تفسیر قرآن کویی را به اذن الهی از پیامبر اکرم به ارت برداشته و بعد از پیامبر این علم به حضرت علی و بعد از او به یازده فرزندش که آخرین آن‌ها حضرت حجت بن الحسن العسکری است منتقل شده است و آنان به عنوان هادیان امت اسلامی حامل تمام علوم پیامبر به اذن الهی هستند و به خاطر وجود این علم هرگز دچار خطأ و استیاه نمی‌شوند.

^{۳۹} سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، چاپ دوم، ص ۲۹.

ساختند. پیامبر ﷺ هفت یا هشت سال در مسجد خود در حالی که به تنہ درختی تکیه داشت خطبه می خواند اما پس از آن - بنابر آن چه بخاری از جابر روایت کرده - زنی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا، آیا مایلی چیزی برای این که بر آن بنشینی برایت تهیه کنم؟ من غلامی دارم که نجار است. حضرت فرمود: «... اگر خواسته باشی» بدین ترتیب منبری برای او ساخته شد و چون جمعه فرا رسید وی بر همان منبری که برایش ساخته شده بود نشست....

رسول خدا مسجد خویش را از خشت و سقف آن را از تنه درختان خرما ساخت و زمین آن را خاکی رها کرد، اما چون دوران خلافت عثمان فرا رسید همین مسجد با سنگ و کچ تجدید بنا شد. کوچه‌های مدینه تنگ و باریک و خانه‌های آن کم ارتفاع بود اما چون خلافت عمر فرا رسید ... عمر به تهیه نقشه‌ای برای بنای شهر کوفه پرداخت در این نقشه خواصی تازه‌ای را برای عرض



خیابان‌های اصلی و کوچه‌های فرعی و میزان ارتفاع ساختمان‌ها مشخص کرد. در طول دوران صحابه هیج کس مانع بنای ساختمن در هر قسمت از اراضی مِنا نمی‌شد اما چون دوران عمر بن عبدالعزیز فرا رسید و حجاج رو به فروتنی نهادند او نامه‌ای به مکه فرستاد که در آن ساختن هر گونه بنایی در مِنا را منع کرد...^۱

بدین ترتیب روشن می‌شود که نخستین پاسخ به پرسشی که مطرح کردیم پاسخی بیهوده و بی معناست چه این که خود سلف، خویشتن را گرفتار زندان جمود و پاییندی جزء به جزء گفته‌هایی که از آنان صادر شده بود نکردند. آقای سعید البوطی در ادامه نقد خود می‌گوید:

اما پاسخ دوم این است که به ما گفته شود: راه درآمدن در سلک این جماعت و همنگ ایشان شدن آشنایی یافتن با همان

ذنک‌ها

احمد حاج قلی*

در قسمت قبل، علل و عوامل فرهنگی از علل و عوامل پیدایش مدعیان و فرقه‌های انحرافی بیان شد و اینک ادامه مطلب:

ب. علل و عوامل اجتماعی و اقتصادی

تبیعیض‌ها و ظلم حکام ظالم، جنگ‌ها و نالمنی‌ها و فقر اقتصادی، افراد جامعه را دچار سرخوردگی و فشارهای روانی می‌کند و آن‌ها را به فکر بروز رفت از آن مشکلات می‌اندازد و این جاست که عده‌ای از صیادان دل‌ها با ادعای نجات‌بخشی نسخه می‌پیچند و به مردم می‌دهند و پاره‌ای از مردم نیز فربی آن‌ها را می‌خورند و با دنباله‌روی کردن از آن‌ها مشکل پیچیده‌تری را برای خود و همنوعان خود ایجاد می‌کنند و این جاست که مسؤولیت متولیان جامعه برای حل مشکلات اجتماعی و معیشتی مردم بیش‌تر مورد تاکید قرار می‌گیرد و باید توجه کنند که فقر می‌تواند بخشی از مردم را از دین خارج کند که از پیامبر ﷺ روایت شده است «کاد الفقر ان یکون کفرا»^۱ نزدیک است که فقر به کفر انجامد.

ج. عوامل سیاسی

۱. استبداد داخلی: برخی از حکام ستمگر، نفع خود را در فرقه‌سازی دینی می‌بینند تا بدین وسیله اولاً، مردم را از هم پراکنده کنند و به راحتی بر آنان سیطره داشته باشند، ثانیاً گاهی این فرقه‌ها توجیه‌گر ظلم و ستم‌های آن‌ها می‌شوند چنان‌که اشعاره ظلم حکام ظالم را توجیه می‌کرند و حکام هم از آن‌ها حمایت می‌کردند.

۲. استبداد خارجی: استعمارگران و دشمنان دین، دین را مهم‌ترین مانع تسلط خود بر کشورهای اسلامی می‌دانند و به همین خاطر در صدد فرقه‌سازی در ممالک اسلامی برمی‌آینند تا از قدرت رهبران دینی بکاهند و بعد به راحتی بتوانند منابع آنان را غارت کنند همان‌طور که روسیه‌تزاری در جنگ‌هایش با ایران متوجه قدرت دین و روحانیت شیعه شد و با حمایت از گروهی فاسد، بایت و بهائیت را به وجود آورد.^۲

آقای رضابی با شنیدن کلمه بایت و بهائیت مثل کسی که مدت‌ها دنبال گمشده‌ای بوده که به یکباره آن را پیدا کرده با اشتیاق از استاد خواست در صورت امکان از این فرقه‌ها به صورت مفصل بحث کند و استاد هم گفت: «اگر خدا بخواهد در مباحث آینده به این دو فرقه هم خواهیم پرداخت». از این وعده استاد همه حضار در جلسه خوشحال شدند و آقای روح‌الله‌ی برای ابراز تشکر از این تصمیم استاد گفت: «برای سلامتی استاد حقیقت‌گو صلوات...».

پس از معطر شدن فضای جلسه با صلوات بلند حضار، آقای حقیقت‌گو با حالتی که شرمندگی از آن پیدا بود از همه تشکر کرد و گفت: «اجازه می‌خواهم آخرین مطلب را هم در بحث عوامل خیلی خلاصه ذکر کنم.

د. ویژگی‌های روحیات فردی مدعیان

مدعیان دروغین و فرقه‌سازان دارای اوصاف ناپسندی مثل قدرت طلبی، شهوت رانی، دنیا پرستی، خودشیفتگی، عقده حقارت و احساس کمبود شخصیت، ضعف ایمان، نفاق، حیله‌گری، خود باختگی، بلند پروازی و ... هستند که این ویژگی‌ها، آن‌ها را برای ادعاهای گزاف و حتی ناسازگار با هم آماده می‌کند که تفصیل آن‌ها از حوصله بحث ما خارج است.

نکته‌ای که در پایان بحث علل و عوامل پیدایش مدعیان دروغین و فرقه‌های انحرافی قابل ذکر است این است که در برخی از مدعیان همه عوامل مذکور دخیلند و در برخی، بعضی از آن‌ها مؤثرند. البته بنده مدعی حصر عوامل به آن‌چه ذکر کردم نیستم و ممکن است عوامل دیگری هم در اینجا وجود داشته باشد و اما بحث بعدی ما ذکر بعضی از مصاديق مدعیان نیابت و مهدویت می‌باشد.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها

- *. استاد و کارشناس فرقه‌های انحرافی.
- ۱. میزان الحکمه، ج. ۷، ص. ۴۹۸، ۱۵۶۸۴.

طرح ریزی

ارزش انسان در جریان فکری روشن می‌شود، توانایی و قدرت و مقاومت او با ظرفیت روحی اش بالا می‌رود و به همتی دست می‌باید که با آن حرکت می‌کند و با چیزهایی روبه‌رو می‌شود و آمادگی می‌باید.

انسان با شناخت قدر و ارزش روابط گسترده‌اش در هستی، همتهای بلندش شکل می‌گیرد. او به دنبال هدفی بالاتر از رفاه آزادی، عدالت و تکامل می‌گردد و برای این ارزش و هدف بلند ناچار است که طرحی درافکند. نیازها، مسائل، مراحل و موانع را بشناسد و از نشدنی‌ها نهارسد و همواره پا پیش نهد.

بنابراین، هدف، پایه طرح است و انسان با شناخت قدر خود هدف را می‌باید. پس از شناخت هدف، برای رسیدن به آن، در طرحی جامع به تقسیم کار می‌پردازد و از پراکنده‌کاری می‌گریزد. این گونه، جریانی فکری در برابر شباهای و ظرفیت روحی در برابر رنج‌ها و گرفتاری‌ها و طرحی در برابر پراکنده‌کاری‌ها رخ می‌نماید و آن را پاس می‌دارد.

کتاب و میزان

انسان به همراه بینات، به جریان فکری و ظرفیت روحی و طرح کار دست می‌باید. بینات همان حقایق روشن و روشن‌کننده‌ای هستند که مصاديق بسیاری مانند بیان و استدلال، سیره و برخورد و عمل و معجزات و کرامات و نشانه‌های روحی و اخبار ادیان گذشته را در بر می‌گیرد.^۱

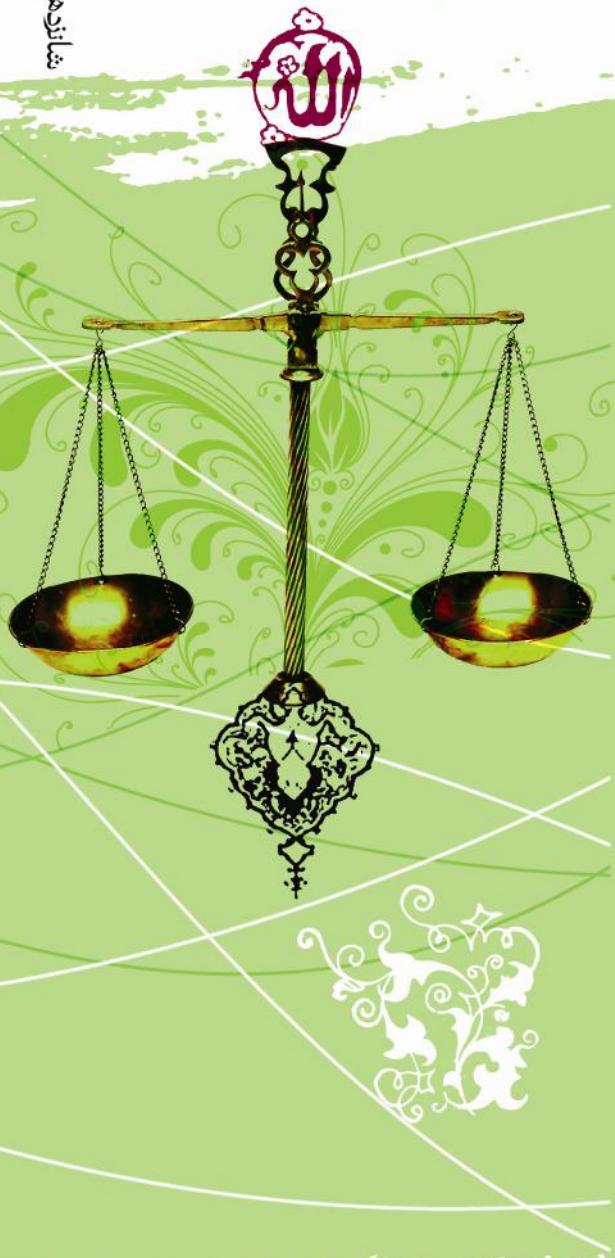
شناخت قدر و اندازه وجودی انسان، از نزدیک‌ترین و پربارترین راه‌هایی است که این حقایق روشن و روشن‌گر را فرا روی او می‌تواند قرار دهد؛ زیرا هرکس از خودش در ک حضوری و بی‌واسطه دارد. انسان با شناخت قدر و استعداد خود، به مقدار استمرار و ادامه خود و به جهان دیگر روی می‌آورد. همان‌طور که از توانایی‌های بچه در رحم مادر، به استمرار او در جهان دیگر می‌توان پی برد.

انسان در مجموعه عظیم هستی، با هدف بالاتر از وجود خویش و جهت عالی‌تر، به رسول و امام رو می‌آورد. «جایگاه» انسانی که در تمامی هستی مطرح است، نه در یک کشور و «هدفی» که به بالاتر از او گرایش دارد، نه لذت، رفاه و قدرت، نیاز به حکومت و رهبری رسول و امام معصوم را نشان می‌دهد. کسانی که خود را از دست می‌دهند، هیچ ایمانی نخواهند داشت: «الذین خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون»^۲. آنان هیچ‌گونه ایمانی به الله، غیب، «یوم الآخره» و وحی ندارند؛ زیرا همه این ایمان‌ها در گرو ایمان به قدر انسان و در گرو شناخت انسان از خویش است.^۳

هدفی چون رشد انسان و جایگاه او در جهان هستی، با وجود حاکمی برآورده می‌شود که به تمام هستی آگاه و از تمام کشش‌ها آزاد باشد. از همین‌رو، معیار عصمت رخ می‌نماید. مردم هرگز رسول و امام را نمی‌توانند معین کنند؛ زیرا این گزینش در قلمرو اختیار و انتخاب انسان نیست؛ چون مردم به دل‌ها آگاهی ندارند و از فردا هم بی‌خبرند. تنها خداوند، رسول و امام را می‌تواند برگزیند. عصمت و آگاهی به تمامی راه و آزادی از کشش‌ها همان معیار و میزان شیعه در اهمیت و طرح حکومت است.



تلیثت حام



مسئله امام عصر و حجت قائم و «انتظار» او با وجود همین مهم سامان می‌یابد. هنگام غیبت نیز بر فقیه است که «تلقی» انسان‌ها را دگرگون کند و «هدف‌ها» را به آن نشان بدهد و «جای‌گاه» و «قدر» شان را یاد آورد. تا جامعه انسانی به نان و مسکن دل نبندند. و در انتظار معصوم، به روحیه، فکر، برنامه و عمل خویش سامان دهند و در دشمن نفوذ کنند که «انتظار» و «تفیه»، مقدمه «قیام» است.^۴

همواره با وجود افراد، جامعه را در ساختهای فکر، ظرفیت و طرح به گونه‌ای بیانات می‌توانیم تربیت کنیم که شبهه‌ها، رنج‌ها، و پراکنده‌کاری‌ها در اوج تحمل و مقاومت باشند، ولی باید توجه نمود که انسان در مرحله عمل گذشته از فکر، ظرفیت و طرح، به دو عامل دیگر نیازمند است.

خداآنده در سوره حیدد به روش تربیتی انبیا چنین اشارت می‌فرماید که آنها همراه بیانات، کتاب و میزان بوده‌اند و این دو عامل را پس از بیانات یاد می‌کند. همراه با این دو عامل (کتاب و میزان) افراد جامعه تربیت می‌شوند و به وسعتی دست می‌یابند که نوع دیگری از رهبری و مدیریت را بتوانند تحمل نمایند تا این که خود مردم جامعه با بیانات و کتاب و میزان به پا ایستند و قسط را به پا دارند. رهبری انبیا خصلتی است که با بیانات تمامی راه را بنمایاند و رابطه‌ها را بشناساند، با کتاب و ضابطه‌ها برسانند و هنگام تراحم دو دستور با میزان‌ها و معیارها از بن‌بست برهانند. بنابراین، انسان در مرحله عمل در برخورد با هر پدیده به دنبال حکم و ضابطه‌ای است؛ چون در گستره روابط جهان هستی بی‌حساب و کتاب نمی‌توان گام برداشت، از این‌رو، نیازمند حدودی خواهیم بود که فقه، آگاهی بد همین حدود است.

آدمی در مرحله عمل، گذشته از آگاهی به حدود، به میزان نیاز دارد؛ چون فقه بدون آگاهی از میزان‌ها ناکار آید و برای فهم روح حکم و برای نجات از تراحم حکم‌ها، به میزان نیاز افتند.

برای اشاره عامل میزان، در مرحله نخست به قدر انسان باید اشاره کرد که میزان انتخاب مکتب‌ها و گروه‌های است. انسان با دانستن قدر خود به توحید و رشد می‌رسد. و با توجه به عامل عمل، جهت عمل و اثر عمل به میزان‌هایی برای فهم روح حکم دست می‌یابیم. هنگام تراحم حکم‌ها به میزان اهمیت و صعوبت رو می‌آوریم میزانی که درجه وجودی ما را به نشان می‌دهد و جریان اسلام، ایمان، تقوی، احسان، اخیات و اخلاص ما را نشان می‌دهد، حالت‌ها و اشک و شور و اعمال ما نیست، بلکه علامت‌هایی است که در هر مرحله وضع انسان را مشخص می‌کند.

پی‌نوشت

- *. عضو هیئت علمی پژوهشکده مهدویت.
- ۱. ع - ص - نامه‌های بلوغ، ص ۲۵۰.
- ۲. سوره انعام، آیه ۱۲.
- ۳. پیشین، ۲۹-۲۸.
- ۴. پیشین، ص ۲۸.

فصل سوم

عهده‌منظر



جنبش انداز رشد اخلاقی

بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام فقط دارای بعد سیاسی، نظامی و اجتماعی ساده نخواهد بود، بلکه طبق روایات، مهم‌ترین بعد آن، تحولات فرهنگی است که در درون افراد و به تبع آن در سطح جامعه رخ خواهد داد. در آن عصر دل‌انگیز و شورآفرین، انسان‌ها از درون تحول می‌یابند و بینش‌های مادی به معنی و روحانی تبدیل می‌شود. کوتاه بینی‌های افراد جای خود را به دوراندیشی و تفکرات عمیق انسانی خواهد داد و در اثر انقلاب جهانی، انقلاب اخلاقی در بالاترین سطح ممکن در انسان‌ها پدیدار می‌شود و ارتباطات صحیح انسانی که تمام انبیا، اولیا و صلحاء برای تحقق آن تلاش کرده‌اند، به اوج خود خواهد رسید. در عصر پس از ظهور در اثر رشد اخلاق، مدنیه فاضله یا شهر خدا تشکیل خواهد شد. این چشم‌انداز در روایات معصومین علیهم السلام اذعان شده است.

امام الموحدین علیه افضل صفات المصلین می‌فرماید: «تأمن السبل حتى تمشى المرأة بين العراق والشام لا تضع قدميهما ألا على الثبات وعلى رأسها زنبيلها لايهميجها سبع ولا تخافه»؛ «راهها امن شود؛ به طوری که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز روی گیاه نگذارد، سبدش را بر سرش بگذارد و از درنده و درنده‌خوبی باک ندارد».^۱

از احادیث استفاده می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام در برابر جاهلیت قرار می‌گیرد اما از نوع مدرن آن. جاهلیت مدرن از موانع پیش روی امام عصر علیه السلام خواهد بود. جهان در آستانه ظهور، تصویری سیاه و هولناک دارد. اخبار آخرالزمان گرداب بی‌اخلاقی را هشدار داده است. وجود نامنی، فساد و فسق علی و برهنگی و الودگی انسان‌ها به گناهان کوچک و بزرگ ره‌آورد عصر مدرنیته است. به راستی امام عصر علیه السلام چگونه این معضلات بزرگ فرهنگی را حل می‌کند؟ بدون تردید او برنامه‌ای جامع و همه جانبی برای رشد اخلاق خواهد داشت و در هنگام ظهور اجرا خواهد کرد. آن‌چه در پی می‌آید، گوشاهای از این مکانیسم و برنامه است که از میان روایات استخراج شده است.

مفهوم اخلاق

واژه «اخلاق» به لحاظ لغوی از ریشه «خُلُق» به معنای خوی درونی و ملکات باطنی و روحی است، در برابر خلق که به جنبه جسمانی و ظاهری انسان اشاره دارد. اخلاق در منابع و علوم اخلاقی و دینی سه کاربرد متفاوت دارد: رفتار اخلاقی، گزاره‌های اخلاقی، خصلت‌های اخلاقی



حامد اسلامجو*

لalon دل عصر ظهور

مکانیسم رشد اخلاق در واقع به کارگیری، بهترین شیوه‌ها و روش‌های عملی اخلاق و رشد آن در فرد، فرد جامعه اخلاقی، آرمانی، عصر ظهور می‌باشد که تحقق آن با تشکیل دولت اخلاقی و رهبری شخصیت الهی امام عصر^{علیهم السلام} که تندیس اخلاق و ملکات فاضله انسانی است. این مهمترین غایتی است که انبیا بدان مبعوث شده‌اند؛ یعنی تتمیم و تکمیل و رشد خُلق‌های فاضل و صفات اخلاقی «إنى بعثت لأتهم مكارم الاخلاق».

دولت اخلاقی

موضوع مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران، ایجاد نظم اجتماعی مطلوب بوده است. نظم اجتماعی مطلوب به معنای برقراری روابط عادلانه، امکان سعادت و مهرورزی انسان در حیات اجتماعی است که خود، محصول اخلاقی شدن فرد فرد آن جامعه می‌باشد و جامعه‌ای که سراسر ارزش و فضیلت باشد، مستلزم وجود نهاد دولت بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و رهبری اخلاقی و بافضیلت است. در عصر ظهور امام عصر^{علیهم السلام} به عنوان برگزیده و رهبر آسمانی با تشکیل دولت اخلاقی و ارزشی، حکومتی فراگیر با هدف وصول همه انسان‌ها به سعادت، پیوند عمیقی میان فعل سیاسی و فعل اخلاقی برقرار خواهد ساخت.

در حدیث امام علی^{علیهم السلام} چنین آمده است:

«مهدی^{علیهم السلام} از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و زنا نکنند، خون بی‌گناهی را نریزنند، حریمی را هتك نکنند، به تاحق برخانه‌ای هجوم نبرند و کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جو احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی‌ها دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، بر خاک سر نهند و در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کنند».^۱

ادامه دارد

بی‌نوشت

* پژوهشگر مباحث مهدویت.

۱. تحف العقول، ص ۱۱۵.

۲. منتخب الأئمّة، ص ۴۹۶.

میراث اسلام

دکتر روح الله شاکری زوارده*

دانشگاه
بنیاد
جوانان

در شماره‌های قبل، به تعریف اجمالی واژه نجات و واژه دین پرداختیم اینکه ادامه مطالب؛ تعییر ادیان، تسامحی و بنابر روش متدالو علم دین‌شناسی است و گرنه از نظر قرآن و اسلام دین یکی است که در طول تاریخ به تناسب نیاز بشر و اقتضای زمان در چهره شریعت‌ها ظهور پیدا کرده است آن دین واحد که براساس فطرت انسانی است همان اسلام است. بنابرین مراد از ادیان، شریعت‌ها است منتهی نه فقط شریعت‌های ابراهیمی بلکه همه ادیان چه ابراهیمی و توحیدی و چه غیرابراهیمی و غیرتوحیدی و نیز مراد از ادیان معنای عام آن است که شامل ادیان غیر الهی مانند مکاتب بشری نیز می‌شود.^۱ پس بررسی مبانی مشترک مهدویت به گستره جهان انسانی می‌شود چه انسان‌های پیش از اسلام و چه پس از اسلام؛ و چه انسان‌های ساکن در سرزمین‌های عربی و اسلامی و چه انسان‌های ساکن در باختر و خاور.

عقيدة ظهور موعود و منجی در تاریخ ادیان، برخاسته از ضرورت نجات‌خواهی بوده است، بنابراین شایسته است تا پیش از طرح موعود و منجی‌شناسی ادیان اندکی درباره نجات سخن گفته شود و انتظار به فرجام نیک و نجات در ادیان مهم بررسی شود تا روشن شود که اصل نجات‌خواهی و انتظار رهایی، یک اصل و امید مشترک ادیان است. این نوشتار براساس تقسیم ادیان به ابراهیمی و غیر ابراهیمی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

بخش اول: ادیان ابراهیمی

در مطالعات تطبیقی ادیان می‌توان گفت، دین‌های ابراهیمی همه از سنت ابراهیم ﷺ یعنی دین حنف او الهام می‌گیرند، دین‌های یهود و مسیحیت و اسلام از جهاتی با یکدیگر اشتراک دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ادیان ابراهیمی همگی معتقد به تئوری پیامبری هستند یعنی معتقدند خداوند افرادی را انتخاب کرده و برای آنها پیغامهایی را بطور مستقیم یا به واسطه یک فرشته ارسال فرموده است، لذا آموزه‌های آنان - صرف نظر از وضعیت فعلی - وحیانی یا توحید تلقی می‌شود.
۲. قرآن کریم پیروان ادیان ابراهیمی را «اهل کتاب» می‌خواند، برخورد اصولی قرآن با اهل کتاب شبیه با برخورد آن با مسلمانان می‌باشد، بدین معنا که می‌گوید بعضی از اهل کتاب حققتاً پیرو دین حضرت ابراهیم ﷺ - پدر ادیان ابراهیمی و وجه مشترک دین یهود، مسیحیت و اسلام - و مؤمن به خداوند و راسخ در علم هستند و بعضی دیگر افراد بی‌ایمان و دنباله‌ور تخیلات خویش می‌باشند.
۳. پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی، بر پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم، و عدالت اجتماعی و نجات بشر از ظلم و ستم و وراثت زمین به صالحان، اعتقاد راسخ دارند، در یک کلمه می‌توان گفت: فلسفه تاریخ در ادیان ابراهیمی با اعتقاد به ظهور منجی معنی پیدا می‌کند. بر همین اساس تلاش داریم منجی را از نگاه سه دین بزرگ یهود، مسیحیت و اسلام به عنوان ادیان ابراهیمی بررسی نماییم.

ادامه دارد

به نوشته

* استاد حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه.

۱. مشروح تقسیمات، ادیان و مذاهب، ر.ک: سلیمانی اردستانی، سیمیری در ادیان، ص. ۲۸.

جامعه منتظر



در اختراعات محیرالعقل معلوم نگشته است و با این که خود غریبان کمتر در این باره سخنی می‌گویند و اعترافی می‌کنند و برخی که اظهار می‌کنند کمتر اتفاق می‌افتد که همه حقیقت را بگویند اما از باب مثال به بخشی از اعترافاتی که در این خصوص شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. ولتر می‌نویسد:

«در دوران توحش و نادانی پس از سقوط امپراتوری روم، مسیحیان همه چیز را مانند هیئت، شیمی، طب، ریاضیات و غیره از مسلمانان آموختند و از همان قرون اولیه هجری ناگزیر شدند برای گرفتن علوم آن روزگار به سوی آنان روی آورند.



گفتیم توجه به گذشته و افتخارات علمی پیشین و نگاه به تابلوی بلند علوم آینده و پس از ظهور، تلاش و حرکت جامعه منتظر را سرعتی مضاعف می‌بخشد؛ اینک در ادامه بحث اسلام و نهضت رنسانس در غرب به بررسی سخنان خاورشناسان غربی درباره تأثیر دانش‌های اسلامی در شکوفایی و پیشرفت تمدن غربی خواهیم پرداخت:

۱. به عنوان نمونه: «مسلمانان از این خبر نداشتند که ریشه رنسانس مغرب زمین، و خمیرمایه سازمان‌های اروپایی درسهايی بوده است که از مشاهده زندگی پاکیزه مسلمانان مؤمن و عامل به اصول اسلامی، در جنگ‌های صلیبی گرفته بوده‌اند...».^۱

۲. «در طی قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی، تأثیر فلسفه اسلامی در فرهنگ غربی روی هم رفته چنان غلبه داشت که یک عکس العمل، نتیجه قهری آن بود. این عکس العمل، عبارت بود از آن‌چه در قرن یازدهم به نام رنسانس ظاهر شد، گرایش به یونانی‌ماهی برای فرار از اسلام مابایی.»^۲

۳. «در سراسر حیات بشر، دو نهضت برجسته و ممتاز نمودار است که هیچیک از جنبش‌ها و نهضت‌های دیگر را نمی‌توان با آن‌ها مقایسه نمود و به پایه آن‌ها دانست. اولی نهضت عظیم اسلامی است، و دیگر رنسانس، و هر دو زاییده اسلامند.»^۳

۴. «در این روزگار دیگر تأثیر مهم و چشمگیر آنان (یعنی مسلمانان) را، در تاریخ تمدن انسانی، همگان پذیرفته‌اند.»^۴

۵. «ثمرة علم اسلامی البته از میان نرفت (یعنی پس از حمله مغول) لکن مورد استفاده کسانی که درخت این علم را رسانده بودند (یعنی مسلمانان) قرار نگرفت. دستگاه علمی اسلامی، تمام و کمال، به مقیاسی بسیار وسیعتر از علم یونانی، انتقال یافت. همه تجارب، فرضیه‌ها و روش‌های علمی اسلامی مستقیماً به دست فئودالیسم مذهبی اروپا که در حال رشد بود رسید.»^۵

بدینگونه سهم اسلام - چه مستقیم و چه غیر مستقیم - در فرهنگ امروزین و علوم اختراقات و صنایع کنونی و هم آینده تاریخ بشر پدیدار می‌گردد. با این‌که هنوز در این‌باره تحقیقات جامع و کامل صورت نیافته است و به ویژه سهم علوم غریبه مسلمین (به خصوص بخش تجربی این علوم).

پیشگام در داشتن

همین نویسنده، کتاب دیگری هم درباره جبر نوشت که قرن شانزدهم به عنوان کتاب درسی در غرب به کار می‌رفت ... دو فیلسوف مسلمان، یکی ایرانی و دیگری اسپانیایی، شایسته توجه خاص هستند. این دو عبارتند از ابن سینا و ابن رشد. اولی در میان مسلمانان و دومی در میان مسیحیان بیشتر شهرت دارد. ابن سینا (۱۳۰۷ - ۹۸۰) عمرش را در جاهایی گذرانده است که انسان می‌پنداشد فقط در عالم شعر وجود دارند.^۸

او در بخارا متولد شد و در بیست و چهار سالگی به خیوه و سپس به خراسان رفت. مدتی به تدریس طب و حکمت در اصفهان و سپس در ری جایگزین شد. شهرتش در طب بیش از حکمت بود از قرن دوازدهم تا هفدهم آثار او به عنوان راهنمای طب در اروپا به کار می‌رفت ... اهمیت ابن‌رشد در فلسفه مسیحی بیش از فلسفه اسلامی است ... و در فلسفه مسیحی مبدأ و آغاز محسوب می‌شود. Michel آثار وی در قرن سیزدهم به وسیله مایکل اسکات (Scott) به لاتینی ترجمه شد و چون ابن‌رشد این آثار را در نیمه دوم قرن دوازدهم نوشته است، این امر شگفت‌انگیز است ... نویسنده‌گانی که آثار خود را به زبان عربی نوشته‌اند، در زمینه ریاضیات و شیمی تازگی‌های زیادی نشان می‌دهند ... تمدن اسلامی در بهترین ادوار خود از جهت هند و از جهات فنی سیاری قابل ستایش بود، اهمیت این تمدن که نباید آن را تاجیز گرفت، در این است که وسیله انتقال بود. میان تمدن قدیم و تمدن جدید اروپا قرون مظلمه حایل شد. مسلمانان و بیزانسیها دستگاه زاینده تمدن را نگاه داشتند و آن عبارت بود از تعلیم و تربیت و کتاب و فراغت برای مطالعه و تحقیق، هر دوی این ملل - یعنی مسلمانان و بیزانسیها - در برانگیختن مغرب زمین پس از درآمدن از بربریت مؤثر افتادند.^۹

۳. جورج سارتن می‌نویسد:

«شگفت انگیزترین حادثه، پیدایش و رشد انفحاری اسلام بود. هجرت که نمایشگر مبدأ حقیقی آن است. در ۶۲۲ میلادی اتفاق افتاد. پیامبر ۱۰ سال پس از [۴۳] رحلت کرد ... بیش از اسلام، فاتحان دیگری هم پیدا شدند که فتوحاتشان همانطور سریع و عظیم بود، ولی امپراطوریشان بیش از عمر خودشان به پایان رسید. جالبترین جنبه فتوحات اسلامی آن است که این فتوحات قطعی بود البته اول بار بود که یک دین - و مسلمانً نوع نسبتاً متعالی آن - نیروی محرك واقعی نظام امپراطوری می‌شد. حکام دنیوی ممکن است عوض شوند ولی دین پایدار خواهد ماند ... دین محمدی، یا به عبارت بهتر «اسلام» سومین و آخرین شاخصار مهم ادیان یکتاپرستی است ... شروع خارق العاده اسلام آنچنان موضوع

دین اسلام وجود خود را به کشور گشایی‌ها و جوانمردی‌های بنیان‌گذارانش مدیون است در صورتی که مسیحیان به یاری شمشیر و تل آتش، آین خود را به دیگران تحمل می‌کنند ... پروردگار!! کاش همه ملت‌های اروپا روش ترکان مسلمان را سرمشق قرار می‌دادند.

دینی که محمد آورد بی‌گمان از مسیحیت برتر بود. در آین او هرگز یک مرد یهودی (حضرت عیسی) را به خدایی نگرفتند، و یک زن یهودی (حضرت مریم) را مادر خدا نپنداشتند، و یهودیان دیگر را مورد نفرت و کینه خویش قرار ندادند. در آین او هرگز به کفر جنون آمیز مسیحیان دچار نگشتند و یک خدا را سه خدا و سه خدا را یک خدا ندانستند. در آین او هرگز خدای خود را به زیر دندان‌ها خرد نکردند (اشارة به عشاء ربانی) ... ایمان به خدای یگانه، تنها اصل بزرگ آینین محمد بود.

دین محمد دینی است معقول و پاک و دوستدار بشریت. معقول است، زیرا هرگز به جنون شرک گرفتار نگشت و برای خدا همdest و همانند نساخت و اصول خود را بر پایه اسراری متناقض و دور از عقل استوار نکرد. جدی است، زیرا قمار و شراب و وسائل لهو ولعب را حرام دانست و به جای آن‌ها پنج نوبت نماز در روز تعیین نمود. پاک است، زیرا تعداد بی حد و حصر زنانی که را که بر بستر فرمانروایان آسیا می‌آزمینند به چهار زن محدود کرد. دوستدار بشریت است، زیرا زکات و کمک به همنوع را از سفر حج واجب تر شمرد. این‌ها همه نشانه‌های حقیقت اسلام است. فضیلت همزیستی را نیز بر آن‌ها بیفزایید.^{۱۰}

۲. برتراند راسل می‌نویسد:

«دین محمد، وحدانیتی بود که با معضلات کلامی «تثلیث»^۷ و «حول» بغرنج نگشته بود. پیغمبر ادعای الوهیت نداشت و پیروانش نیز چنین ادعایی در حق او نداشتند ... وظیفه مؤمنین این بود که برای اسلام تا آن‌جا که ممکن است جهانگشایی کنند، اما عذاب رساندن به مسیحیان و یهودیان و زرتشیان منع شده بود. قرآن این ملل را «أهل کتاب» می‌نامید، یعنی، کسانی که پیرو تعالیم یک کتاب آسمانی هستند. فرهنگ ممتاز دنیای اسلام گرچه در سوریه جوانه زد، بزودی در دو انتهای شرقی و غربی آن، یعنی ایران و اسپانیا شکوفه داد. در حدود ۸۳۰ میلادی محمد بن موسای خوارزمی که مترجم کتاب‌های نجومی و ریاضی از زبان سانسکریت بود، کتابی منتشر کرد که در قرن دوازدهم تحت عنوان «خوارزمی (algoritmi de numero indorum)» در باب ارقام هندی^{۱۱}) به زبان لاتینی ترجمه شد. مغرب زمین نخستین بار (نجوم و ریاضی را) از این کتاب آموخت.



وَفِنْ آوَدِي

احمد محمدزاده*

مقصود از ابوالوفای بوزجانی محمد بن محمد (م ۳۸۸) است از بزرگترین ریاضیدانان و منجمان مسلمان ایرانی. وی سهم عمده‌ای در بسط علم مثلثات دارد و قضایای عمده‌ای در مثلثات کروی کشف کرده است.^{۱۲}

۶. عصر بیرونی: نیمه اول سده یازدهم م، سال‌های ۳۲۹ تا ۴۴۲ هـ

۷. **عصر عمر خیام**: نیمه دوم سده یازدهم م، سال‌های ۴۹۳ تا ۴۶۳ هـ

بدپهی است که علی‌رغم اهمیت فراوانش (از جمله برای تاریخ فکر)، کوتاهترین گزارش آن کافی خواهد بود. ابوالقاسم محمد، از قبیلهٔ قریش، در حدود ۵۷۰ م در مکه زاده شد. در ۶۱۰ وحی بر او نازل شد، و او قریب سه سال بعد دعوت خود را آغاز کرد دوره بحرانی حیاتش در سپتامبر ۶۲۲ بود، که با پیروانش از موطنش به یثرب (مدينه) هجرت کرد... اهمیت قطعی این کار بزودی معلوم گشت و چیزی از رحلت پیامبر (۶۳۲) نگذشته بود که این مهاجرت به مدينه به عنوان مبدأ یک تاریخ جدید انتخاب شد در حالی که پنج یا ده قرن (۱۰۰۰ سال) طول کشید تا تاریخ میلادی تثبیت شود. از اواسط سده هشتم تا سده دوازدهم (میلادی - یعنی چهارده قرن)، فرهنگ لاتینی تقریباً به طور مطلق، در پس فرهنگ اسلامی قرار گرفت. رکود فکری که در نیمة دوم سده هفتم و نیمة اول سده هشتم (میلادی)، دست کم در مورد اروپا و خاور نزدیک محسوس بود، عصر تجدید فعالیتی را به دنبال داشت. این امر تا حدودی کاملاً مدیون پیشگامی مسلمین بود. از این رو کاملاً شایسته است به این فصل که نشان‌دهنده شروع علم اسلامی است، نامی عربی بدھیم. گرچه اطلاع این عصر به نام جابر بن حیان (گرچه اطلاع نام جابر بن حیان به این عصر) چیزی در حد یک دعوی است، بگذار چنین باشد. مطالعه دقیق آثار جابر، خواه به عربی یا لاتینی، یکی از ضروری‌ترین و امید بخش‌ترین وظایف تحقیق است ... با یک استثنای جزئی، که در پایان این فقره خاطر نشان شده، همه فعالیت ریاضی این عصر (یعنی عصر جابر بن حیان، نیمة دوم سده هشتم میلادی) به وسیلهٔ مسلمانان صورت گرفت ...».

نویسنده مذکور منصفانه و از سر واقع پذیری، برای نشان دادن عظمت اسلام و تربیت اسلامی، ۷ عصر علمی را به نام دانشمندان مسلمان نامیده است:

۱. عصر جابر بن حیان: نیمه دوم سده هشتم م، سال‌های ۱۳۴ تا ۱۸۴ هـ.

٢. عصر خوارزمی: نیمه اول سده نهم م، ۱۸۵ تا ۲۳۶ هق.

مغضوب ابو عبدالله محمد بن موسى حوارمی (م ح - ۱۱۱) است. ریاضیدان منجم و چرافیدان معروف مؤلف «کتاب الجبر و المقابلة» و از بنیانگذاران آنالیز یا جبر به صورتی جدا از هندسه.^{۱۱}

۳. عصر رازی: نیمه دوم سده نهم م، سال‌های ۲۳۷ تا ۲۸۸ هـ.

۴. عصر مسعودی: نیمه دوم سده دهم م، سال‌های ۲۸۹ تا ۳۳۹

۵. عصر ابوالوفا: نیمه دوم سده دهم م، سال‌های ۳۴۰ تا ۱۱۱ هجری

۱۹۱ هـ



پیامهای حضرت مهدی عج، دو مردان

دکتر علیه اصغر رضوانی*

۳۵. عدالت در تقسیم بودجه
وظیفه دولت اسلامی است که بودجه کشور را بدون تبعیض بین تمام استان‌ها و نقاط کشور و بین افراد گوناگون

تقسیم نماید. همانگونه که حضرت مهدی ﷺ چنین خواهد کرد.

در حدیثی آمده است: «فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِزْوَجَ عِنْ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا... أَرْحَمُهُمْ بِالرَّعْيَةِ وَأَعْدَلُهُمْ بِالسُّوَيْةِ».^۱

«خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما را می‌فرستند... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می‌کند».

و در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلُ الْبَيْتِ قَسْمٌ بِالسُّوَيْةِ وَعَدْلٌ فِي الرَّعْيَةِ...»؛ «چون قائم اهل بیت قیام کند به طور مساوی بودجه را تقسیم کرده و در بین مردم به عدالت رفتار خواهد نمود...».



۳۶. ایجاد اشتغال

دولت مردان وظیفه دارند تا برای مردم شغل فراهم ساخته و آنان را به کار و کسب مشغول سازند تا از این راه زندگی آبرومندانه ای را برای خود فراهم نمایند.

در حدیثی از امیر المؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است: «... يَظْهَرُ صَاحِبُ الْرَّاِيْهِ ... يَمْهَدُ الْأَرْضَ ...»؛^۲ «صاحب پرچم - مهدی علیه السلام - ظهور می‌کند ... و زمین را [برای کار کردن بر روی آن] آماده می‌سازد ...».

۳۷. خدمت بی ملت

مسئولان و دولت مردان در نظام اسلامی نباید در خدمتگذاری به مردم بر آنان ملت گذارند.

درباره حضرت مهدی علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظَهُورِ الْفَتْنَةِ رَجُلٌ يُقالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، عَطَاؤُهُ هُنْيَّا»؛^۳ «هنگام گذشت بخشی از زمان و ظهور فتنه‌ها مردی خواهد آمد که به او

مهدی می‌گویند، عطاهای او گواراست.»

گوارا بودن عطای حضرت مهدی علیه السلام ممکن است کنایه از بی‌منت بودن آن باشد زیرا که اگر کسی چیزی را با منت به شخصی دهد برای او گوارا نخواهد بود.

۳۸. برخورد قاطعانه

دولت مردان در نظام اسلامی وظیفه دارند تا در مقابل منحرفان سرسختانه ایستاده و از سرزنش و ملامت دیگران نهارسند و تنها به فکر انجام وظیفه باشند.

حضرت مهدی علیه السلام با مخالفان و معاندان، در عصر غیبت و حتی با نزدیک ترین افراد به خود، مقابله کرد، و شاهد این موضوع کنار زدن عمومیش از نماز خواندن بر بدن پدر بزرگوارش می‌باشد.

ابوالادیان می‌گوید: «هنگامی که به خانه حضرت رسیدم مشاهده کردم که پیکر حسن بن علی علیه السلام کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز بگوید، کودکی گندم گون، با موهای مجعد و دندان‌هایی باز از پشت پرده بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را کشید و فرمود: «تاخر يا عم، فانا احق بالصلاه على ابى»؛ «کنار برو ای عم، زیرا من سزاوارتم که بر پدرم نماز بخوانم.»، جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد و بر جنازه امام حسن عسکری علیه السلام نماز گزارde، و جنازه پدرش به خاک سپرده شد. آنگاه فرمود: «يا بصرى! هات جوابات الكتب التي معك»؛ «ای بصری! جواب نامه هایی که با توسط را به من بدی.» من هم آن‌ها را به حضرت دادم.^۴

۳۹. نژادپرستی ممنوع

دولت مردان وظیفه دارند که معیار انتخاب افراد را برای خدمت گذاری به مردم، نجابت و خیرخواهی قرار دهند و از نژادپرستی و قوم و خوبیش بازی در انتخاب افراد بپرهیزند همان گونه که درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که اصحاب و کارگزاران حضرت از ملیت‌های مختلف اند.

شیخ طوسی به سندش از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «بِيَاعِ الْقَائِمِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثَمَةٌ وَنِيفُ، عَدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ، فِيهِمْ مِنَ النَّجَابِاءِ مِنْ أَهْلِ مِصْرٍ وَالْأَبْدَالِ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعَرَاقِ، فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ»^۵؛ «بین رکن و مقام سیصد و اندي به عدد اهل بدر با قائم بیعت خواهند کرد، در میان آن‌ها نجیبانی از اهل مصر و ابدالی از اهل شام و اخیاری از اهل عراق وجود دارد، آنگاه دین را تا مقدار زمانی که خداوند بخواهد بر پا خواهد داشت.»

۴۰. مقابله با خائنان

مسئولان باید با خائنان به بیت المال مبارزه کنند، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در سطح گسترده دست به چنین اقدامی خواهد زد.

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... و لِيَطْهُرَ الْأَرْضُ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»^۶؛ «... هر آینه زمین را از هر جیله گر و خائنی پاک خواهد کرد.»

۴۱. ساده زیستی

مسئولان و دولت مردان نظام اسلامی باید ساده زیست بوده و رعایت حال مستضعفان جامعه را بنمایند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام - اگر چه جهان را فتح می‌کند و تمام امکانات جهان به دست او می‌رسد - خود ساده زیست است. از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فَوَاللَّهِ مَا لِي سَهْلَ الْغَلِيلِ وَ لَا طَعَامَهُ إِلَّا جَشْبٌ»^۷؛ «به خدا سوگند! که لباس حضرت غلیظ و غذایش خشک است.»

ادامه دارد

پی نوشته

۱. بخار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، باب ۴۱.
۲. منتخب الانوار، ص ۲۱۰.
۳. بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۲۸۲.
۴. کمال الدین، ص ۴۷۵؛ بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳.
۵. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.
۶. بخار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
۷. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۹.

لسانی سیاه

محمد رضایی*

مقدمه: در شماره‌های پیشین به «انتظار طولانی و بازتاب آن» و «نشانه‌های ظهور» و افرادی با انتخاب سیاه و سفید و خاکستری عصر عاشورا آشنا شدیم. اینک این موضوع را بی‌می‌گیریم تا انشاء الله بتوانیم در عصر انتظار حضرت مهدی ع از آن مدد گیریم:

۳. انگیزه‌های انتظار و دعوت

با مرگ معاویه و هجرت سیدالشدها از مدینه، سران شیعه کوفه که طبق وعده امام سال‌ها منتظر قیام بودند و اینک هجرت حضرت به مکه را شنیده بودند دور هم جمع شدند، و پس از مشورتی مهم تصمیم به نامه نگاری دوباره گرفتند و پس از آن با توجه به هجرت حضرت مصمم شدند این موضوع را به فرهنگ و خواسته عمومی کوفه تبدیل کنند در نتیجه روزهای پایانی ماه شعبان سال ۶۰ ق. تدریجاً، ولی به سرعت با تبلیغات گسترده کسانی همانند حبیب بن مظاہر و سلیمان بن صرد خزاعی و دیگران، موجی وسیع از نامه نگاری در شهر ایجاد می‌گردد، به گونه‌ای که در طرف مدت ۵ روز ۱۲ هزار نامه از کوفه که هر نامه حداقل مشتمل بر ۴۰۰ امضا بود، به امام در مکه می‌رسد؛^۱ و این آمار گویای مشارکت $\frac{۱}{۳}$ یا کمی بیشتر از جمعیت شهر در این فعالیت اجتماعی بود:

اگر چه در نگاه ظاهری و سطحی آمار دعوتگران و منتظران امام در آستانه قیام قریب الوقوع بسیار بالاست ولی انگیزه‌ها و اهداف آنها و یا شور و شعوری که پشت این نامه نگاری‌هاست چه می‌باشد و تا چه اندازه است؟!

با برخی از این انگیزه‌های سفید؛ سیاه، خاکستری، آشنا می‌گردیم:

الف. شخصیت‌های سفید

حبیب بن مظاہر و عابس بن ابی شیب و سعید بن عبدالله: در اولین جلسه‌ای که بزرگان شیعه و کوفه برای دعوت امام تشکیل دادند، و هم چنین در جلسه استقبال از حضرت مسلم در خانه مختار ثقی، و هم چنین در شب عاشورا یس از این که امام(ع) از آنها خواستند که او را تنها گذاشته و بروند چنین سخنی گفتند:

که ما شما را امام حق می‌دانیم و اطاعت و پیروی از شما بر ما لازم است و از دیگران خبر نداریم ولی خودمان با تمام وجود با شما بیعت می‌کنیم تا دولت و نظام حق را بر پا دارید.

ب. شخصیت خاکستری:

سلیمان بن صرد خزاعی کسی بود که اولین جلسه تجمع شیعیان برای دعوت امام پس از مرگ معاویه در خانه او تشکیل شد و از فعالین در نامه نگاری به امام بود. ولی پس از این که حضرت مسلم به کوفه آمد، به منزل او وارد نشد و بعدها هم این زیاد به شهر آمد و شرایط کوفه خفقات آور شد، به اanza و گوشه گیری و زندگی مخفیانه روی آورد؛ انتظار او از قیام این بود که امام باید شرایط مناسب را فراهم سازد تا او همراه حق بماند و گرنه به هنگام خطر به سرعت عقب باید نشست.

او پس از حادثه کربلا و پشمیانی دوباره موج توبه گرایی را در کوفه و با کوفیان راه انداخت، و رهبری نمود. ولی دوباره در این زمینه، به امام زمان خود (امام سجاد ع) مراجعه نکرد و مستقل تصمیم گیری نمود. رفتار او در آغاز آکنده از تفريط، و پس از حادثه کربلا آکنده با افراط بوده و همیشه بر امامان زمان خود یا مقدم، جلوتر، یا مؤخر و عقبتر بود؛ و بر اساس همین روحیه، نه با گروه شیعیان واقعی و نه با جناح برنامه‌گرای مختار قابل جمیع نبود.

ج. شخصیت‌های سیاه: گروه اشرف شهر:

کسانی همانند عزوه بن قیس، حجار بن ابجر، شبث بن ریعی و ... به امام نامه نوشتند که «باغها سبز شده و میوه رسیده است پس به سوی ما بیا»^۲

انتظار آنها از آمدن حضرت حفظ منافع و مصالح خود بود، و در جو و شرایطی که کوفه آکنده از فضای نامه نگاری شده بود احساس می‌کردند که اگر نامه نگاری نکنند؛ هم در آن زمان ممکن است مورد شماتت برخی افراد قرار گیرند و هم اگر احیاناً امام در آینده به کوفه

آید به علت عدم همراهی با دعویگران، شاید اموال آنها از دستشان بروند پس برای حفظ منافع خود جزو آخرین نامه نگاران محتاط و محافظه کار به امام بودند.

۴. یک آرزوی تاریخی یک دیدار به یاد ماندنی

معاویه پس از به شهادت رساندن امام مجتبی علیه السلام در کوفه زیاد بن ابیه را به امارت منصوب کرد و در مدینه مروان بن حکم را. و آن دو از بدترین دشمنان شیعیان و اهل بیت بودند، او از آنها خواسته بود ضمن اجرای سیاست شیعه زدایی به شدت مانع سفر شیعیان کوفه به مدینه و دیدار آنها با امامشان شوند؛ با مرگ معاویه و مرگ زیاد قبل از آن و فراهم شدن جو نامه نگاری زمینه‌ای فراهم شد که چند نفر محدود فاصله ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلومتری مکه تا کوفه را که از بیابانهای داغ می‌گذشت بییماشد و با عنوان نامه‌رسان‌های کوفی جزو اولین دیدارکنندگان کوفی پس از چندین سال با آن حضرت باشند؛ بازتاب روحی این دیدارها با امام مهریان و دلسوز چه بوده است؟!

الف. شخصیت سفید: قاصدان عشق:

قیس بن مسهر صیداوی، سعید بن عبدالله حنفی، عماره بن عمرو ارجبی، از شیعیان کوفی بودند که وقتی نامه‌های مردم آمده شد و آنها به دنبال قاصد برای فرستادن نامه‌ها بودند. آنها به صورت افتخاری و عاشقانه این مأموریت سخت و طولانی و پر خطر را به جان خریدند. و از کوفه راهی مکه شدند. آنها پس از ۱۵ روز در مکه به دیدار امام توفیق یافتند و چنان شیفته چهره درباری امام شدند که از بازگشت منصرف شدند، و تصمیم گرفتند برای همیشه در جوار و کنار امام باقی بمانند؛^۳ سعید و عماره هیچ گاه از امام جدا نشدند ولی قیس به دستور امام همراه حضرت مسلم راهی کوفه شد ولی پس از دو ماه دوباره با نامه حضرت مسلم به مکه بازگشت و دوباره ماند تا این که امام دوباره به دلیل تخصص او که راه شناس بود او را از میانه راه به کوفه فرستاد و او به عنوان قاصد حسین بن علی علیه السلام جزو اولین شهدای راه امام شد.

ب. شخصیت خاکستری: قاصدی مدعی و ...:

عبدالله بن وال از چهره‌های سرشناس قبیله خود بود. که بخشی از نامه‌های کوفیان را هم او نزد امام آورد ولی در مکه زیاد نماند و پس از دیداری کوتاه دوباره به کوفه بازگشت.^۴ و با خطرناک شدن شرایط اجتماعی کوفه همانند سلیمان بن صرد خزاعی که دوست صمیمی او بود؛ خیلی زود مخفی و پنهان شد. تا این که حادثه کربلا رخ داد و او خیلی زود همانند سلیمان جزو پشیمان شده‌ها و توبه کننده‌ها گردید و نفر دوم و دومین رهبر قیام توابین پس از سلیمان او بود.

ج. شخصیت سیاه: قاصدی ناخواسته:

پس از دستگیری حضرت مسلم و اسارت ایشان؛ در راه قصر ابن زیاد، چون او یقین به شهادت خود کرد از محمد بن اشعث یکی از اشراف شهر و فرماندهان ابن زیاد خواست تا پیکی به سوی امام فرستاده و او را از آمدن منصرف نماید. محمد بن اشعث هم مردی به نام ایاس بن عشل طایی را طلبید، تا به سوی امام بفرستد، ولی او بهانه راه طولانی و نداشتن هزینه سفر را نمود. پس ابن اشعث هزینه سفر را به او داد ولی او پولی هم برای خانواده خود خواست، آن را هم ابن اشعث قبول کرد و او سرانجام راهی شد^۵ و در میانه راه به امام رسید؛ به نقلی مستقیم خبر را به امام گفت و به نقلی از کاروان امام دوری گزید و به دو راه گذر و مسافر رسید و خبر را به آنها گفت تا آنها خبر را به امام برسانند.

پی نوشت

*. کارشناس تاریخ و سردبیر نشریه انتظار نوجوان.

۱. طبری ۳۵۲/۵

۲. انساب الانسراف، ۱۷۱/۳

۳. طبری ۳۵۲/۵

۴. همان و طبری ۳۵۲/۵

.۵. خبار الطوال، ۲۳۹

حمدکی با ایران جوان

* خدامزاد سلیمیان

دین‌شناسی و دین‌داری

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت‌های حیات انسانی است که خاطرات و مخاطرات شیرین آن همچون رنگین کمانی زیبا و شگفتی‌آفرین از جلوه‌های عشق و معرفت، شور و شیدایی و رشد و شکوفایی در آسمان خاطرات همگان نقش می‌زند. فصلی است برای شکفتن غنچه‌های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت.

جوان، هنگام گذر در مرحله یگانه‌پرستی، خود را نیازمند آگاهی‌های هر چه بیشتر درباره دین می‌بیند. از این رو به دنبال شناخت مبانی اعتقادی در بینش اسلامی گام می‌nehد. او در این مسیر همواره به دنبال کشف رازهای آفرینش است و برای پاسخ به نیازهای فطری و درونی خود به دنبال اثبات هدفمند بودن نظام آفرینش و زندگی خویش است.

رفته رفته در این دوره، جوان، حوزه دین‌شناسی را به دین‌داری نزدیک و نزدیکتر می‌کند تا جایی که دین‌داری او به طور کامل منطبق بر دین‌شناسی می‌گردد و این دو نه فقط در عرصه فکر و اندیشه که عرصه رفتار و کردار را نیز به طور کامل زیر نفوذ خود قرار می‌دهد به گونه‌ای که رفتارهای دینی او بر اساس فهمی آگاهانه از دین صورت می‌گیرد.

روشن است که کمال این مرحله بدان است که پس از تعمیق‌بخشی به باورهای اساسی، در برابر هرگونه شبهه و کژی، پاسخ‌های درخور و روشنی در نهاد خود شکل داده باشد.

بی‌ترید در این مرحله سرمشق از رهیافتگان، نقش بسیار ارزنده‌ای در رسیدن به مقصد دارد که از جمله آنها هدایت و تقویت جوشش فکری و تکاپوی درونی جوان در کشف رازهای آفرینش و قانونمند بودن هستی است. چنان‌که روحیه توکل و پدیدآوردن باورهای قلبی به حکمت پدیده‌های آفرینش با مطالعه در آموزه‌های اسلام و منابع معتبر از دیگر راههای گذر سالم از این مرحله به شمار می‌آید.

دین‌داری در آینه تاریخ

پیشوایان دین به هر مناسبی یکتاپرستی و دین‌داری را بزرگ می‌داشتند. به گونه‌ای که دقت بیشتر به پرستش خداوند داشتند در چشم ایشان محبوب‌تر بودند.

«مسمع بن عبدالملک»^{*} گوید: در «سرزمینِ مِنَا» نزد امام صادق علیه السلام مشغول خوردن انگور بودیم، فقیری آمد و از امام کمک خواست، امام خوشة انگوری به او داد، او نپذیرفت و گفت: «اگر پول هست بدھید». امام فرمود: «خدا برایت برساند». فقیر رفت و برگشت، همان خوشة انگور را خواست. امام فرمود: «خدا برایت برساند». و چیزی به او نداد. فقیر دیگری آمد، امام سه جبه انگور به او داد. او گرفت و گفت: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و مرا روزی عطا کرد».

امام هر دو دست را پر از انگور کرد و به او داد، فقیر گرفت و گفت: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است». امام فرمود: بایست، و از غلام خود پرسید: «چقدر پول همراه داری؟» گویا بیست درهم داشت، آنها را نیز به فقیر داد، فقیر گفت: «سپاس خدای را، خداوند! این نعمت از توست، تو یکتائی و شریکی برای تو نیست».

امام فرمود: بمان و پیراهنی که در بر داشت در آورد و به او داد و فرمود پیوش. فقیر پوشید و گفت: «سپاس خدای را که به من لباس داد و مرا پوشانید»، و به امام رو کرد و گفت: «خدا به تو جزای خیر دهد». «مسمع» می‌گوید: به نظر می‌آمد که اگر این بار هم امام را دعا نمی‌کرد و فقط به شکر و سپاس خدا می‌پرداخت امام باز به او چیزی می‌داد و همچنان ادامه پیدا می‌کرد.^۲

و این است سنت رهیافتگان در دینداری و ارج نهادن به دینداران.

این راه همچنان ادامه دارد.

پی‌نوشت

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، salimian@salimian.com

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۹.

درالن

زنگنه
زنگنه

یکی از مهمترین برنامه‌های اسلام در کنترل و نظام بخشیدن به جوامع انسانی، مسأله غیبت، حکم، محدوده و استثنای آن است و در صورتی که این مهم، در جامعه نهادینه گردد و همگان ملتزم به رعایت آن باشند، ریشه بسیاری از ناهمواری‌ها، آسیب‌ها و مشکلات خشکیده خواهد شد. لذا در این نوشتار به تبیین مفهوم و جوابات مختلف آن خواهیم پرداخت.

تعريف اصطلاحی غیبت را می‌توان در وصیت حضرت خاتم المرسلین ﷺ به جناب ابوذر تحصیل نمود آن جا که می‌فرماید: «... قلت يا رسول الله ما الغيبة؟ قال: ذكرك أخاك بما يكره قلت: يا رسول الله فان كان فيه الذي يذكر به؟ قال: اعلم، أنك إذا ذكرته بما هو فيه، فقد أغتبته و إذا ذكرته بمالييس فيه، فقد بهته.»

ابوذر گوید: «گفتم ای رسول خدا، غیبت چیست؟ فرمود: «یاد کردن تو برادر خود را به چیزی که مکروه است». گفتم «یا رسول الله اگر باشد در او آن چه ذکر شده است، غیبت است؟» فرمود: «اگر باشد غیبت است و اگر نباشد تهمت است».^۱

تأثیرات غیبت

غیبت هم در عالم حسابرسی و در هنگامه ظهور حقایق امور، دامن‌گیر انسان خواهد شد. همانگونه که در این حدیث نبوی آمده است: «... و من مشی فی غيبة أخيه و كشف عورته، كانت أول خطوة خطأها وضعها فی جهنم»؛ فرمود: «کسی که راه رفته در غیبت برادرش و کشف سر او، اول فرمی که بردارد در جهنم گذارد و هم در همین عالم اسباب رسوایی را فراهم می‌آورد».^۲

حضرت امام خمینی ره در این زمینه می‌فرماید: «پس معلوم شد که شخص معتبر در پرژرش رسو و مقتضح است و در موقفش پیش اهل آن خجل و شرمسار است و در جهنم نیز با رسوایی و بی‌آبرویی به سر خواهد برد بلکه چه بسا بعض مراتب آن نیز اسباب رسوایی در این عالم شود».^۳

و در کلامی دیگر می‌فرماید: «خداؤند تبارک و تعالیٰ غیور است و هتك مستور مؤمنین و کشف عورات آن‌ها، هتك ناموس الهی است. اگر انسان، بی‌حیایی را از حد گفراشد و هتك حرمتات الهیه نمود، خداوند غیور مستورات او را که به لطف ستاریت خود، ستر فرموده بود مکشف می‌فرماید و هتك مستور آن را می‌فرماید و درینین مردم در این عالم، و ملائکه و انبیاء و اولیاء علیهم السلام در آن عالم مقتضح می‌شود».^۴

مع الأسف امروزه در جامعه شاهد هستیم که به سادگی، (به اصطلاح مثل آب خوردن) با بهانه‌های مختلف و در مباحث سیاسی و غیر آن در مجالس و در گفتگوهای صمیمانه به بهانه

مسعود داستار*

این که سخن خالی از لطف نباشد و به گونه‌ای سخن گفته شود که حاکی از اطلاعات سیاسی و صاحب نظر بودن، باشد آبروی مؤمنین را مورد هجمه قرار می‌دهیم و بهانه می‌اوریم که این‌ها اظهار نظر و تحلیل و تبیین وقایع می‌باشد و متأسفانه غیبت و در بسیاری موارد، تهمت غذای مجالس ما شده است.

اگر به ذقت ملاحظه شود خواهیم دید که این عمل ناشایست نتیجه و کنش یک سری رذائل اخلاقی همچون، حقه، کینه، احساس حقارت، سستی ایمان، جاه طلبی، مقام خواهی، حس تجسس از مستورات مؤمنین، تشفی جستن با شکستن دیگران و غیره می‌باشد. آری زیر ساخت‌های ایمان را موریانه تحریب نموده و آرام آرام و به تدریج روحیه خوبشتن داری و حفظ حریم‌ها و نگذشتن از خطر قرمزها را از ما گرفته است و هر کدام از ما با این که تمامی جوانب این رذیله اخلاقی را می‌دانیم و بارها دیگران را از آن منع نموده و یا به آن نسبت داده‌ایم همچو ریختن تدریجی دانه‌های شن در ساعت‌های قدیمی، به ناگاه چیزی را در کیسه اعمال خوبش می‌بلیم که عمری از آن فرار می‌کردیم و خوبشتن را مبری از آن می‌دیدیم. اولین راه در پاکسازی این شجره خبیثه تحصیل علم نسبت به آن است. حرمت و اثرات منفی اخروی و دنیوی آن را دانستن و هم اطلاع یافتن از مواردی که استناد شده است و راه حل دوم در صحنه عمل مهار نمودن زبان و فکر و اندیشه به عنوان وسیله و خواستگاه‌های غیبت.

در پایان بار دیگر کلامی گهربار و نصیحتی مشفقانه از استاد و مری اخلاق، حضرت امام علیه السلام را نصب العین خویش قرار می‌دهیم. «عزیزم با بندگان خدا که مورد رحمت و نعمت او هستند و مخلع به خلعت اسلام و ایمان اند دوستی پیدا کن و محبت قلبی داشته باش. مبادا به محبوب حق دشمنی داشته باشی که حق تعالی دشمن دشمن محبوب خود است و تو را از ساحت رحمت خود طرد می‌کند و بندگان خاص خدا در بین بندگان مخفی هستند و معلوم نیست این دشمنی تو و این هتك ستر و کشف عورت این مؤمن برگشت به هتك ستر خدا نکند. مؤمنین اولیاء حق اند».^۶

پی نوشت

* پژوهشگر مباحث مهدویت

۱. حدیث و ترجمه از چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۳۰۱.

۲. همان، ص ۳۰۲ و ذیل توضیحات در ص ۳۱۹.

۳. همان، ص ۳۰۴.

۴. چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۳۰۵.

۵. همان، ص ۳۰۶.

۶. همان، ص ۳۱۲.



و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جایی و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهاش و همه ساز و برگهای جنگی اش و آنهمه دولتهاش سرسردهاش و به دست داشتن ثروتهاش بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب‌افتداده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متولی شود! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شنود! و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی - جلت عظمتُ - که ملت‌ها را بوبیزه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاھی به نور اسلام هدایت نموده.^۱

من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و معهد و پایدار پاییند بوده، و لحظه ای [از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای نایاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند؛ و بدانند که هرچه رسانه‌های گروهی عالم و قدرت‌های شیطانی غرب و شرق اشتم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزا آنان را هم در این عالم و هم در عالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلِيُّ النُّعْمَ وَ يَنْهَا مُلْكُوتُ كُلِّ شَاءٍ»^۲]

وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرت‌ها بایستیم و قدرت ایستاندن هم داریم . به شرط این که روشنفکران دست از غرب و شرق و غربزدگی بردارند و صراط مستقیم اسلام و ملت را دنبال کنند.^۳

آنچه که امت اسلامی بیش از همیشه به آن احتیاج دارد، همین توجه به پروردگار، کمک خواستن از ذات اقدس الهی، متصل کردن دل به آن منبع قدرت لایتنهاست. دلی که با قدرت لایتنهای الهی آشنا شد، در مقابل تهدیدها و رعد و برقهای دشمنان از جا در نمی‌رود، مرعوب نمی‌شود، احساس ضعف نمی‌کند، نومید از آینده نمی‌شود. و این راه، راه تجربه شده‌ای است. جمهوری اسلامی سی سال در مقابل دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها و خبائث‌های استکبار با قدرت ایستاند و ملت مسلمان ایران، با همه همتشار، با همه اراده‌شان، در عرصه‌های مختلف ایستاند و بحمد الله روزبه روز پیش رفتند و این پیشرفت به اذن الهی، به حول و قوه الهی روزبه روز بیشتر خواهد شد و همه دنیا اسلام ان شاء الله روز عزت و شکوه اسلامی را خواهند دید.

امروز دنیای اسلام افق روشی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیش امتهای مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان دهنده وعده الهی است که فرمود: «وَ لِيَنْصُرَنَ اللَّهُ مِنْ يَنْصُرَهُ أَنَّ اللَّهَ لَقُوَىٰ عَزِيزٌ» و فرمود: «وَ نَرِيدُ أَنْ نَمْنَعَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلُهُمْ الْوَارِثِينَ» اینها وعده الهی است. و فرمود: «وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان میدهد.^۴

پی نوشت

۱. امام خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی.

۲. همان.

۳. بیان امام خمینی (ره) به مناسب حلول سال جدید، صحیحه نور، جلد ۱۲، ۵۹/۱/۱، ص ۱۹.

۴. مقام معظم رهبری؛ دیدار مسئولان نظام به مناسب عید فطر ۷/۱۰/۱۳۸۷.

عکس‌نامه

اشارة: برای همه ما پیش آمده که گاه با دیدن یک دوست سر درد دلمان باز شده و شروع به گفتن از غم و غصه‌هایمان برای او می‌کنیم. حال فکرش را بکنید قرار است پیش کسی درد دل کنیم که نبض زمین و زمان به دست او می‌زند؛ ولی خداست در زمین، توسل و ابراز ارادت به ساحت قدسی امام زمان ع مختص به زمان خاص و ماه شعبان نیست و این عرض ارادت می‌تواند در تمام طول سال انجام پذیرد. این ستون متبرک شده به نام نامی مولایمان را تقدیم شما منتظران می‌کنیم.

اگر توفیق زیارت حضرت ولی عصر ع را داشته باشید و بخواهید یک بیت تقدیم آن حضرت بفرمایید، آن بیت
شعر چیست؟

مرتضی وافی / مدیر مسئول نشریه خیمه:

دعا کن از سر کوی تو باز پس نروم
و در هوای تو باشم بی هوس نروم
چو مرغ جان مرا می‌کشی به باغ حضور
دعا کن از طمع دانه در قفس نروم
کجاست راه فرار من از حکومت تو
شکار کن که فراتر ز تیررس نروم



فرح الله سلحشور / کارگردان:

بیا که منظر چشمم رواق خانه توست
کرم نما و فرود آ که خانه، خانه توست

حامد حجتی / روزنامه‌نگار:

شکست اگر دل من به فدای چشم مستت
سر خم به می سلامت، شکند اگر سبوئی



حجت‌الاسلام فرhzad (استاد و سخنران):

مولو و خسته به درگاهت آمدم رحمی
که جز ولای توأم نیست هیچ دستاویز

درس قوای سخنی مردی

در حدیث داریم که حضرت مهدی ع می‌فرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که در بسیاری موارد، از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان را دیده‌اند. تناقض را حل کنید؟

برای آن که بتوان به درستی در این باره گفت و گو کرد و به قضایت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کرد، تا روشن شود اماد مهدی ع چیست. حدیثی که بحث مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده را مطرح می‌کند، آخرین توقيع و نامه‌ای است که امام زمان ع به چهارمین و آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اى على بن محمد سمرى! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظيم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنيا می‌روی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدي وصيت مکن که پس از وفات، جانشين تو شود. به تحقيق، دومين غيبيت (غيبيت كامل) واقع شده است. پس ظهوري نیست. مگر بعد از اذن خدای عزوجل و آن، بعد از مدتی طولاني و قساوت دلها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی نزد شيعيان من می‌آيد، کسی که ادعای مشاهده می‌کند. بدانيد کسی که ادعای مشاهده کند، پیش از خروج سفياني و ندا، او دروغگو و افترا زننده است. و لا حول و لا قوه إلا بالله العلي العظيم.^۱

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعی مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.

۲. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو است و هم افترازنده.

افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی یا قولی را نسبت دهد، در حالی که او چنین نکرده باشد؛ بنابراین، بین دروغگوبودن و تهمت‌زدن، تفاوت است. هر دروغگویی، تهمت‌زننده نیست. اگر کسی فقط مدعی دیدن باشد؛ ولی به حضرت، نسبتی ندهد، ممکن است دروغگو باشد؛ ولی تهمت‌زننده نیست. امام، در این نامه هر دو صفت ناپسند را به مدعی مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز به حضرت می‌دهد.

این نکات در نامه، بزرگان را بر آن داشت، تا با تأمل و تدبیر دقیق‌تر، به محتوای نامه بنگرند و سپس اظهار نظر کنند.

عدهای با توجه به این که نامه، در آخرین روزهای عمر نایب چهارم صادر شده و در آن، به پایان نیابت خاصه تصریح شده است، چنین گفته‌اند که مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه و ارتباط با حضرت است؛ زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شاخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخها و پیامها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می‌گوید را از جانب حضرت بیان می‌کند و حرف‌ها را پیام حضرت اعلام می‌کند.^۲

حضرت امام خمینی ره می‌گوید: مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد؛ ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.^۳ شهید صدر می‌گوید: مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان ع به مردم القا کند.^۴ برخی نیز گفته‌اند: مراد از تکذیب مدعی مشاهده، تکذیب مدعی ظهور است.^۵ بنابراین می‌توان دریافت که در روایت، صرف دیدار، متفق نشده است و عالمان نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، روایت، مدعی مشاهده را کذاب می‌داند؛ حال اگر کسی امام را بییند و به دیگران نگوید، تحت این روایت قرار نمی‌گیرد؛ لذا اصل دیدار، امر ممکنی خواهد بود.

نکته آخر این که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قرایین یا در زمان‌های بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند؛ لذا عالمان تحت «عنوان مدعی مشاهده» قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد.

تذکر: این که در این دوران مدعیان دروغین فراوان‌اند، بنابراین باید متوجه بود و فریب آنان را نخورد.

پی نوشت

* واحد پرسش و پاسخ (نقی حقائی). ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

.۱

۳. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۴۵.

۴. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۶۳۹.

۵. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۶. تاریخ الغيبة الصغری، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۵۴.

۷. مهدی منتظر، ص ۹۳.



بازوی راست

زنگنه
۳۲

کفتکویی صمیمانه با سید محمد جواد طاهری
بازیگر سریال یوسف پیامبر (ع)

سید محمد مهدی موسوی

اشاره؛ این روزها شاهد قسمت‌های پایانی سریال پر مخاطب «یوسف پیامبر(ع)» از شبکه اول سیما هستیم. مالین بار برای طرح مباحثی راجع به کم و کیف این سریال و نیز فیلم سازی و سریال سازی دینی و تاریخی در سینما و تلویزیون گپ و گفتگو داشته ایم با سید محمد جواد طاهری، بازیگر قمی این سریال که ایفاگر نقش مالک بن زعر، همان کسی که در این سریال به نوعی بار و همراه و معتمد یوسف است. خیلی از مجلات با مصطفی زمانی، بازیگر نقش یوسف پیامبر (ع) مصاحبه کردند اما ما می‌خواهیم با وزیر، بار و بازوی راست یوسف در این سریال، سخن گوییم چرا که معتقدیم ما بیشتر باید بدانیم نقش یاران و منتظران چیست نه آن که فقط دنبال نقش یوسف زهرا باشیم.

لطفاً در آغاز خود را بیشتر معرفی کنیدو از کارهایتان برایمان بگویید:

سید جواد طاهری متولد ۱۳۴۹ قم هستم. فعالیت نمایشی خود را در قم از سال ۱۳۶۵ با نمایش «صبح قریب» نوشته رضا پور رضائیان به کارگردانی حسن حسینی آغاز کرد. در سال ۱۳۶۸ نیز در نمایش «حضور» به کارگردانی حسین پارسايی بازی کرد و اولین تجربه کارگردانی خود را با نمایش «صد بار اگر توبه شکستی باز» انجام داده ام که در پی آن کارگردانی نمایش های: خارودل، عود بر آتش، یکی بود یکی نبود، خاله ادیسه، جنگ کور، داروغیر پهلوان، شیرین به روایت امروز، مردی در بند، افرا، مرگ در ساعت مرغابی، پروانه در آتش، خواهر عشق و ... بود. همچنین در نمایش های: قصیده بلند باران، بانوی بی نشان، خورشید کاروان، شکفتون، عشق روی خرپشته، خزم مدینه، از خاک تا افلاک، کانال کمیل، در قاب ماه و ... به عنوان بازیگر حضور داشتم که تعدادی از این نمایش ها در جشنواره های مختلف تئاتری حضور یافته و جایزه هیئت داوران نسبیت اینجانب شده است. از کارهای تصویری می توان بازی در تله تئاتر: شبیه پدر، تپه افلاک و سریال های: یوسف پیامبر، چهل سریاز، غروب بی پایان و همچنین فیلم سینمایی «آسو» و آخرین کار بندۀ بازی در فیلم سینمایی «ملک سلیمان» کاری از شهریار بحرانی می باشد.

جناب آقای طاهری! درخصوص نقشتان در سریال یوسف پیامبر(ع) برایمان صحبت کنید و اینکه چگونه توانستید خود را برای ایفای نقش آماده کنید؟!

- نقش مالک بن زعر در این سریال از سوی دستیار کارگردان به من پیشنهاد شد. راستش را بخواهید خود من یکی از گزینه های ایفای نقش یعقوب پیامبر(ع) بودم که البته پس از ارائه بخشی از فیلم نامه به بندۀ قرار شد تست گرفته شود و از آن جایی که من واقعاً از تست دادن بیزارم بدون آن که به فیلم نامه نگاه کنم، به دفتر کارگردان رفتم. در آنجا باید مقابل یک دوربین هندی کم نقش یعقوب را بازی می کردم، من هم بدون حس و حال خاص نقش من را خواندم، خوب نتیجه معلوم بود دیگر!

پس از این قرار شد یک جلسه ای با آقای سلحشور و آقای شورجه داشته باشم. در آن جلسه آقای سلحشور از من پرسید که چرا این طور تست دادی که من صادقانه دلیلش را گفتم.

در این هنگام آقای شورجه رو کرد به آقای سلحشور و گفت که نقش مالک برای ایشان (بندۀ) مناسب است که یادم هست آنجا آقای سلحشور در ابتدا قبول نکرد و گفت نقش مالک را خودم می خواهم بازی کنم که البته جواب منطقی آقای شورجه، ایشان را مقاعد کرد.

خلاصه این طور شد که نقش مالک در این سریال به من محلول شد و فیلم نامه مربوط به نقش را به بندۀ دادند.

پس از مطالعه متوجه شدم که شخصیت مالک در چهاربخش سریال بازی دارد و مهمتر اینکه این نقش دارای یک شروع، میانه و پایانی است. از همان ابتدا سعی کردم با راهنمایی های کارگردان با ویژگی های شخصیت مالک که انسانی یکتاپرست و تاجر است و اینکه به فنون رزمی در حد یک کاروان سالار آگاه است ... آشنا شوم تا بتوانم بیش از پیش خود را به نقش تزدیک کنم.

پس از اتمام فیلم برداری این چهار قسمت که به طور متفرقه یک سال و نیم به طول انجامید آقای سلحشور به من پیشنهاد تمدید قرار داد و گفت: که به نقش مالک در سریال افزوده شده است و شروع کرد یکسری کلیات را تعریف کردن به این مضمون که مالک پس از فروش یوسف، از این کار خود پشیمان می شود، کار تجارت را رها می کند و در مصر می ماند و ... که بقیه ماجرا را در سریال در حال مشاهده هستید.

هر جور که شما بخواهید، بگذریم، اما آقای طاهری کار با آقای سلحشور برای شما چطور بود و به نظرتان در مقایسه با کسانی چون آقایان فخیم زاده یا میریاقری، کار ایشان دارای چه ویژگی های متمایز کننده ای بود؟!

- متأسفانه بندۀ تاکنون همکاری با استادی چون آقای میریاقری و آقای فخیم زاده را تجربه نکرده ام و لذا شاید بتوانم مقایسه درست و دقیقی در این باره داشته باشم ضمن اینکه خود را در حد نمی دانم که بخواهیم درباره این بزرگواران و همچنین آقای سلحشور، اظهار نظری این چنینی داشته باشم. الحق و الانصاف کار با آقای سلحشور برای بندۀ تجربه خوبی بود اما در بحث مقایسه ای که شما فرمودید آنچه که بندۀ از آثارشان به عنوان یک





مخاطب دریافت کرده‌ام این است که سه دیدگاه متفاوت را در کارهایشان شاهد هستیم. به نظرم آقای سلحشور در کارشان، به تاریخ و روایات و احادیث و آیات قرآنی وفادار هستند. درخصوص آقای میرباقری ضمن وفاداری به تاریخ، عنصر تخیل و همچنین فضای رمانیک مشاهده می‌شود و درخصوص آثار آقای فحیم زاده این نکته قابل توجه است که ایشان در عین وفاداری به تاریخ از عناصر تخیل و خشونت نیز در کارشان استفاده می‌کنند.

حضرتعالی وضعیت کوئی ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی در ژانرهای تاریخی و مذهبی را با عنایت به ابعاد محتوای و ساختاری قضیه چگونه ارزیابی می‌کنند؟

- در کل می‌توانم بگویم که خوب است اما خوب با توجه به استقبال گسترده مردم از کارهای تاریخی به ویژه تاریخ اسلامی فکر می‌کنم که در این زمینه هنوز جای بیشتری برای کار وجود دارد.

و اما آنچه که ایده آل شخص من است این که برای ساخت یک کار تاریخ باید از تک بعدی نگری به قضايا پرهیز کرده و سعی کنیم با کلان نگری به حقایق تاریخی، خیل گسترده‌تری از مردم را جذب کنیم و البته این مسأله را هم از نظر دور ندایم که بالآخره ما یک مسلمان و معتقد به دین می‌باشیم و لذا نباید در انجام وظیفه خود در سطح باقی بمانیم بلکه باید به عمق دین و معارف مذهبی راه پیدا کنیم.

به شخصه اگر بخواهید مهمترین نقطه ضعف سریال حضرت یوسف را بگویید، به چه موردی اشاره خواهد داشت؟

- اگر بخواهیم جوابتان را صادقانه بدهم باید بگوییم ای کاش این سریال پر مخاطب حداقل در ۲۶ قسمت به پایان می‌رسید چرا که معتقدم طولانی شدن سریال باعث کندی ریتم آن شده به طوری که حضور یافته و نظرات دوستان را می‌شونم، احساس می‌کنم که مخاطب از کش دار شدن داستان بیزار است و لذا به نظر من طولانی شدن ضبط سریال بی تردید در کیفیت مجموعه، تأثیر منفی گذاشته است.

مطلوب دیگری که وجود دارد این است که ما در بحث مربوط به ساخت آثاری دریار ائمه اطهار با یکسری محدودیت‌هایی روبرو هستیم به این معنا که نمی‌توانیم به طور مستقیم به آنها پیردازیم اما از سویی می‌توانیم با ساخت آثاری راجع به شخصیت‌های پیرامونی آنها، اشاره‌ای به آن بزرگواران داشته باشیم.

به عقیده شما اساسا یک کار دینی یا قرآنی باید دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی باشد؟

- بنده از نگاه آقای سلحشور واقعا خوشم می‌آید چرا که ایشان به عنوان یک بچه مسلمان معتقد این کار را ساخت و در بیان داستان از قرآن و تفاسیر بهره گرفت و به حاشیه‌ها زیاد نپرداخت. ما هم اگر بخواهیم یک کار تاریخی و به خصوص دینی و قرآنی بسازیم باید مناسب با برداشت امروزمان از قرآن و احادیث، به بیان تاریخ پیردازیم و مسائل اعتقادی مان را مطرح کنیم. بی‌شك اگر ما در این گونه کارها با زبان روز اصل مطلب را بگوییم و نیز در جذب مخاطب به نحو صحیح آن بکوشیم، توانسته‌ایم در مسیر درست ساخت یک کار دینی و مذهبی گام برداریم.

به نظر شما چرا فیلمسازان کشورمان کمتر به سراغ موضوعاتی چون مهدویت، غدیر و دیگر موضوعات مذهبی و شیعی می‌روند؟

- راستش این سوال را باید شما از خود فیلمسازان پرسید اما تا آن جایی که بنده اطلاع دارم خود آقای سلحشور مشغول نگارش و یا بیگری یکی از مراحل ساخت سریال است که موضوع آن مرتبط با حضرت حجت (عج) است. همچنین کار آقای میرباقری یعنی همین مختارنامه تا آن جایی که شنیده‌ام کار خوب و قوی‌ای است و در بازگویی واقعه کربلا موفق بوده است.

اما خوب این را هم بگوییم که درخصوص مهدویت که شما فرمودید هنوز کار چندان شاخصی تولید نشده است و به نظر من فیلمسازان ما باید به سراغ ساخت آثاری با موضوع مهدویت بروند.

آقای طاهری! به نظرشما برای تبیین درست مفاهیم دینی از جمله انتظار، عاشورا، ولایت و از این دست مسائل مهم اعتقادی برای مردم خصوصا نسل جوان جامعه ما چه باید کرد؟

- یکی از راه‌ها برای رسیدن به هدف در این خصوص بهره گیری درست از رسانه‌هایی چون تلویزیون و سینما و تئاتر است اما راه‌های دیگری هم وجود دارد. در این عرصه می‌توان به ویژه مخاطب جوان را با عنایت به تفکر امروزی‌اش، درگیر این مسأله کرد. طبیعی است که جوان امروز با جوان دیروز، بسیار فرق دارد. جوان امروزی بیشتر به دنبال یافتن علت و معلول هاست. به همین خاطر سوال‌هایی را مطرح می‌کند که شاید جوان دیروز آنها را مطرح نمی‌کرد. وظیفه ما این است که بتوانیم به سوالات آنها به طور منطق و با استدلال عقلی پاسخ بدیم.

الآن جوانان امروزی تنها به جنبه احسانی «اعشورا» توجه ندارد چرا که در همین زمینه سوالاتی را دارند که به دنبال جواب منطقی آنها هستند. جوانان امروز نیازمند یک راه روشن است و به دنبال یک الگوی عقلی و منطقی است و نه صرفاً احسانی.

آقای طاهری، در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید:

- واقیتیش را بخواهید بنده همیشه دوست داشتم در پروژه‌های تصویری متفاوت باشم، اما در مورد تئاتر مذهبی خواهشم بر این است عزیزانی که احرای نمایش در ژانر مذهبی می‌کنند به این مذهب ضریبه به دین نزنند. چرا که امروزه نیاز داریم به مسائل دینی عمیق تر نگاه کنیم و در این خصوص مطالعه بیشتری داشته باشیم. به نظر می‌رسد در ژانر نمایش‌های مذهبی کم کار شده است و ما هنوز نمایشی که در شان مذهب شیعه و ایران شیعی باشد برای ارائه به دنیا نداریم، جز نمایش تعریفی که در دوران صفویه به وجود آمد ولی بعد از آن چه؟ امید است هنرمندان فریخته ما با مطالعه بیشتر و عميق تری به این نوع ژانر نمایشی (مذهبی) بپردازند.

آقای طاهری، بگذرید کمی از بحث جدا شویم، شما در این سریال به نوعی نقش بار و وزیر و فرد دست راست حضرت یوسف (ع) را ایفا می‌کنید، همه ما آرزومندیم بازی راست نه، ولی بار یوسف زهرا باشیم؛ حالا خدا و کیلی چقدر دوست داشتید در دنیا و واقیت این توفیق را می‌یافتد که بار و همراه یوسف زهرا (س) باشید؟!

- ما کجا واقاً امام زمان کجاست؟ خدایش این حرف رو که زدید مو به بدنم سیخ شد، ما که قابل نیستیم، اگر اجازه بدھید از این بحث بگذریم؛ من نمی‌توانم چیزی بگویم.

شکی نیست که انتظار در فرهنگ تشعیع از جایگاه بسیار والایی برخوردار است پیامبر ﷺ از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت و گاه افضل اعمال امت و گاه به عنوان برترین جهاد امت یاد نموده است. انتظار نوعی آماده باش است برای درک ظهور حضرت و حاکمیت فرهنگ ناب اسلام و قرآن. انتظار نوعی اعتراض است بر ظلمها و بی عدالتی‌ها، انتظار یک حالت انسانی است که انسان به خاطر وجود آن ضمن پیراستن وجود خویش از بدی‌ها و آراستن آن به خوبی‌ها در ارتباط مستمر با امام و حجت خویش همه هستی خود را صرف زمینه‌سازی ظهور مصلح می‌کند و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل‌بیت با تمام وجود تلاش می‌کند.

او کان انتظار

انتظار سه رکن دارد: ۱. از وضع موجود ظلم و فساد و بی عدالتی ناراحت است؛ ۲. در انتظار وضعیت مطلوب است؛ ۳. برای هر کاری که او را از وضع موجود به وضعیت مطلوب منتقل می‌سازد تلاش می‌کند.

کسی که وضع موجود را زندان می‌داند و در انتظار رهایی است، آرام نمی‌نشینند. چنان‌که کسی که از بیماری رنج می‌برد و در آرزوی بهبودی است، پیوسته از دارو و درمان بهره می‌برد، آن‌چه دکتر بگوید می‌پذیرد، دارو، پرهیز، جراحی و حالتی تسلیم گونه دارد و اصولاً انتظار در هر چیزی تلاش و کوشش لازم را نیاز دارد. دانش‌آموزی که منتظر امتحان است، اگر موفقیت خود را می‌خواهد تلاش می‌کند.

کشاورزی که در انتظار محصول است، برای محصول بهتر تلاش می‌کند.

میزبانی که در انتظار میهمان است، برای آمدن میهمان تلاش می‌کند.

بازرگانی که از وضع آشفته بازار رنج می‌برد، برای رهایی از وضع موجود تلاش می‌کند.

راستی ما برای انتظار ظهور حضرت چه تلاشی می‌کنیم تا ظهورش نزدیک شود؟



ویژگی‌های منتظران

۱. شناخت امام زمان

چشم انتظاری جز برقایه شناخت میسر نیست. ابتدا باید رهبر معصوم را شناخت تا خود را برای پذیرش او آماده ساخت. امام صادق علیه السلام فرمود: «اعرف امامک فاذا عرفته لم يضرك تقدم هذا الامر ام تأخر»^۴

امام زمان خویش را بشناس، وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر آسیبی به تو نخواهد رساند. و نیز فرمود: «من عرف امامه ثم مات قبل ان یقوم صاحب هذا الامر کان بمنزلة من کان قاعداً فی عسکره لابل بمنزلة من قعد تحت لوائه».^۵

هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام حضرت از دنیا رفت، به سان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت‌گزاری کند، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت باشد. کسی که در مرحله شناخت، در حد ممکن معرفت کسب نمود در مرحله اطاعت دچار تردید نخواهد شد.

۲. خود کنترلی

شخص منتظر که به وجود امام حی و زنده اعتقاد دارد، همواره باید خود را در منظر امام زمان علیه السلام ببیند و احساس کند که حضرت مراقب اوست و اعمال و رفتارش را چه خوب و چه بد می‌بیند.^۶ وقتی این اعتقاد در او تقویت شد، دیگر دست به فساد و گناه نمی‌آید و از آن حضرت حیا می‌کند.

۳. عمل به تکلیف

بر اساس روایات انتظار فرج باید منتظر ظهور حضرت بر وظایف شرعی و فضایل اخلاقی توأم باشد نه اباخی گری. قرآن و عده پیروزی و حاکمیت حکومت جهانی را به مؤمنانی می‌دهد که عمل صالح انجام دهند.^۷

امام زمان علیه السلام فرمود: «فليعمل كل امرء منكم بما يقرب به من محبتنا وليجتنب ما يدنيه من كراحتنا و سخطنا».^۸

پس باید هر یک از شما به آن چه که نزدیکی و محبت ما می‌شود عمل کند و از هر چیزی که موجبات ناخشنودی ما می‌شود دوری نماید. و نیز فرمود: «أَنِي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَإِمَاتَةِ الْبَاطِلِ وَإِحْيَا السَّنَةِ».^۹

من شما را به خدا و رسول و عمل به کتاب قرآن و نابود کردن باطل و زنده کردن سنت‌های دینی دعوت می‌نمایم.

۴. صبر و پایداری

یکی از اموری که همواره همراه انتظار فرج از آن یاد شده صبر است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «ما احسن الصبر و انتظار الفرج»^{۱۰} چه نیکو است شکیبایی و انتظار فرج.

امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی بر مردم می‌آید که امام و پیشوای آنان غیبت می‌کند. پس خوشابه حال کسانی که در آن زمان بر فرمان ما استوار و ثابت قدم باشند.^{۱۱}

آری انتظار بدون عنصر پایداری و شکیبایی و صبر در برابر مشکلات وسیله‌ای بدون مغز و قالبی بی‌محتوا است. روح انتظار مقاومت و صبر است. کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی است، باید تا فرا رسیدن زمان پیدایی هدف و شکل گرفتن آرمان پایداری و شکیبایی کند و تاب و توان خود را از دست ندهد. و هر ناملایمی را در آن راه با بربداری پیذیرد و چون صبر و پایداری را از دست داد و بی‌شکیب گردید و تاب و توان بر زمین نهاد، انتظار را نیز از دست داده است. زیرا پایداری و صبر تحقیق‌بخش جوهر انتظار است.

انتظار یعنی حالتی که انسان، در امر دین و در برابر کفر و تبلیغات ضد اسلامی مقاومت کند و انسان را به جلو رفتن و پیش



۵. پرهیزکاری

امام خمینی ره در پیام خود در نیمه شعبان فرمود:
اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا به تمام توان
کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در کشور ویعصر حاکم کنیم.

۸. خوش اخلاقی

منتظران آن حضرت مظہر کامل اخلاق و آئینه تمام نمای
آداب الهی هستند. چگونه ممکن است اخلاقی رشت و ناپسند
داشته باشند در حالی که در انتظار امام هستند که مظہر اخلاق
نیک است؟

و حسن الصحابة و حسن الجوار.^{۱۶}

۹. حفظ احصال

منتظر واقعی باید مثل درختی باشد که در فصل زمستان که
شرایط رشد و فعالیت نیست، احصال نباتی خود را حفظ می‌کند و در
زمانی که بساط زمستان برچیده شد و باد بهار وزید، مجدداً سبز و
خرم می‌شود و ناظرین را به خود جلب می‌کند. و اگر روح نباتی
خود را در این زمان از دست بددهد، بهار برای او فایده‌ای ندارد.
منتظر واقعی باید در برابر خطرات و آفت‌های فرهنگی حافظه هویت
دینی و مذهبی خود باشد.

اگر قرار باشد انتظار فرج به راه حاکمیت اسلام و قرآن فضیلت
به شمار آید هرگز خارج از مدار تقوا نمی‌توان باشد. امام زمان علیه السلام
فرمود: «فَاتَّا نَحِيطُ عِلْمَنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَعْزِبُ عَنَا شَيْئًا مِّنْ
أَخْبَارِكُمْ».^{۱۷}

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ یک از اوضاع شما بر ما
پوشیده نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ اصْحَابِ
الْقَائِمِ فَلِيَتَظَرُّ وَلِيَعْمَلْ بِالْوَرْعِ وَمَحَاسِنِ الْإِحْلَاقِ».^{۱۸}

هر کس دوست دارد که از اصحاب و یاوران امام زمان علیه السلام
باشد، پس باید آماده ظهور حضرت باشد و عملش بر اساس ترس از
خداء و تقوا بوده و خوش اخلاق باشد.

ایننه شو جمال پری طلستان طلب

جاروب کن تو خانه را و سپس میهمان طلب

۶. نیکوکاری

یکی از ویژگی‌های منتظران نیکوکاری است. امام باقر علیه السلام
فرمود: «الْمُنْتَظَرُ لِهِ الْمُحْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرُ».^{۱۹}
کسی که چشم انتظار ظهور حضرت است، و از او گمان
نیکوکاری می‌رود.

۷. تولی و تبری

از ویژگی‌های منتظران دوستی با اهل بیت و دشمنی با
دشمنان اهل بیت است. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «طوبی
لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غيبة قائمنا. الثابتین علی
موالاتنا و البرائة من اعدائنا أولئک منا و نحن منهم قد
رضوا بنا ائمۃ و رضينا بهم شیعة و طوبی لهم ثم طوبی
لهم هم و الله معنا فی درجتنا يوم القيمة».^{۲۰}

خوشابه حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به رسمنان
محبت چنگ زننده گانند. و بر دوستی ما استوار می‌باشند و از
دشمنان ما تبری می‌جویند. اینان از ما هستند و ما از آنان هستیم.
ما را به عنوان پیشوای برگزیده‌اند و ما هم آن‌ها را در زمرة پیروان
خود محسوب می‌داریم. خوش به حال آن‌ها، قسم به خدا این‌ها در
درجات عالیه در رستاخیز با ما هستند.

- بی‌نوشت
- * استاد و کارشناس اسلامی.
- ۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰۱.
- ۲. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶.
- ۳. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.
- ۴. الغيبة، ص ۳۳۱.
- ۵. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.
- ۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵.
- ۷. یاتی علی الناس زمان بغير عنهم امامهم فی طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلك
الزمان؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.
- ۸. قرآن کریم می‌فرماید: «اغْلُوا فُسْتِرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ توبه،
ایه ۱۰۵.
- ۹. سوره نور، آیه ۵.
- ۱۰. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷۶.
- ۱۱. مجموعه سخنان حضرت بقیة الله، ص ۱۷۸.
- ۱۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷۵.
- ۱۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
- ۱۴. همان، ج ۶۵، ص ۱۴۱.
- ۱۵. همان، ج ۵۱، ص ۷۲.
- ۱۶. همان، ج ۸۷، ص ۱۴۴.

آشنایی با بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان

با یاری و استعانت از حضرت بقیه الله اعظم (روحی فدای) بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان در راستای ترویج فرهنگ غنی مهدویت و برای عمق بخشیدن به شناخت و رشد و تعالی جامعه اسلامی با حضور حجۃ الاسلام والملمین قرائتی در سال ۱۳۸۵ تأسیس گردید.

محور اصلی فعالیت‌های بنیاد در ۳ زمینه آموزشی و پژوهشی، اجتماعی و پشتیبانی تصویب و عنوان برنامه‌های اصلی بنیاد در اولویت کاری قرار گرفت.

واحد آموزشی و پژوهشی بنیاد در طی دو سال فعالیت منسجم اقدام به برگزاری بیش از ۳۰ دوره آموزشی ویژه دانشجویان ، دانش آموزان، طلاب حوزه علمیه واحد خواهان ، کارمندان ، استادی دانشگاهها ، عموم مردم در شهرستان خرم آباد نموده است.

همچنین این واحد اقدام به برگزاری گردهمایی ها وهمایش هایی در رابطه با موضوع مهدویت نموده است که از برگزاری گردهمایی منتظران آفتاب با حضور حجۃ اسلام قرائتی ، نصوروی ، دارستانی و پناهیان می توان نام برد. واحد آموزشی و پژوهشی بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان با همکاری نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها ،سازمان ملی جوانان و اداره کل اوقاف و امور خیریه اقدام به فراهم آوردن مقدمات برگزاری همایش موعود مهربانی ویژه دانشجویان غرب کشور نموده است که انشاء الله در ۱۹ و ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۸ در شهرستان خرم آباد با حضور استادی بنام در عرصه مهدویت برگزارخواهد شد.

واحد اجتماعی بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان که با حضور افتخاری دانشجویان دانشگاههای استان لرستان شکل گرفته در طی مدت کوتاه فعالیت بنیاد اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب ویژه مباحث مهدویت ، برگزاری بیش از ۱۲ دوره اردو به شهرقدس قم و اردوگاه مهدی یاوران بنیاد ویژه دانشجویان و فعالان بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) ، مسابقات کتابخوانی ویژه مهدویت ، برگزاری همایش های مهدویت در دانشگاههای خرم آباد و ... نموده است .

این واحد همچنین در توزیع نشریات ویژه مهدویت خصوصا نشریه امان در سطح استان با بنیاد همکاری نموده و وظیفه توزیع نشریات مذکور را در تمامی دانشگاهها به عهده دارد .

واحد پشتیبانی بنیاد که با توجه به فعالیت وسیع خود موفق به تهیه یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۰ متر برای ساخت ساختمان بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان گردید و هم اکنون مشغول برنامه ریزی جهت تهیه نقشه و جذب اعتبار لازم جهت ساخت ساختمان که توسط ریاست محترم جمهوری اسلامی در طی سفر دور دوم به استان مورد تصویب قرار گرفته می باشد.

از دیگر برنامه های این واحد می توان به جمع آوری کمک های مردمی و واریز نمودن آن به حساب شماره ۲۹۹۹ صندوق قرضه احسنه قائم جهت فعالیت های آموزشی بنیاد می توان اشاره نمود که مورد استقبال مردم ولایتدار لرستان قرار گرفته است

از دیگر برنامه های بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع) استان لرستان می توان به

برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و همچنین سخنرانی استادی مرکز تخصصی مهدویت در مساجد شهر خرم آباد

تهیه بیش از ۴۰ برنامه تلویزیونی درباره مسائل مهدوی توسعه کارشناسان مرکز مهدویت

تهیه چندین نمونه بروشور به مناسب های مختلف خصوصا نهم ربیع الاول و نیمه شعبان

تهیه و تکثیر نرم افزار حدیث رایانه و توزیع آن در سطح استان لرستان

چاپ و تکثیر ۲۰۰۰ عدد بروشور دعای عهد و توزیع در سراسر کشور

می توان اشاره نمود

در پایان خداوند متعال را شاکر و سپاس گزاریم که افتخار خدمتگزاری استان حضرت بقیه الله اعظم (ع) را نصیب ما فرمود و از این خدمتگزاری در چنین مکان مقدسی ، و در چنین برهه و زمانی بر خود می بالیم و در برابر این همه عظمت و شکوه بر درگاه ذات مقدس حضرت باری تعالی پیشانی سجده بر زمین می ساییم و همواره از درگاه بی نیازش خواهانیم.

اللهم اعننا علی تادیه حقوقه الیه

خدایا

مرا در ادای حقوقی که امام زمان بر ما دارد یاری بفرما



نام مهدی^{علیه السلام} رمز مکتوم مبین عالم امکان و مظہر عظیم معنای اسم اعظم است. نام جمیلش مایه امید منتظران منجی است. او مظہر محبت منان، مراد محروم ان و مقتدای مظلومان است؛ فرزند علوم کامله و معالم مؤثرة او مرز معبد و مخلوقات و متصل کننده آن هاست. جمعه‌ها به میمنت امام زمان^{علیه السلام} است که مقامی مضاعف در میان ایام می‌باید. مهدی فاطمه علم منصوب امامت است. او همچون عمجزه مسیح، محی است. او همان مُذخر و گنج مستور است. ملک و ملکوت، مدهوش و مجنوں این محبوبِ محبوب از مردمک‌ها می‌باشدند. موعودی که در موعد میعاد به امر منان مسجد ملاذکه بود و معیار مراد مردم در میقات میثاق، مسابقه در معرفت محمد^{علیه السلام} و آل وی بود چرا که آنان مرکب و میزانند. ملاک معروف و منکر، امر و نهی آنان است و حل مسایل و مشکلات مسیر قرب با تأسی به مسلک و مرام آنان میسر است. مهدی^{علیه السلام} منجی مردمان و متنقم منتظر است؛ ماه منیر مهریانی، مصلح مطلق و مصداق مطہر آیه تطهیر. مولایی که مشتاقان ملاقاتش به امید مژده مقدم آن منصور مکی و مدنی با مرارت و ملال دنیا مبارزه می‌کنند و مظلومان منتظر وجود مطہر، مدار مقدس مستمندی درگاهش را در میان مخلوقات به گردن می‌اویزنند. مهمانان مخصوص محضرش، مست مقام معظمش هستند. نام مبارکش، برای مسلمانان معصیت کار مفتح باب مفترت مالک الملک است و امان از آتش و مجوز ورود به مینو. منتظران، ماہی امیدشان را با ماء جاری از مژگان زنده نگاه می‌دارند و دوام مودت امام را با شبیم چشمهاشان مسئلت می‌نامایند. مهدی^{علیه السلام} مجدد احکام معطل الهی، تمنای مستجاب تمام مستضعفان. پیام آور مسرت برای امت اسلام، معراج مؤمنان و مرصاد متکبران، مرأت معانی و متصل کننده عالم ماده به عالم معناست. با موج ایمان، مرداب مرگبار مادیات را متحرک می‌سازد و شمیم معطر معنویت و معصومیت را در مجاری زمین می‌پراکند.

الهی! سایه هلاکت و هدم گناه و هراس هولناک هوی و هوس، اهالی جهان را احاطه کرده. هلله جهل و همهمه اندوه و آهنگ بی هدفی از هر سو شهر را فراگرفته است. در آسمان سیاه شهر، تنها هالة نور هلال تهلیل، پناه نگاههای اهل هُدی است. فقیه شهر، هادی راهیان نور به سوی هدف آن سهی سرو است تا راه نهضت مهر و تطهیر، هموار شود. بارالله! آیا هنوز هنگام آن نیست که هائف لاهوتی، آمدن گوهر و هسته مرکزی هستی را نوید دهد تا گل همیشه بهار هاشمی و نوبهار حُسن اهل بیت^{علیهم السلام}، تا بهشت بی انتهای مهریانی راهنماییان باشد؟ الهی! با آن مهاجر مهجور، عهد می‌بندیم که در راه هدایت، هماره همت را همراه خود سازیم و هرگز هیبت ظاهربینان ما را هراسان نکند. خدایا! همتی همراهمان ساز که بهترین بهره را از زهد بگیریم و هیمه‌های جهنمی را به پای هیمنه یهود صهیون ببریزیم تا هنگامه ظهور مهدی^{علیه السلام} از هفت سوی اطراف و درون، آنها را بسوزانیم که هیچ گاه هیکل سلیمان را بهانه هتک حرمت مکان‌های مطہر و اهانت و توهین به مقاومت الهی قرار ندهند. شاهدان، مدهوش مهوش زهرايی و در سوز هجران رهبر پنهان از دیده‌هایند و می‌دانند

زهرا صفاری زاده

رسارن و اره

زنگنه
۳۹
زنگنه

هزینه و بهای دیدار، نوشیدن شهد شهادت و شهود است. هان ای اهالی کوچه‌های غفلت! به هوش باشید، قهرمانی که در همسایگی ماست یک کهکشان رهایی را برایمان هدیه می‌آورد. آن هنگام چهره هویت حقیقی انسان، هویدا شده و ذهن‌ها مهد فرهنگ می‌شود و همه با هم هماهنگ و همسو، همسفر عشق خواهند شد.

ای دوازدهمین اجابت دعای احمد ﷺ ما را در دوام مودت خود مدد رسان. ای مجده دین محمد ﷺ! روا مدار دشنۀ دشمنان دیوانه، پرده دینداری را بدرد و داس داعیه‌داران دروغین و دجال پیشه، بوستان داعیان دین را بدرود. دیدگانمان را به دانایی روشن کن تا دنیاداران دیو صفت با دراهم معده ده ما را به دنائت نکشانند چرا که دارایی درویشان دیار دلدار، دولت دنیا و دین است. کودکانمان دبستان دوستی را در دامان خود قرارده تا دعوت داعیان دغل دوست دل‌های دردمنشان را در وادی درماندگی نبؤد. ای دلیل دل‌های متahir در شب دیجور! آیا دوران دادرسی نرسیده تا به دستور تو، داد ڈرمندان را از ددمنشان بستانند؟ به وسعت دلتگی دوستانت سوگند که دست ما را از دامان دریایی خود جدا مکن. وقتی از دریچه دهر به دفتر هستی می‌نگرم این فریاد دیرین دادخواهی است که در دلان‌های زندان دنیایی دنی، شنیده می‌شود. کوردلان آمدنت را دور می‌دانند اما برای بیدار دلان لحظه دیدار دیر شده و در انتظارند تا هر چه زودتر ڈردانه زهراء ﷺ از دورست‌ها باید و دماد از دریای دیدگانشان دانه‌های ڈر و مرواریدی اشک را به پای قدم‌هایش بریزیند و دست افshan خود را در رکابش فداکنند. دعای عهد، وعده داد آمدنت زود است؛ ای قائد و دیعه نهاده شده! چقدر دیر، زود می‌شود!

ای یادگار آیه یازدهم! ای مجلس آرای میکده انبیاء! ندای «أین» تا کی؟ ای یکه سوار يوم فتح، یکدم به یاری یغمادگان پناهنه کویت بیا و محرومیتشان را با فیضان فیضی از یم فضایل خویش بزدای. مشتریان یوسف، سیل سرمایه گریه را برای نیل به خیمه‌گاه یار مه روی آورده‌اند. ای یوسف حسین ﷺ! یاران یگانه تو آینه پیمان و بیعت ولایت را نشکستند. یا ابن یاسین! بوی دلجوی یاسهای نینویی در فضای میخانه دنیا، جان را به یاد جانان می‌اندازد. ای غایب از نظرها! غیبت تو را تنها مؤمنان به حقایق غیب تأیید می‌کنند. زیارت ناحیه تو، در میان ادعیه، احیاگر غیرت شیعه حسین ﷺ است. ای آرزوی تحقق یافته اولیا و اوصیا! ای مین ماهیت شرایع پیامبران! آین ریاکارانه و سیاست‌های طایفه یهود صهیونیست، امنیت بشریت را به خطر انداخته است. یقین دارم که ایام تنهایی به سر می‌آید و پیک وحی، بین زمین و آسمان، آمدنت را فریاد می‌زند تا یاران و لشگران بسیار از هر سوی یکپارچه به مهدی فاطمه ﷺ بیرونند. عیسی بن مریم ﷺ - مؤید مهدویت - یعقوب وار به انتظار یاری یکه تاز میدان دیانت و دیان دین است تا شاید با بیان آیات و بیانات، مسیحیت راستین را به یاری قیام وی فرا خواند. خضر ﷺ از می «عين الحياة» ولی عصر ﷺ نوشیده که اعصار را طی کرده است تا همراهش به احیای حیات واقعی انسانیت پردازد یا بقیه الله! رایت هدایت را با ید بیضایت برافراز و بیت پایانی شعر اهل بیت ﷺ را بسُرای.



آخر پرچم

آخر ادعایم می‌شد که من با پدر اول دوستیم، بعد پدر و فرزند
حالا که در ذهنم این جمله را مرور می‌کنم می‌بینم صدها برابر
نیاز دارم به این که با او آشتب کنم
حالا می‌فهمم که ما با امام عصرمان غریبه شده‌ایم با او قهریم
و باید آشتب کنیم یعنی چه؟
داستان غریبگی هر کس با امام زمانش خود حکایتی است
مفصل

هر روز صبح با یک دنیا امید برای کسب روزی کرکره مغازه را
بالا می‌دهی موقع حساب کردن سود و منفعت حتی حساب چک و
چانه‌های مردم را نیز می‌کنی که ۵۰۰ تومان باشد برایمان استفاده
و ۲۰۰ تومان برای چک و چانه.
خیلی تلاش می‌کنی که این طور نشود اما انگار حجم کارت که
اضافه می‌شود انگار هرچه خورشید بیشتر در خانه‌اش فرو می‌رود
اخلاقت بی‌حوصله‌تر می‌شود و تندتر غریب می‌زند. حوصله‌ات از دست
تو حوصله‌اش سر می‌رود و بهانه می‌گیرد و تو می‌مانی و یک
اخلاق بی‌حوصله، خستگی، اعصابی که هر لحظه ممکن است خط
خطی شود و یک عالمه مشتری پر انرژی.

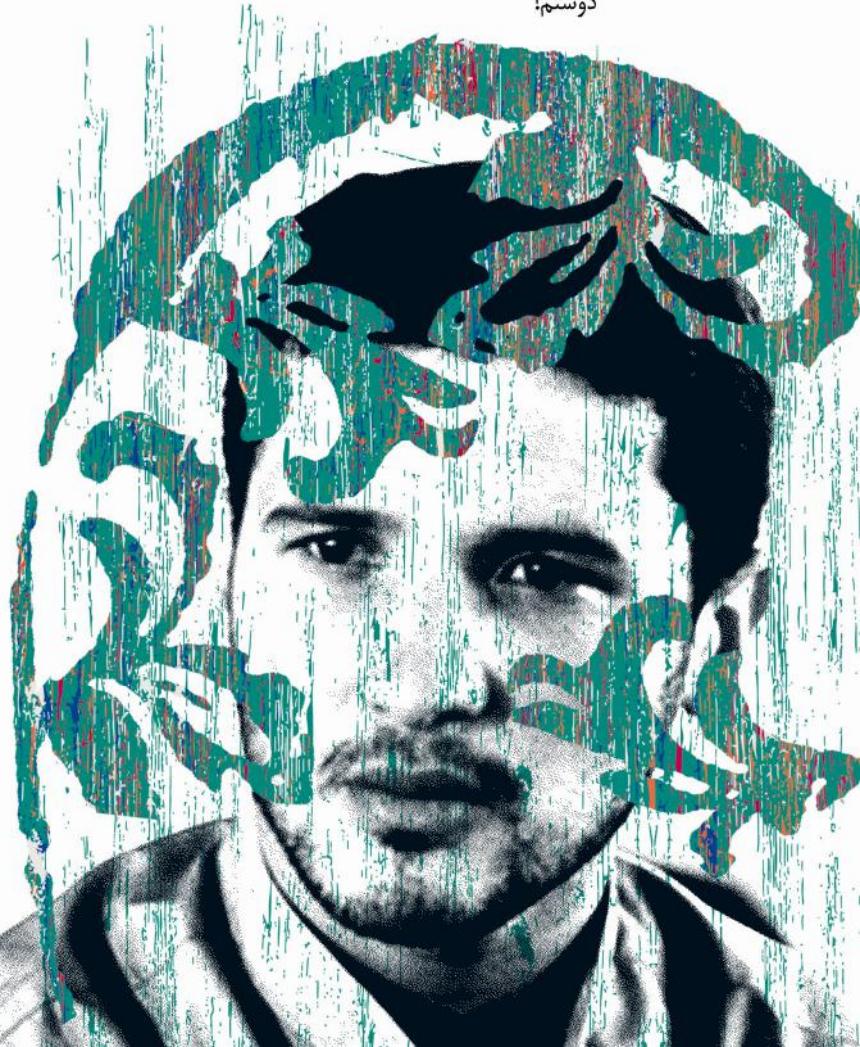
بعضی روزها که استفاده و خرید کم است؛ شیطان شکرت را
نشانه می‌گیرد و در بی‌حوصلگی قدری ناله می‌کنی و بی صبری
خرج می‌کنی. اما هر چه فکر می‌کنم یادم نمی‌آید روزهای پردرآمد
شکرت چگونه است.

اذان می‌گویند حلی علی الصلاة ... ای بابا مغازه تازه پر شده
از مشتری خدا که نگفته حتماً نماز را اول وقت بخوانید و گرنه تا

چندبار این جمله را دیده بودم اما برایم معنای نداشت. هر وقت
که عمیق در موردش فکر می‌کردم آخر کار می‌گفتم این جمله
برای من معنای ندارد حداقل در مورد من یکی که صدق نمی‌کند.
آخر می‌شود که ما با کسی که دوستش می‌داریم غریبه باشیم و
قهقهه کنیم. خوب دلمان برای او تنگ می‌شود چطور طاقت بیاوریم.
اصلاً مگر ممکن است بی‌تاب آمدن یک غریبه باشیم؟ تا این که
یک روز معنای غریبه شدن را با تمام وجودم لمس کردم انگار
لغتنامه وجودم تازه ورق خورده و از حرف عین روی کلمه غریبه
ایستاد و بعد مکثی کرد تا من معنای غریبه شدن را بفهمم و بدانم
که من الان هم با خیلی‌ها غریبه‌ام فقط فکر می‌کنم که آشنایم

.... خیلی برایم سخت بود آخر پدرم را بسیار دوست می‌دارم با
همین دیدارهای کوتاه این زندگی ماشینی، باز هم او را از جان
دوست می‌دارم اما امروز دیوار کاذب آشنایی من و پدرم شکست و
شیشه کلفت غریبگی نمایان شد؛ پدرم حرفی زد که فهمیدم چقدر
دورم از آن‌چه او دوست می‌دارد. انگار یادم رفته بود یک معنای
غریبه بودن شاید این باشد که ما ندانیم او چه دوست دارد و ما را
چگونه می‌پسند؟

دیدم بعد از این همه سال آشنایی، هنوز هم با پدر غریبه‌ام ...
پدری که در عین غریبگی برایم دعا می‌کند و مرا دوست می‌دارد و
من فقط فکر می‌کنم او را دوست دارم او را می‌شناسم و با او
دوستم!



خوب

به کدام سرچشمه متصلی که هر چه هوا گرمتر می‌شود یا
سردتر حوصله‌ات با آرامش تو را نگاه می‌کند.
اگر مسافری در را نه به عمد که از روی عجله محکم کویید
دهانت جز به دعا و استغفار و پذیرش بوزش او گشوده نمی‌شود.
«خدا خیرت دهد». این دعای آن مسافری بود که غریب بود و
تو به بهانه غریبیه بودنش و بی‌خبری‌اش از کراپه‌ها، چند برابر از او
پول نگرفتی ... خوب هوا زائران این شهر را داری
برف و بوران پارسال یادت هست آخر شب خسته و سرمازده
سر راهت آن بنده خدا را هم رساندی وضع مالی اش خوب نبود.
چه دعایی کرد برایت به جای پول
این را نشنیده بودم مسافر جا به جا کنی به نیت فرج ... عجیب
عاشق شده‌ای ... عجیب معشوق هم به سویت نظر دارد
موقع اذان جلوی مسجد می‌ایستی و نماز می‌خوانی نگاه کن
مردم موقع نماز عجله دارند برای چه؟ نمی‌دانم اما وقت خوبی است
برای مسافر کشی ... نه انگار این حرف‌های شیطان را هم
نمی‌شنوی

علوم است حسابی دوستش داری
شب قدر تو بودی که روی تاکسی‌ات زده بودی صلواتی؟!
خوش به حالت؛ دینمان تو را مژده داده به عاقبت به خیری
...
غريبه آشنا، خدا قوت

غروب فرصت نمی‌داد الان مشتری واجب‌تر است آخر مشتری مثل
پرنده است به اشاره‌ای می‌پردد ... ای بابا یادت رفته این پرنده هم
خدایی دارد که پرواز و ماندن را به او آموخته است ... هو الرزاق
....

شیطان عجیب خودش را نخود آشی انتخاب‌های تو می‌کند.
راستی نفهمیدی همسایه آن طرفی که لنج پول جهاز دخترش
بود و با همسر مریضش بول دارو هم نداشت، توانست پولی به
دست آورد یا نه؟

آقا رضای محله پایینی که کسی را ندارد حالش چطور است؟
اگر یک موقع خواستی خمس بدھی ... هیچ!! فراموش کن
حرفم را

راستی آخر کشف نکردي چرا پسرت پسته پارسال را با پسته
امسال مخلوط می‌کرد؟

نمی‌دانم اکبر آقا مثل این که رئیس اداره تعیین قیمت‌هاست.
آخر، هر صبح که از خواب بیدار می‌شود بنا به جنگ عراق و
سرمای کردستان و گرمای جنوب قیمت‌ها را افزایش می‌دهد ...
عجب شریک با نفوذی ... راستی ...

حالا بگو غریبه‌ای با مشغوقت یا آشنا بی ...
کارت خیلی سخت است. خدا قوت در این شهر شلغ با کمبود
بنزین و صف طولانی گاز با این تاکسی که هر روز یک بازی
درمی‌آورد واقعاً سخت است ... اجرش هم بیشتر است
خدا به کسب و کارت برکت بدهد. اخلاق خوشت را همه
دوست دارند



شہد
هدی مقدم



من را در کنار یک از درهای بهشت به خاک بسپارید در کنار قبر حسین خرازی

فنسیت اول



سردار گفت: روزی دکتر ولایتی خاطره‌ای عجیبی را تعریف کرد (خاطره‌ای از زمانی که ایشان وزیر امور خارجه بودند و تازه کشورمان سرافراز حماسه دفاع مقدس شده بود...) زمانی که صدام به کویت حمله کرد و آن فضاحت به بار آمد؛ روزی در جلسه‌ای که طارق عزیز هم در آن حضور داشت حاضر بودم. به او گفتم که شما با چه زمینه ذهنی به کویت حمله کردید؟ یعنی شما واقعاً انتظار... طارق عزیز در پاسخ به من نکته‌ای گفت که فراموش نشدنیست... او گفت: «اگر صدام ۲۰۰۰ نفر از این سربند بسته‌های (سربان جان برکف عاشق) خمینی را داشت کویت که سهل است! به عربستان هم حمله می‌کردیم!!!!»

سپس سکوتی طولانی کرد. بعد در حالی که نگاه خیشش را می‌دزدند گفت: « حاج احمد کاظمی به چد، یکی از فرماندهان اون ۲۰۰۰ سربازه...». کسی که هم او منتظر شهادت بود و هم شهادت در انتظارش... و سرانجام به آرزوی دیرینه‌اش رسید... اون هم چه روزی ... روز عرفه... روزی که خداوند در عرفات فرمان «بلغ» را به پیامبر داد؛ روزی که امام حسین سفر آسمانیش را آغاز کرد؛ روزی که... روز شناخته... و کسی که خودشو بشناسه خدای خودشو شناخته و هر که خداوند را شناخت عاشق او می‌شود و خداوند نیز عاشق او می‌شود و هر که خداوند عاشقش شود خداوند او را می‌کشد و هر که کشته شود دیه‌ای دارد و دیه کسی که ... و برای همینه که دوباره مروری می‌کنم بروزگی کسی که خداوند دیه او بود...



احمد کاظمی؛ متولد ۱۳۳۷؛ نجف آباد اصفهان

طبق گزارشات سواک، کاظمی از خرابکاران(انقلابیان فعال) قبل از انقلاب بود. استناد دستگیری ۱۵ روزه او بیانگر ذکارت و البته عدم برخور اطلاعات توسط او بوده است و به عبارتی یکی از مهم‌ترین علل شدت شکنجه‌اش همین بود. وقتی از زندان بیرون آمد؛ تا یک ماه از ناحیه بینی خونریزی داشت. بعد از پیروزی انقلاب، دادستان نجف آباد به احمد گفته بود «شما اسم همان پاسبانی که با چکمه زده بود توی صورت شما که به خاطر آن خونریزی شدیدی داشتید، به ما بدھید تا ما دستگیر و مجازاتش کنیم». ولی احمد ما با اینکه این پاسبان را می‌شناخت اسمش را نداد و گفت: «خود ایشان در این انقلاب تنبیه شده است...».



احمد کاظمی؛ فارغ التحصیل رشته ماشین الات کشاورزی از دبیرستان دکتر شریعتی نجف آباد؛ ۱۳۵۸

آشنازی او با گروه محمد منتظری برگ جدیدی در زندگی احمد بود. همراه گروه، ۴۵ روز در پادگان حمویه نزدیک دمشق آموزش نظامی دید... تا این که رفند لبان و احمد یکی از اعضای گردان‌های نظامی سازمان الفتح شد و البته همون جا بود که شخصیت بزرگ و برگریده جهان عرب باهش آشنا شد... کسی که بعدها به فرمانده احمد نوشت: «خبر شهادت حاج احمد کاظمی دل ما را به درد آورد و مصیبت بزرگی را در دلمان تکرار کرد. ما که از نزدیک حاج احمد کاظمی را می‌شناختیم اذعان می‌کنیم که او به حق فرماندهی نمونه و مجاهدی بزرگ و عبدي صالح و برادری وفادار برای ما بود. از خداوند متعال عاجزانه خواستاریم که حاج احمد کاظمی و شهدای همراه او را با حضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب و یاران او محشور نماید و همچنین به حضرت‌عالی و خانواده داغدیده وی صبر جمیل و اجر جزيل عطا نماید». برادر شما حسن نصرالله.



در هر حال احمد ۲۱ ساله ما نتوانست زیاد دوام بیاره و نالمید برگشت ایران؛ هیچوقت صریح راجع به این موضوع صحبت نکرد ولی بعدها معلوم شد که چریک‌های فلسطینی نه کاری با خدا و پیغمبر داشتند و نه با دین و مذهب... بیشتر آرتیست بازی می‌کردند تا مبارزه و این با افکار متعال احمد ما جور در نمی‌اومند...



احمد کاظمی؛ ۱۳۵۹؛ پاسدار سپاه کردستان

پاسدار شدن زمانی که ... چی بگم. ولی خیلی سخته. حالا اگه کسی اون زمان پاسدار می‌شد مطمئناً هر پاسداری نمی‌رفت کردستان برای مقابله با ضد انقلاب... کردستان اون زمانی که اسمش مو به تن هر آدم نترسی سیخ می‌کرد... همون جا مجرح شد... خلاصه وقتی جنگ شروع شد رفت جنوب و شد معافون غلامرضا محمدی. آبادان؛ فارسیات؛ پادگان حمید و دارخوین، کارورزی خوبی برای یک فرمانده بود...



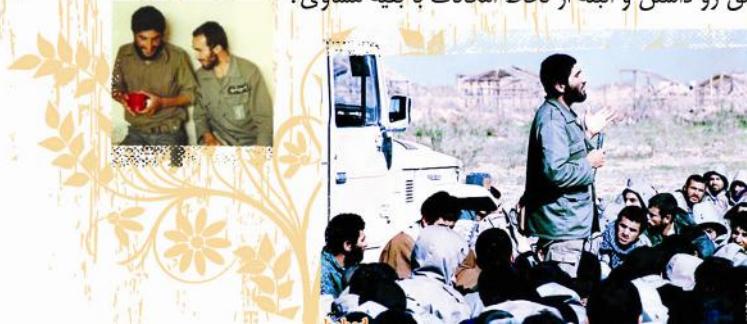
احمد کاظمی؛ فرمانده تیپ ۸ نجف اشرف؛ ۱۳۶۰

سال شصت سال تشکیل سازمان رزم سپاه بود و سال ۶۱ سال خروش ملت علیه متجاوزین... وقتی جسارت بالای احمد توی عملیات فتح المیین و نگرش جامع تاکتیکی اون برای همه روشن شد؛ نگاهها به اون خیلی جلب شد. هیچ کس نمی‌تونه دلاوری و نقش ویژه احمد رو توی فتح خرمشهر نادیده بگیره یعنی اگر احمد و حسین نبودن عملیات چنان دچار پیچیدگی می‌شد که... در هر صورت همه می‌دونن که اون زمان کشور وضع خیلی خوبی از لحاظ ادوات نظامی نداشت. ولی احمد با تجهیزاتی که از عراقی‌ها غنیمت گرفته بود تیپش رو توسعه داد و بعد از عملیات محرم دیگه احمد فرمانده لشگر ۸ نجف اشرف بود. لشگر همیشه پیروز نجف اشرف...



احمد کاظمی؛ ۱۳۶۳ ...

پیش نمی‌اومند توی سازمان رزم؛ اسم عملیاتی بیاد و سر لشگر ۸ نجف و ۱۴ امام حسین (علیه السلام) دعوا نشه! همه می‌خواستند که احمد و حسین توی محورهای اونا عملیات کن... علتش هم واضح بود؛ این دوتا یار همیشگی کمترین تلفات و بیشترین پیشروی در عمق رو داشتن و البته از لحاظ امکانات با بقیه مساوی!





احمد ستوون بسیار مهمی برای قدرتمندی لشگر شد و انجیزه‌ها و روحیاتش روی همه افراد لشگر و یگانش تاثیر می‌گذاشت. رفتار و منش انسانی احمد و حسین چنان جاذبه داشت که ناخودآگاه افراد را شیفته آنها می‌کرد. می‌دیدی حتی نوع لباس پوشیدن‌شان را رژمندگان تقلید می‌کردند. مثلاً اگر آنها لباس فرم سپاه را روی شلوارشان می‌انداختند، می‌دیدی بدون اینکه کسی چیزی بگوید، همه لشگر، لباس را روی شلوار انداخته است. یعنی برای نیروهای خودشان اسوه همه جانبه بودند بدون اینکه تبلیغی روی این مسئله بشود.

اینکه گفته شده: «**کونوا دعاه الناس بغير المستكم**» مردم را به غیرزبانان دعوت کنید. واقعاً در وجود احمد کاظمی بود.

گذشت تا این که یکی از این یاران غار آسمانی شد... حسین خرازی درست در وسط عملیات کربلای ۵ مارو تنها گذاشت... این فقدان برای او خیلی سخت بود. آخه قرار نبود که حسین تنها بره... شاید برای همین بود که به رفقا گفته بود من می‌دونم که یکی از درهای بهشت از کنار قبر حسین خرازی باز می‌شه... و به پسرهاش سفارش کرده بود که اگه یه روز رفتم منو کنار حسین به خاک بسپارید... و شاید برای همین بود که در سالروز عملیات کربلای ۵ خودش هم آسمانی شد...



احمد کاظمی، فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهداء ۱۳۷۴

حاج احمد کاظمی که در سال ۱۳۷۱ فرمانده سپاه شمال غرب کشور شده بود؛ سال ۷۴ کاری کرد کارستان.

زمانی بود که آمریکا به عراق آمده بود و ضد انقلاب و کردی معارض در شمال عراق مستقر شده بودند و تشکیلاتی برای خودش درست کرده بودند؛ تاستان و پاییز وارد کشور می‌شدند، اذیت می‌کردند، پول زور از مردم می‌گرفتند و هر کاری دلشون می‌خواست انجام می‌دادن. حاج احمد بعد از بررسی همه گزینه‌ها گفت که تنها راه حل، ورود به خاک عراق است.

وقتی موافقت شورای عالی امنیت ملی و مقام معظم رهبری رو گرفت بلاfacله با ۶۰۰ کامیون و ۵۰ قبضه توب وارد عراق شد و منطقه آنها را که در ۱۰۰ کیلومتری مرز عراق بود محاصره کرد و با تمام تجهیزات رفت بالای سر آنها، از آنها تعهد کتبی گرفت تا سلاح را کنار بگذارند و فقط کار سیاسی انجام دهند.

اونا هم وقتی دیدن که قضیه به این اندازه جدیه موافقت نامه رو امضا کردن و تاحالا هم به تعهد خودشون عمل کرده‌اند. نکته جالب دیگر در هنگام برگشت این ستوون بود که انواع هوایی‌های F۱۶ آمریکایی از سر ستوون تجهیزات رد می‌شد و مانور می‌داد و دنبال بهانه می‌گشتند تا به طور کامل تجهیزات ما را از بین ببرند... اما درایت احمد توانته بود ستوون را با مهارت فوق العاده و بدون هیچ عکس العملی نسبت به مانور هوایی‌های آمریکایی وارد ایران نماید.

نمی‌دونید بازتاب این عملیات درخشنان توی رسانه‌های خارجی به ویژه امریکایی چه وجهه ممتازی از احمد ترسیم کردد...

احمد کاظمی؛ فرمانده نیروی هوایی سپاه؛ ۱۳۷۹

تحول عمیقی که احمد توی نیروی هوایی به وجود آورد غیر قابل تصور بود... همه می‌دونستن که احمد دقیق‌ترین و منظم‌ترین کسی است که همه نیروهای علاوه بر عشق عمیقی که بهش دارن باید طبق وظیفه، تمام عملکرد خودشونو به نحو احسن انجام بدن...

و اما مهم‌ترین عملیات ایران پس از جنگ تحمیلی توی همین زمان انجام شد.

منافقاً امنیت کشور رو مختل کرده بودن... ترور شهید لاجوردی؛ ترور ناجوانمردانه صیاد شیرازی؛ شلیک خمپاره به مناطق مسکونی حتی در تهران...

این وضعیت غیر قابل قبول بود... تاییدیه شورای عالی امنیت ملی گرفته شد و ...

روز ارتش در سال ۱۳۸۰ تمام هفت پایگاه منافقین در عراق توسط شلیک ۸۴ موشک با خاک یکسان شد... به گفته مسولان بعد از این عملیات چنان امنیتی در مراتعهای غربی برقرار شد که بی‌سابقه بود و در مناطق مسکونی دیگه شاهد شلیک حتی یک تیر از کلت منافقین نبودیم...

بعداً شنیدیم که یکی از سرداران بزرگ گفت که شاید جاماندن کسی مثل احمد از آن ۸ سال حمامه‌ای که همیشه افسوس آن را می‌خورد؛ این بوده است که بار دیگر اقتدار نظامی جمهوری اسلامی ایران را به دشمنان نشان دهد و هیمنه پوج آن‌ها را با پاسخی جانانه در هم کوبد...

ادامه دارد



ویروس

استخوانهای اعتقاد

زنده
شناختن

اسمش را زیاد شنیدهاید به عنوان بیماری خاموش نام گرفته که در اثر کاهش تراکم استخوان، فرد بیمار بدون آن که حتی از قبل آگاهی یافته باشد با یک زمین خورده‌گی دچار آسیب‌های جدی و یا حتی مرگ می‌شود. شاید پوکی استخوان مسری نباشد اما بیماری استخوانی که ما از آن نام می‌بریم از اسکلت اعتقادی فردی به دیگران هم سرایت می‌کند حالا اگر شما خواستید اسمش را جوگیر شدن بگذارید.

جالب آن است که مانند همان پوکی استخوان مشهور و معروف، در این بیماری مورد نظر ما هم، فرد مبتلا هرگز متوجه ضعف و سستی قدم‌های معرفتی خود نیست و لذا با تمام قوا، در این راه قدم بر می‌دارد و آسیب‌های جدی هم با شدت هرچه تمام‌تر وارد می‌شود. ابعاد و جنبه‌های مختلفی در این کاهش تراکم یا بی‌محتوی شدن استخوان معرفتی وجود دارد، به عنوان نمونه در مورد حزن اهل بیت و عزاداری و سوگواری؛ چون فکر می‌کند جلوی پای او بسیار محکم است به عنوان دفاع از سنت‌های مذهبی، آئین‌های سوگواری با قدرت هر چه تمام‌تر خود را می‌زند و خونی می‌کند و اشعار خاص و حرکت و هروله و ... و خلاصه چنان شیوه و واله می‌شود که حتی اگر به او بگویند این شیوه تو را از روح و مغز نهضت ائمه دور می‌کند و به سطحی گرایی می‌کشاند و فلان کارت، در واقع باعث رفتن آبروی مکتب اهل بیت یا به هدر رفتن خون عده‌ای از مؤمنان در دنیا می‌شود باز هم سرمست و با قاطعیت تمام به انتخار و اقدام شجاعانه روی می‌آورد و هر کس در برابر او باشد را بی‌اعتقاد و بی‌فکر و ترسو و سازشکار و ... می‌خواند و این جاست که استخوان‌های او خرد می‌شود و به تبع آن، متأسفانه دیگران را هم که بیمار نیستند به نامنی و نابودی می‌کشاند.

گاهی اوقات هم بروز بیماری در شادی‌ها و جشن‌ها است و صدای خرد شدن دست و پای بیماران در اینجا کمتر از حالت قبل نیست که شاید به مراتب بالاتر هم باشد. هیاهوی به اصطلاح ولایت زدگی! چنان او را از پرداختن به مغز استخوان حقایق باز می‌دارد که تمام شادی و شاد کردن را به کشیدن و عرضه کردن اشکال و کلمات و حرکاتی می‌داند که مسلماً خود ولی خدا از آن‌ها برایت جسته و از این لنوها اعراض کرده است^۱ و

نیاثین

رسانه‌های مختلف شنیداری و دیداری و مکتوب قابل اعتماد، میزان تراکم استخوان‌های اعتقادی خود را بسنجند و آن‌ها که هنوز در طول عمر خود این کار را نکرده‌اند، امروز انجام بدنهن و خود و افکار خود را بسنجند که فردا دیر است. به جای اعتماد به قدم‌های محکمی که بر می‌دارید به استحکام و قدرت شکنندگی زمین پشمیانی بیندیشید.

البته این را هم باید گفت که مبتلایان به این ویروس کذایی انواع مختلف هستند، گروهی که اصلاً تقید درست و حسابی به دین و عبادات و ... ندارند و شاید بدون آن که بدانند برایشان از جایی، پولی می‌رسد و آن مال‌های بی خاصیت فکر بی خاصیت درست می‌کند و مغزشان را شستشو می‌دهد چه برسد به مغز استخوانشان! تعداد انگشت‌شماری هم که اصلاً پول می‌گیرند و فیلم می‌سازند و خلاصه می‌سوزند و می‌سوزانند ولایت حقیقی را! دسته دیگری که شاید اکثریت بیماران را تشکیل دهند بر خلاف گروه اول واقعاً اهل عبادت و اطاعت هستند و نمی‌خواهند آن انحرافات و خرافات را به نام مذهب، وسیله جنگ و لجبازی با شیعه، اسلام و علمای دلسوز قرار بدنهن، و شاید انسان‌های بسیار خوب هستند و به قول معروف دارای حسن فاعلی هستند اما خب چه می‌شود که ویروس، بدرجور مسری است و به پسر نوح هم رحم نمی‌کند، اما هر کس و از هر گروه که باشند باید بدانند که خواسته و ناخواسته با ولایت در افتاده‌اند! بله! باور کنند که می‌شود با قرآن هم به جنگ قرآن ناطق رفت!!!

پی نوشت

۱. و الذين هم عن اللغو معرضون.
۲. يومئذ يفرج المؤمنون (سوره دوم) آیه.
۳. اشاره به روایاتی چون ائمہ الصلاة (از امام حسین علیه السلام، الصلاة معراج المؤمن، مومن دو شادی دارد یکی در وقت افطار ...).

اگر لب باز کنی با پتک واهی رفع قلم بر سر تو می‌کوبد که هان به گوش باش، که نمی‌دانی و مذاق شریعت را نچشیده‌ای و تو اگر داد سخن بدھی که همان معمومین برای حفظ اصل اسلام و حتی حفظ همان ولایت‌ها به همراهی و همنگی - ولو در ظاهر - پرداختند و شاید هزاران سال غایب شدند تا مردم خود بدانند که آن‌چه خواهند و به دردشان می‌خورد دادنی است و خدادادی نه انتخاب کردن! او باز هم زیر بار نمی‌رود و می‌خواهد امر ولایت را باز در تمسخر و تحقیر و هر چه از این دست است به دیگران بقبولاند و درد آن است که اگر بگویی اولویت‌ها را بشناس، اهداف بلند بعثت پیامبر و ربیع و ولایت و امامت و غیبت را بدان، آن‌چه البته به جای نرسد و در گوش نزود، فریاد گفتار توست و جز آن که به غرب زدگی و شرق زدگی و فرقه زدگی متهم شوی چیزی در دست تو نمی‌ماند. تو شاید منبری هم برایش بروی و بگویی که شادی و طراوت اصل در زندگی اهل بیت و دوران ظهور است اما جلوه و مظہر اصلی شادی، در تامین نیازهای مردم، رساندن آن‌ها به کرامت واقعی در زندگی مادی و معنوی و رهایی از بندھای کج فکری و خرافات و انحرافات و ... است و دیدن یاری و نصرت الهی و تحقق وعده‌های الهی است که مومنان را شاد می‌کند.^۲ و هر چند از شادی‌های ظاهری بهره‌مند بودند، اما انس و دلدادگی آن‌ها به عبادات فردی و اجتماعی، عامل اصلی طراوت و عشق^۳ و شادی آن‌ها بوده است، با تمام این‌ها که می‌گویی. هنوز از منبر پایین نیامده متوجه شوی که پنجه‌ها هنوز در گوش است و حاضر نیست حتی به اندازه آن بندھ خدایی که در جاهلیت پنجه را در آورد تا صدای حق را از کنار خانه خدا بشنود، او هم به حقایق تن دهد.

و تأسف آن جاست که با وجود هشدارهای فراوان متخصصان دلسوز بهداشت ایمانی جامعه، هنوز درصد زیادی از مبتلایان به این ویروس، با همین وضعیت خط‌ترناک خود، سال به سال از فعالیت خود کم نکرده بلکه با شدت بیشتر ادامه می‌دهند تا آن که خود و دیگران را خرد کنند. هشدار دلسوزان بهداشت فکری - ایمانی آن است که خود را سالمتر از امثال حضرت عبدالعظیم حسنی ندانند و حداقل همان سالی دوبار (محرم - ربیع الاول) با مراجعه به منابع معتبر و

جاده کمار

راز نوروز



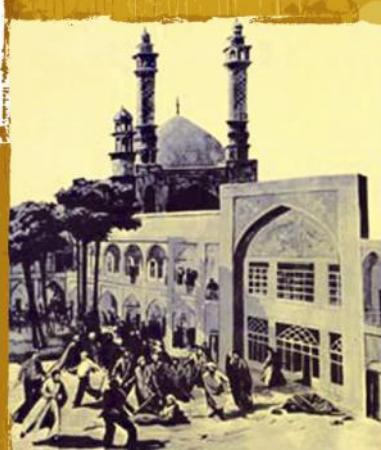
زنگنه
۱۸

نوروز

نوروز عیدی باستانی است. قبل از اسلام در فرهنگ ایرانیان به وجود آمد و پس از ورود اسلام به ایران نیز گرامی داشته شد.
سنت موکد صله رحم در این ایام و دید و بازدید از نشانه‌های تأثیرپذیری نوروز از فرهنگ اسلامی است.

۲ فروردین ۱۳۴۲ حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه

اموران رژیم شاهنشاهی در یک اقدامی غیرمنتظره به مدرسه فیضیه - که مهد علم و ادب اسلامی بود - یورش بردن و در این روز که مصادف با سالروز شهادت امام صادق علیه السلام بود عده زیادی را شهید و مجرح کردند. این قضیه در تاریخ انقلاب اسلامی نقطه عطفی به حساب می‌آید چرا که نخستین درگیری فیزیکی شاه با روحانیت قلمداد می‌شود. از این رو روحانیت با همراه مردم، حرکت خود را بر علیه رژیم شروع کردند.



امام: از امروز

کیهان

نایاب از ای
دلواریم
دینیان
وسته سایه

رژیم ایران جمهوری اسلامی شد



امام خمینی:
۱۲ فروردین
روز بخوبی
حکومت اسلامی

۱۲ فروردین ۱۳۵۸ روز جمهوری اسلامی

روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ روز ظهور شخصیت واقعی مردم ایران و روز تثبیت انقلاب اسلامی است. در این روز پربرکت ساختار جدید سیاسی - اجتماعی ایران بر مبنای آرای اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران یعنی $\frac{۹۸}{۲}\%$ برقرار گردید و نظام مقدس جمهوری اسلامی با اراده الهی و خواست مردم تثبیت شد. خداوند در قرآن درباره تغییر وضعیت جامعه از لحاظ دینی می‌فرماید: «**الله لا يُغَيِّرُ مَا يَقُولُ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا يَأْنفُسُهُمْ**»^۱. خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن‌چه را در خودشان است تغییر دهند.

چو هم پشت باشید و هم یکزان یکی کوه کندن ز بن می‌توان

۲۰ فروردین ۱۳۵۹ قطع رابطه سیاسی ایران و آمریكا

رابطه سیاسی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران پس از فراز و نشیب‌های بسیار در روابط دو کشور و بعد از گذشت سال‌ها با سقوط محمد رضا پهلوی در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ قطع شد و در واقع ارتباط استعماری آمریکا با ایران به پایان رسید.

امام خمینی رهبر در این‌باره فرمودند: «شرفتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا، دولت آمریکا یک شرافت انسانی مع الاسف الان ندارد که ما بخواهیم به واسطه آن شرافت انسانی اش با آن رابطه داشته باشیم». ^۲



۲۹ فروردین ۱۳۵۸ و ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ روز ارتش و روز سپاه

هم‌زمان با نزدیک شدن پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش رژیم شاهنشاهی نیز با پیوستن به مردم در براندازی نهایی رژیم طاغوت سهیم شد. فرار نظامیان از پادگان‌ها، خودداری از مقابله با مردم. سریچی از دستورات فرماندهان طاغوت، رژه پرسنل نیروی هوایی در محضر امام، شرکت در ختنی کردن کودتای ۲۱ بهمن و پیوستن کامل به صفوف ملت در ۲۲ بهمن ۵۷ از نتایج ارزنده برخورد حکیمانه حضرت امام با نیروهای ارتش بود و این عنایت، با نامگذاری روز ۲۹ فروردین در سال ۱۳۵۸ به نام ارتش جمهوری اسلامی توسط بنیانگذار نظام شکوهمند انقلاب اسلامی کامل شد.

همچنین حضرت امام خمینی رهبر در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ به فاصله چهار روز طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی رسمآ تأسیس نهاد مقدس (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) را اعلام کرد. شورای انقلاب نیز با تأسیس شورای فرماندهی سپاه، گامی اساسی را در جهت سازماندهی این نهاد نویا برداشت. سپاه در آغاز تأسیس صرفاً یکی نیروی شهری به حساب می‌آمد اما حضور در صحنه‌های گوناگون انقلاب به خصوص جنگ تحملی موجب شد تا حضرت امام در ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ طی فرمانی تشکیل نیروهای سه گانه زمینی، هوایی و دریایی سپاه را ابلاغ نماید. روز ارتش و روز سپاه بر غیور مردان نظامی مبارک باد.





۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در

طبع

آمریکائی‌ها پس از پیگیری‌های فراوان دیپلماتیک برای آزادی گروگان‌های خود - که در دست دانشجویان پیرو خط امام بودند - تصمیم به حمله نظامی گرفتند. این برنامه - که با محاسبات فراوان تهیه شده بود - مورد اطمینان آمریکایی‌ها بود. در ابتدای عملیات دو بالگرد در طول مسیر دچار نقص شدند و یکی دیگر از آن‌ها در حال سوختگیری در صحراي طبس دچار نقص فنی شد. این مسائل باعث لغو عملیات گردید. هنگام برگشت آمریکائی‌ها، طوفان شن - علی‌رغم پیش‌بینی‌ها - شروع به وزیدن گرفت و باعث تصادف یکی از بالگردها با هواپیما شد. در این حادثه ۸ نفر از آمریکایی‌ها در آتش سوختند. این عملیات نافرجام - که بعنوان لکه ننگ بزرگی بر دامن آمریکا در تاریخ ثبت شد - بر عظمت و شوکت انقلاب اسلامی افزود و یادآور نابودی سپاه فیل توسط پرنده‌گانی آسمانی معروف به ابابیل شد.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ (شهادت آیت الله مطهری)

فیلسوف و متفکر دانشمند، آیت الله استاد مرتضی مطهری از یاران حضرت امام خمینی علیه السلام در دوران مبارزه با رژیم پهلوی و از مسؤولان بلندپایه نظام جمهوری اسلامی بود که بعد از عمری مجاہدت در راه خدا و تلاش خستگی ناپذیر در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و مذهبی در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به دست کورده‌لان گروه فرقان به شهادت رسید و پس از تشییع باشکوه در تهران و انتقال به قم در جوار بارگاه مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. این روز به مناسبت مقام بلند آن معلم بزرگ و به پاس قدردانی از معلمان در سراسر کشور، روز معلم نامیده شده است. روز معلم بر معلمان سخت‌کوش و زحمت‌کش مبارکباد.



مناسبت‌های قمری

۸ ربیع‌الثانی ۲۳۲ هق ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

یازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت در روز هشتم یا دهم ماه ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ هق در شهر مدینه متولد شدند و پس از ۲۸ سال زندگی پر خیر و برکت در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ه. ق به شهادت رسیدند. نام مادر گرامیشان سوسن و به نقلی سلیل است که از زنان عارفه و صالحه زمان خود بودند.

از سیره امام یازدهم است که: بُرِيْ مِنْ عَيْبٍ، أَمِينٌ عَلَى الْغَيْبِ،
كَثِيرُ الْحَبَاءِ، كَرِيمُ الْوَفَاءِ.

امام حسن عسکری علیه السلام از هر گونه عیب به دور و به غیبت امین، بسیار بخشنده و نیکو وفا کننده بودند، باشد که این سیره در زندگی همه منتظران واقعی فرزند گرامیش تجلی پیدا کند.



بی‌نوشت

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. صحفه نور، ج ۱۱، ص ۳۵

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۲۳

وظایف و بایستهای

زنان

۵

حرص و لع و طمع است و یک منتظر می‌بایست در این صراط قرار بگیرد تا زمینه ظهور حکومت مستضعفان بر مستکران فراهم آید. منتظران حکومت عدل الهی در زندگی عملی خود می‌بایست، ساده‌زیستی را به نمایش بگذارند تا هم درد و رنج محرومان را درک کنند و به فکر رفع گرفتاری و محرومیت‌های آنان باشند و هم بتوانند به عنوان یک کارگزار مصلح در جامعه‌ای اسلامی مورد خطاب کلام امام علیؑ قرار گیرند.

امام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «إِنَّهُمْ ... أَقْلَىٰ فِي الْمَطَاعِمِ إِشْرَاقاً»؛ آن‌ها (کارگزاران مصلح) از نظر روش اجتماعی، دارای کمترین طمع هستند.^۴

امام خمینی^{ره} (خطاب به نمایندگان مجلس سوم) می‌فرماید: «آن‌ها که اسیر هواهای نفسانی و حیوانی بوده و هستند، برای حفظ یا رسیدن به آن، تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور و قدرت‌های شیطانی، خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف، ستمکار و زورگو هستند؛ ولی وارستگان به خلاف آنانند».^۵

منتظر واقعی کسی است که دنبال راحت‌طلبی نباشد مانند مرحوم مدرس^{ره} وقتی خانه‌ای ۳۰ و ۳۵ ریالی برایش گرفتند خانه ۳۰ ریالی ندیده را گرفت. وقتی گفتند «خانه ۳۵ ریالی راحت‌تر است چرا آن را نمی‌گیری؟» فرمود: «چیزی که استقلال، عقیده و اراده را مورد تهدید قرار می‌دهد «نیاز» است. من نمی‌خواهم به کسی احتیاج پیدا کنم، من به اندازه دارایی خود در حد توان خویش باید اتاق اجاره کنم، می‌خواهم محتاج مردم نباشم، احتیاج به پول،

در شماره گذشته، وفاداری به اسلام، التزام و اعتماد به ولایت که از جمله صلاحیت‌ها، وظایف و بایسته‌های یک منتظر است، مطرح شد و در این قسمت برخی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳. ساده زیستی

گرفتار جاذبه‌های دنیایی و تجملات زندگی مادی شدن از آفات اصلی‌ای است که هر کارگزار و کارفرما و هر مدیر و غیر مدیر را تهديد می‌کند تا جایی که در مقابل دعوت پسر پیامبر^{علیه السلام} به راحتی جواب رد می‌دهند و شانه از هر مسؤولیتی خالی می‌کنند. ما در تاریخ شاهد نامه‌های کثیری از طرف مردم کوفه به امام حسین^{علیه السلام} هستیم ولی به خاطر علاقه به زخارف دنیا و تعلقات قلبی به مال و مثال و جاه و مقام از شرکت در جهاد در رکاب امام حسین^{علیه السلام} شانه خالی می‌کنند.

کسی که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده چگونه می‌تواند شتر افسار گسیخته خود را به منزلگاه قناعت و ساده زیست مهار کند، قلبی که به منال و جاه و مقام دنیا تعلق پیدا کرد چگونه می‌تواند درد و رنج محرومان را درک کند و به فکر رفع محرومیت‌های آنان باشد، چگونه می‌تواند زمینه‌سازی کند برای ظهور حکومت مستضعفان که در قرآن به آن بشارت داده شده است. مستضعفانند که درد و رنج مستضعفان و محرومان را می‌دانند نه مستکران. در دنیای امروز چگونه می‌توان بر هواهای نفسانی و حیوانی غلبه کرد، غیر از این که ساده زیستی دوای درد این همه

یک منتظر (بار و بکد حاشه‌رای)

مراد امیدی میرزا^ی/روح الله امیری*

نوکری می‌آورد. من می‌خواهم زیانم برای بیان حقایق و دفاع از مردم محروم و مظلوم، آزاد باشد.^۶

شهید مدرس نمونه واقعی یک منتظر مصلح است که به عنوان سمبول و افتخار تاریخ ما برگزیده شده برای نسل‌های آینده و منتظران آینده؛ چرا که او مصدق این سخن امام علی^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} است که فرمود «لا یکون الرجل سید قومه حتی لایبالی ای ثوبیه لبس». «آدمی آقا و سید اجتماع خود نمی‌باشد، مگر این که (زندگی ساده‌ای داشته باشد تا آن جا که) برایش فرق نکند، (در برابر لباس اشرف و فخر فروشان) چه لباسی پوشد».^۷

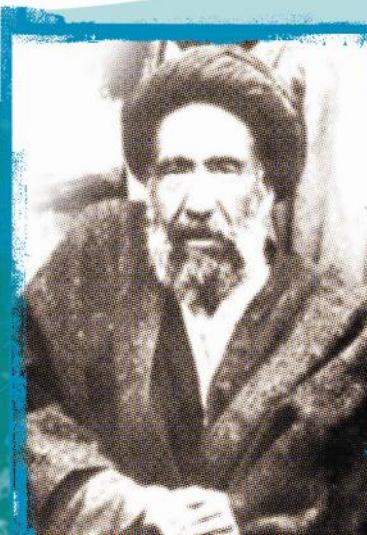
کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیا است و فقط برای نام و نشان و استفاده‌های شخصی، تلاش می‌کند، او لایق نیست در رکاب امام حسین^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} و امام زمان^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} باشد یا جزء زمینه‌سازان ظهور باشد.

۴. تعهد

تعهد به معنای پافشاری بر اصول و آرمان‌های اسلامی و پای‌بندی به آن‌هاست. لازمه تعهد عملی، پاسداری از ارزش‌های اسلام و دین مبین اسلام است و باعث پیاده شدن اسلام حقیقی است. بنابراین اشخاصی که تعهد هستند در صراط مستقیم انسانیت هستند نمونه بی‌تعهدی یاران امام علی^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} در جنگ صفين در صفحات ماندگار تاریخ نقش بسته و نمونه عمل به تعهد ۷۲ یار امام حسین^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} در شب عاشورا را هم تاریخ ناقل آن‌ها است. وقتی امام فرمود: «من بیعت خود را از گردن همه برداشتم از تاریکی شب استفاده کنید و بروید». گریه و زاری آن‌ها بلند شد. به عنوان نمونه مسلم بن عوسرجه^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} بعد از بیانی طولانی می‌فرماید:

۵. تخصص و تجربه

تخصص و تجربه چیزهایی است که در طول تاریخ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است حتی در میدان جنگ و برای مقابله با دشمن از این‌ها استفاده شده و می‌توان گفت جنگ و جهاد هم بدون این‌ها دچار تزلزل و شکست می‌شود. به طوری که در تاریخ می‌خوانیم حضرت رسول^{علی‌الله‌آل‌هی‌عاصی} برای جلوگیری از ویرانی مدینه نظر



در همین باره امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس»؛ کسی که آگاه به زمان خود باشد، مشتبهات بر او حملهور نخواهد شد.^{۱۲} آیا غیر از این است که کارگزاران امام زمان علیهم السلام در عصر حکومت باید این خصوصیات را داشته باشند تا آقا امام زمان، آن‌ها را برگزیند و به آن‌ها مسؤولیت دهد؟ آیا غیر از این است که منتظران حکومت منجی بشریت، باید خود را به این صفات آراسته کنند و روز به روز در این زمینه سعی و تلاش و برنامه‌ریزی کنند؟ آیا غیر از این است که در کنار تخصص در محیط‌های آموزشی و پژوهشی باید اخلاق و تعهد را هم رشد داد و زمینه را برای پدیدار شدن منتظران و حتی جامعه منتظر همراه با تخصص و تعهد فراهم کرد؟

ادامه دارد

پی‌نوشت

- *. مواد امیدی میرزاei (دانش‌پژوه مرکز تخصصی مهدویت) - روح الله امیری (دستیار علمی دانشگاه پیام نور شهرستان)
- .۱. در کربلا چه گذشت، شیخ عباس قمی، ص ۲۶۰.
- .۲. همان، ص ۲۶۱.
- .۳. همان، ص ۲۴۸.
- .۴. نهج البالغه، تامه ۵۳.
- .۵. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱.
- .۶. داستان‌های مدرس، ص ۶۵.
- .۷. تشرح نهج‌البالغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۲۷۲.
- .۸. قصص، ۶۶.
- .۹. یوسف، ۵۵.

سلمان فارسی را برگزید و اطراف شهر را خندق زد و در کربلا هم امام حسین علیه السلام با مشورت و کمک یاران اطراف خیمه‌هارا خندق و پراز خاروخا شاک کرد برای جلوگیری از دشمن. در داستان موسی و دختران شعیب علیهم السلام به ارزش تعهد و تخصص اشاره شده است: «يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجِرْتُ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^{۱۳} ای پدر او را به خدمت اجیر کن که بهترین کارگزار و خدمت‌گزار (انسان) توانمند و امین است.

حضرت یوسف علیهم السلام هنگامی که به مقام وزارت اقتصاد مصر رسید، در بیان جایگاه خود فرمود: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظُ عَلِيِّمٍ»؛^{۱۴} مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی امین و دانا هستم. همچنین یکی از حاضران در پاسخ سلیمان علیهم السلام فرمود: «أَنَا أَتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوْيٌ أَمِينٌ»؛^{۱۵} من آن را قبل از آن که از مکانت به پا خیزی، برایت مهیا می‌سازم همانا من بر این کار، توانا و امین هستم.

هرماهی دو واژه «قوی» و «امین» در این آیات این نکته را می‌رساند که تخصص به تنها یکی نیست، بلکه امانت و تعهد نیز از شروط یک کارگزار مصلح است. بنابراین قرآن کریم، هرماهی تخصص و تعهد و تجربه را در کوچکترین کارها تا حساس‌ترین کارها را لازم می‌داند. با توجه به همین است که امام علی علیهم السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «أَنْظِرْ فِي امْرِ عَمَالَكَ... وَتَوَخُّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِيْبَ وَالْحَيَاةِ»؛^{۱۶} در کارهای کارگزارانت اندیشه کن... و افراد با تجربه و باحیا را از میان آنان برگزین.

هرچه باشد شکر است و همه جا زیبایی است
در پس پرده شبها، رخ مه سیمایی است
که به هر گوشه چشم زغمت دریایی است
غنجه ها باز شکته؛ سحری رویایی است
گو؛ بخوانید که پایان شب تنهایی است
صدیقه کبیری

گفته بودم چو بیایی دل من شیدایی است
بی نگاه تو جهان سرد و خموش است ولی
دیده ام در طلبت ای مه مهتر گم شد
صحبت از ناز کمند تو به هر گل کردم
بلبان را به تماشای گلم برخوانید



این دل در انتظار فرج پیر شد بیا
گفتا دلم که خواب تو تعییر شد بیا
آیات غربتمن همه تفسیر شد بیا
عشقم اسیر قسمت و تقدير شد بیا
قلبم به احترام تو تطهیر شد بیا
عکست میان آینه تصویر شد بیا
نرکس هم از فراق تو دلگیر شد بیا
ساقی زندگی به خدا سیر شد بیا
سمیه صفائی مزید

سالار وقت آمدنت دیر شد بیا
دیدم به خواب آمدی از جاده های دور
این جمعه هم گذشت و لیکن نیامدی
افسرده ام بدون تو، باور نمی کنی
گفتی که پاک کن دلت از هر چه غیر ماست
هر شب به یاد خال لبت گریه می کنم
در دفترم به یاد تو نرگس کشیده ام
جانم فدای خال لبت نازنین نگار

بهار موعود

بالا گرفته کار جنون در من، حال و هوای عقل مه آلود است
این جا هوا گرفته و دم کرده است، حتی دریچه ها – همه – مسدود است
خشوش نیست حال و روز زمین اصلاً، بوی درنگ حاده می آید
در آسمان غبار پراکنده است، روی زمین زمینه ای از دود است
آوار خستگی است که می بارد، از شانه های این شب سنتگین دل
انگار روزگار هبوط شب، در عصر حاکمیت نمروд است
بوی فریب و فتنه فraigیر است، حتی هوای شهر نفسگیر است
یادم نرفته حرف پدر را گفت: تا روزگار بوده همین بوده است
دیری است رنگ و بوی صداقت نیست، چیزی به نام عشق و ارادت نیست
دل ها تباہ حیله و نیرنگ است، افسوس! عشق، واژه مطرود است
من خواب دیده ام که نمی ماند، این روزگار وحشت و دلتگی
فردا ظهور عشق و وفاداری، فردا بهار حضرت موعود است

مجتبی تونه‌ای



بیا که با غم عشقت، غم دگر نگذاری
تو سرو ناز چمانی، گل همیشه بهاری
به گلزار خزانم، گل سپیده برآری
اگر به خلوت عشقت، قدم به رنجه گذاری
تو در لبا به نگاهی، دلم زدیده درآری
ز دام شیطنت ما، گریز و چاره نداری
من آفتاب لب بام، تو صبح خوب بهاری

ابوالفضل فیروزی (نینوا)



گل همیشه بهار

من انتهای خزانم، تو ابتدای بهاری
منم درخت شکسته، کنار جاده غربت
نسیم موی تو افتند، اگر به چهره زردم
تمام هستی خود را، به خاک پای تو ریزم
دل رمیدهی ما را، دلی دگر نرباید
اگر چه آهوی چشمت، نشد شکار نگاهی
تو در اوایل راهی، منم در آخر این خط

(ویدا امانی)

چندیست کوتران انتظار، شهپر طاقشان زخم خورده
فراقیست که دخیل التیامش شفاخانه‌ای می‌طلبد همزاد روح و ریحان
نگاهی می‌خواهد هم شان چشم پیامبران، و بهانه‌ای می‌جوید همچون سحرگاه نیمه شعبان
تا سوار بر مرکب سجاده‌ای از نور و بلور، سرمست جام ظهور از خم قرآن و زبور،
هم صدا با دلهای منتظران صبور سرود فرج بخواند.

(ترگیس امان وند ناصح)

یا مهدی ای قرار دلها و تپش قلبها بیا که دگر هیچ عاشقی طاقت دوریت را ندارد
آمدنت چاره‌ای است برای بیچارگان و دوابی است برای دردمدان
بیا ای تک گل عشق تا چشمان گنه کار ما را به روی زیبایت منور گردانی.

(اسفانه واحدی)

کنار پلک ثانیه در امتداد بودنم، به انتظار جزر و مد ماهتاب روشنم
دوباره غرق می‌شوم درون چشم‌های تو، اگر شبی به باور شکستنم
تو از تبار بودنی به مرز جستجوی من، من از تبار نیستی در این غروب رفتمن
مرا اسیر خود مکن که در طلوع دیدنست، زیشت بهت قاصدک به سمت پر کشیدن

(زهرا رفسنجانی)

من اگر مشتی گناه و شقاوتم، دلم را چه می‌کنی؟ با چشم‌هایم که یک دریا گریسته است چه می‌کنی؟
با سینه‌ام که شرحه شرحه از فراق است چه خواهی کرد؟

از ندبهای من که در هر صبح غیبت از اسمان دلتگی‌هایم فرود آمده‌اند چگونه خواهی گذشت؟

می‌دانم که تو نیز با اگریه عقد برادری بسته‌ای و حرمت آن را نیکو و پاس می‌داری، می‌دانم که تو زبان ندبه را بیشتر از هر زبان دیگری دوست
می‌داری می‌دانم که تو جمعه‌ها را خوب می‌شناسی و هر عصر آدینه، خود در گوشه‌ای اشک می‌ریزی، می‌دانم که می‌آیی ...
پس باز هم برای آمدنت دعا می‌کنم.

(خدیجه استادی قاضیانی)

نمی‌دانم چگونه سخن آغاز کنم از کجا کلمات مناسب را بیابم، ای وارث حسین مهدی جان، ای خورشید پشت ابر، سلام سلامی پر از عطر عاشقی
ثار روی ماهت کی می‌آیی تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها برای قدوم مبارکت آذین بسته‌اند ای دادگستر، جهان در انتظار توست، مهریانا جانم فدایت کی
صدای آمدنت در جهان طنین انداز خواهد شد.

(اشرف حافظیان)

باشد... باشد...: به میهمانی دل‌ها نیامدی؟!

گفتم برای آمدنت گل بیاورن، گل بود و عشق بود، ولی نیامدی!

می‌سوختیم در تب پروانگی خویش، وقتی که از حوالی بالا نیامدی

هی شعر می‌شدیم ولی شعرهای زرد، خشکیده، بی رمق، پر اما... نیامدی

یکبار دگر با دل پرسور من بگو، آقا! بگو که آمدہ‌ای یا نیامدی؟

خورشید، ماه، حضرت دریا، نه... آمدی

اخبار امانت

سید محمد مهدی موسوی

رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته):

هدف واقعی و نهایی اسرائیل و امریکا از این جنایات فجیع (غزه)، نابود کردن اصل مقاومت و تسلط بر منطقه بسیار مهم خاورمیانه است، اما به فضل الهی و در پرتو «عزم قاطعانه و دفاع جانانه رزمندگان فلسطینی» و «بیداری و حضور ملتها در صحنه»، این حوادث در نهایت، به طور قطع به پیروزی حق بر باطل خواهد انجامید.
باطن و هدف اصلی دستگاه استکبار از جنایات اسرائیل در غزه، نابودی کامل عنصر مقاومت در منطقه و سلطه بر خاورمیانه «لبریز از ثروت و منافع گوناگون» است که ملتها و دولتهای مسلمان باید این هدف پنهان را درک کنند و در مقابل آن، عکس العمل مناسب نشان دهند.

(دیدار با مردم قم، سالروز ۱۹ دی)



حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): جمال حق و باطل تا ظهور ولی عصر خواهد بود

جنایت‌های وحشیانه‌ای که از صهیونیست‌ها در غزه انجام می‌شود در تاریخ کم اتفاق افتاده است؛ عناوینی مانند حقوق بشر و سازمان ملل برای فریب بشریت است و می‌خواهند با یدک کشیدن این عناوین بر دنیا مسلط شوند.

ما باید از فدایکاری‌های سیدالشهدا علیهم السلام و اصحابش الهام بگیریم.
قیام امام حسین علیه السلام تجدید حیات دوباره اسلام بود و حق و باطل همیشه در تاریخ بوده و جمال این دو تا ظهور حضرت ولی عصر خواهد بود.

باید نعمت ولایت سیدالشهدا علیهم السلام و عزاداری‌ها را معتبر بشماریم و آنچه رضای حضرت ولی عصر خواهد بود است را انجام دهیم.

(دیدار با جمعی از جانبازان دوران دفاع مقدس و مدیران سپاه)

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): خرید و فروش مصنوعات کارخانه‌های متعلق به صهیونیست‌ها حرام است

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به استفتای خرید و فروش مصنوعات متعلق به صهیونیست‌ها را حرام اعلام کردند.

به گزارش رسا، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقليد در پاسخ به استفتای، خرید و فروش مصنوعات متعلق به صهیونیست‌ها را حرام دانستند.

براساس این گزارش، متن استفتاء بدین شرح است:

محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی
سلام علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام و با تقدیم احترام، خواهشمند است نظرتان را راجع به خرید و فروش و استفاده و نگهداری و اهداء عروسک‌های باری و سایر لوازمی که تصاویر عروسک مذکور را در بردارند مرحمت بفرمایید.

پاسخ استفتاء:

باسمه تعالی

چنانچه جزء مصنوعات کارخانه متعلق به صهیونیست‌ها باشد خرید و فروش آن حرام است.
همیشه موفق باشید. ناصر مکارم شیرازی



زنگنه
۵۶



لزوم استفاده از رسانه و هنر:

حجت‌الاسلام و المسلمین شهرستانی نماینده و مسئول دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی (دامت برکاته) در ایران در دیدار با مدیران موسسه‌اینده روشن بر لزوم استفاده از رسانه و هنر برای تبلیغ و ترویج معارف و ذخایر فرهنگ شیعی تاکید کرد.



ریاست محترم جمهور (دکتر محمود احمدی نژاد):

امام زمان ع کار پیامبر عظیم الشان ع را تمام خواهد کرد و با توجه او عقل همه بشریت به کمال خواهد رسید. اوست که تزکیه نفوس می‌کند و با نفس فلکی و الهی خود و نگاه رحمت و ولایت خود، انسان‌ها را تربیت می‌کند.
(در همایش بین المللی دکترین مهدویت)

ریاست محترم مجلس (دکتر علی لاریجانی):

مسئله ظهور می‌خواهد راه را نشان دهد نه انفجار را، یعنی ظهور نشان دهنده مقصد راهی است که همه باید بپیماییم.
(در همایش بین المللی دکترین مهدویت)



بسته وقف

حجت‌الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران (۸۷/۱۲/۲) به مناسبت هفته وقف اظهار داشت: قرار است همراه با برنامه پنجم توسعه کشور، بسته‌ای با عنوان بسته وقف ارائه شود تا این فرهنگ و سنت الهی جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

انتشار کتاب «مباحثی پیرامون امام مهدی ع» نوشته سید محمدباقر صدر.

به گزارش خبرگزاری آینده روشن، کتاب «مباحثی پیرامون امام مهدی ع» نوشته آیت‌الله سید محمدباقر صدر توسط طیف راشدی و سعید راشدی ترجمه شده و انتشارات «مسجد مقدس جمکران» آن را منتشر کرده است.
با قرآن در صحنه، باقیات الصالحات، طولانی‌شدن عمر امام زمان ع و دلیل اسلامی و علمی ایمان، از موضوعاتی است که مؤلف در این کتاب آن‌ها را بررسی کرده است.

گزارش روزنامه آمریکایی از محبوبیت روزافرون تشیع در افغانستان

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست از اقبال روزافرون به فرهنگ تشیع در افغانستان و ترویج مراسم سوگواری ویژه محرم در این کشور خبر داد.

به گزارش آینده روشن، همواره تاکنون اقلیت کوچک شیعیان مورد تنفر و ظلم بودند، اکنون مراسم محرم با شجاعت اکثربی غالب اهل تسنن، همواره تاکنون اقلیت کوچک شیعیان مورد تنفر و ظلم بودند، اکنون مراسم محرم با شجاعت خاص و پذیرش سیاسی مخصوصی ترویج و گرامی داشته می‌شود.



نویسنده مسیحی: اگر امام حسین ع از ما بود، در کل زمین برای او منبر و پرچم بر می‌افراشته باشد.

نویسنده مسیحی کتاب «حسین در اندیشه مسیحی» در مصاحبه با روزنامه‌دار کویت گفت: «اگر امام حسین ع از ما بود، در تمام زمین برای او منبر و پرچم بر می‌افراشتم و مردم را بنام حسین ع به مسیحیت فرا می‌خواندیم». به گزارش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، «آتون بارا» در مورد عشق به امام حسین ع گفت: «آیا انسانی یافت می‌شود که چنین شخصیت نمونه‌ای - که تاکنون در هیچ دینی شیبیه او متولد نشده است - را دوست نداشته باشد؟ او سومین مشعل دار اسلام بعد از جدش پیامبر مصطفی ع و پدرش امیر المؤمنین ع است و در حفظ و پاسبانی از عقیده‌اش، خود را فدا کرد».

این نویسنده مسیحی که به مسیحی متسبع شهرت دارد و به این لقب افتخار می‌کند، افزود: «اگر از خودگذشتگی امام حسین ع نبود، از عقاید اسلامی چیزی باقی نمانده بود».

جدیدترین فعالیت ضدشیعی و هایپر

وهایپر عربستان سعودی در مراسم حج تمعن امسال اقدامات گسترهای برای ترویج و تبلیغ اندیشه و عقاید خود انجام دادند که از جمله می‌توان به انتشار کتابهای مختلف به زبان‌های گوناگون و از جمله زبان فارسی اشاره کرد. آنان بدون توجه به پاسخ‌های مستدل علماء و کتب شیعه، مطالب واهمی خود را بین زائران که اکثر به مطالب پژوهشی و علمی آگاهی ندارند می‌پراکنند.

نتایج یک نظرسنجی؛ کلیسا پاسخگوی نیازهای پیروان نیست.

بر اساس نتایج یک نظرسنجی که در آستانه شب‌های سال نو میلادی در اروپا صورت گرفته درصد بالایی از پیروان کلیسا کاتولیک، این نهاد مذهبی را در پاسخ دادن به نیازهای پیروان خود ناتوان می‌دانند. به گزارش شیعه آتلاین، این نظرسنجی - که توسط نشریه اتریشی «اشتادارد» صورت گرفته - حاکی است ۳۹ درصد از مسیحیان کاتولیک پاسخ نیازهایشان را از کلیسا دریافت نمی‌کنند.



جایگاه مهدویت و آخرالزمان در سینمای ملی بررسی شد.

همایش «سینمای ملی طرحی برای فردا» با حضور کارشناسان حوزه سینما، جایگاه موضوعاتی چون مهدویت و آخرالزمان را در سینمای ایران و جهان بررسی کرد.

به گزارش شبستان، سعید مستغنى، منتقد سینما و دبیر همایش سینمای ملی طرحی برای فردا در این همایش به بررسی نگاه سینمای جهان به موضوع آینده یا آخرالزمان پرداخت و گفت: «با کمی دقت در تولیدات سینمای جهان به ویژه هالیوود در دو دهه اخیر می‌توان مشاهده کرد که توجه به موضوعات آخرالزمانی شکلی جدی به خود گرفته است، بهنحوی که فیلم‌های پرفروشی چون فیلم «شوایله تاریکی» نیز بر اساس آن ساخته شده است.»

مستغنى خاطر نشان کرد: «ما نیز موظف هستیم به عنوان کشور شیعی و مسلمان هرچه بیشتر به موضوع آخرالزمان پردازیم درصورتیکه تا به امروز کمتر اثری را در سینمای ایران با موضوع امام زمان علیه السلام دیده‌ایم.»



اسلام در آمریکا در حال رشد است.

پروفسور «حمدی مولانا» گفت: «جایگاه مسلمانان آمریکا در سال‌های اخیر به مراتب در حال توسعه بوده و در این میان وضعیت شیعیان بهتر از دیگر مسلمانان است.»

به گزارش تقریب، وی هجرت مسلمان‌ها و گرایش مردم آمریکا به دین اسلام را از عوامل این رشد و توسعه دانست و تصریح کرد: «براساس اعلام آمارهای رسمی و بیان دانشمندان و جامعه‌شناسان، وضع درآمد، تحصیل، مالکیت و دارایی مسلمانان در آمریکا از متواتر هر آمریکایی بالاتر است.»

مشاور رئیس جمهور با تأکید بر تغییر دیدگاه نسبت به جامعه آمریکایی اظهار داشت: «اگر شرایط به همین منوال ادامه یابد روزی آمریکا نیز مانند جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این رو در شرایط کنونی مسلمانان آمریکا باید از هر فرصتی برای گسترش فعالیت‌های خود استفاده کنند.»



احادث مدرسه علوم دینی در برلین

چهار میلیون مسلمان در آلمان زندگی می‌کنند که ۲۲۰ هزار نفر از آنها در برلین هستند و در حدود ۱۶۰ مسجد و ۲۶۰ نمازخانه وجود دارد.

مسلمانان برلین در حال برنامه‌ریزی و تلاش برای راهاندازی یک مدرسه علوم دینی برای آموزش روحانیون و امامان مساجد می‌باشند.

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از سایت اینترنتی cartf times، این مدرسه به دلیل نیاز مسلمانان آلمانی الاصل به علماء و روحانیون مسلط به زبان و فرهنگ آلمانی توسط سازمان اسلامی بخارا ساخته می‌شود. هدف از احداث این مدرسه، ایجاد ارتباط صحیح میان جامعه امروز آلمان و اسلام و تشویق جوانان به زندگی بهتر و مسالمت‌آمیز با مردم اروپا و پرورش علمای مسلمان آلمانی با فرهنگ و زبان آلمانی عنوان شده است.

افتتاحیه شعب استانی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

۱. شعبه استان سیستان و بلوچستان در تاریخ ۸۷/۱۱/۲ در دفتر امام جمعه شهرستان زاهدان با حضور مسئولین فرهنگی و اداری استان به مدیر عاملی جناب آقای دکتر خدایار افتتاح گردید.
۲. شعبه استان کهگیلویه و بویر احمد در تاریخ ۸۷/۱۱/۱۸ در مجمع اداری فرهنگ ارشاد اسلامی شهرستان بویر احمد با حضور مسئولین فرهنگی و اداری استان به مدیر عاملی حجت الاسلام موسوی اعظم افتتاح گردید.
۳. شعبه استان همدان در تاریخ ۸۷/۱۲/۱۶ مصادف با سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر^ع با حضور مسئولین فرهنگی و اداری استان به مدیر عاملی حجت الاسلام و المسلمين حسنه حلم افتتاح گردید.
۴. همزمان با آغاز دهه چهارم انقلاب اسلامی و با حضور امام جمعه بجنورد و نماینده ولی فقیه در استان و نماینده مردم استان خراسان شمالی در مجلس خبرگان رهبری و جمعی از مدیران ارشد استانی و اقشار مختلف مردم و اعضای هیأت مدیره شعبه خراسان شمالی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^ع در استان خراسان شمالی افتتاح شد.
ماشاء الله طالبی مدیر عامل شعبه بنیاد خراسان شمالی اعلام کرد که کتابخانه تخصصی مهدویت در محل شعبه بنیاد آماده ارائه کتاب و نرم افزار به علاقمندان مطالعه و پژوهش در زمینه مذکور می باشد و توزیع نشریه «امان» در سطح استان نیز از طریق این شعبه بنیاد انجام خواهد گرفت.

برگزاری همایش‌ها

۱. اولین همایش فارغ‌التحصیلان دوره تربیت معارف مهدویت ویژه خواهان با مشارکت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به مدت دو روز در تاریخ ۸۷/۱۱/۹ الی ۸۷/۱۱/۱۰ در قم (مجتمع فرهنگی زیارتی یاوران حضرت مهدی^ع) با شرکت ۲۵۰ نفر از فارغ‌التحصیلان شهرهای مشهد مقدس، قم، تهران، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، شهرضا برگزار گردید.
در این جلسه، شرکت‌کنندگان از بیانات سروران معظم؛
حضرت آیت الله العظمی سبحانی (دامت برکاته)، حجت‌الاسلام و المسلمين قراتی، حجج‌الاسلام رحیمیان، چمشیدی، گلزاده و ماندگاری و دکتر شیبانی و سرکار خانم دکتر طیب زاده نوری مشاور رئیس جمهور در امور زنان و سردار رحیم صفوی و کلاس‌های کارگاهی آموزشی و پژوهشی بهره برداشتند.
- جلسه هماندیشی همراه با گزارش فعالیت فارغ‌التحصیلان دوره‌ها
- اهداء جوایز به اساتید برتر و دانش‌آموختگان ممتاز
۲. دومین همایش فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت در تاریخ ۸۷/۱۱/۹ با سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمين قراتی در مرکز تخصصی مهدویت (قم)

زنگ عهد و بیعت

- به مناسب ۹ ربیع الاول مصادف با سالروز امامت حضرت ولی عصر^ع طرح زنگ عهد و بیعت به همراه قرائت آیات مهدوی و مرتبط با حضرت با همکاری آموزش و پژوهش در مدارس برخی استان‌ها برگزار گردید.

دوره‌های تربیت مریب خواهان

- ثبت نام و مصاحبه از خواهان طلبه حوزه‌های علمیه جهت شرکت در دوره‌های تربیت مریب معارف مهدویت در استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان، گیلان، مازندران، هرمزگان و همدان انجام گرفت شروع دوره‌ها از نیمه دوم فوروردین ۱۳۸۸ می باشد.



زنگنه

گلچینی از نامه های پر مهر تان

(حمیدہ شہر کی)

با عرض سلام و تشکر از همه کسانی که جهت نشر شریه امان تلاش می‌کنند. وقتی این مجله را می‌خوانم احساس می‌کنم دری از اطلاعات به رویم باز می‌شود و هر چه بیشتر می‌خوانم نسبت به این مطالب تشنگتر می‌شوم.
(مرتضی جاوید)

با سلام؛ من به وسیله امام جماعت مسجدمان با مجله شما آشنا شدم، مطالب در قالب و بیانی شیوا ارایه شده‌اند که نهایت تشرک را از مجله وزین تان می‌طلبد.
(زهره عبدالهی)

با سلام، من اولین باری است که مجله شما را مطالعه کردم و از مطالب زیبای آن بسیار لذت بردم خیلی از سوالاتی که در ذهنم بود جوابشان را گرفتم.

(منصور عباسی)
سلام علیکم، مطالب مجله سیار آموزنده و مفید می باشد مانند کسی که بدون حضور و رفتن به دانشگاه، آموزش را طی کرده باشد نهایت تقدیر و تشکر خود را از مسئولین اعلام می دارم.
(هادل)

مجله امان مجله خیلی پرباری است نکاتی داشت که تا حالا نشانیده بودم ت نوع بحث در مورد نیمه شعبان خیلی زیاد بود و اطلاعات کافی را به خواننده می‌دهد.

(روجبخش سهاری) با سلام خدمت مدیر مسئول و سردبیر محترم؛ مجله‌تان را مطالعه کرده و در اختیار فرزندان و دوستانم قرار دادم. مطالب خیلی جالب بود و قصد دارم به هر شکلی که باشد آن را تهیه نمایم.

با سلام و عرض خسته نباشید. امیدوارم در این راهی که قدم برداشتهداید موفق و استوارتر از پیش گام بردارید و لحظه به لحظه، آن حضرت پشتیبان شما باشد.

پیشنهادها و درخواست‌ها

(روزبه کاشف آذرمهربانی)

لطفاً در مورد نحوه ظهور و تغییرات جهان و نشانه‌های ظهور مطلب بنویسید.

(مریم اکبری)

با سلام اگر می‌شود چند صفحه‌ای را به حضرت علی علی‌الله اختصاص دهید. واقعاً آن حضرت کیستند؟

(جمیله شفقی)

با سلام، باز هم از اثرهای معتبر چون نهج البلاغه و آثار عرفا چون مولوی، نظامی، سعدی و ... استفاده کنید.

(احمد حسنی)

دوست دارم با نوجوانان و جوانان ایرانی درباره حضرت مهدی علی‌الله صحبت کنید و آنرا به صورت گزارشی مطرح کنید.

(مریم احمدلو)

نشریه خوب و عالی است اگر می‌شود قیمت آنرا کم کنید.

(طاهره شمسی نجف‌آبادی)

با سلام، سخنرانی‌های امام خمینی علی‌الله و آقای نقویان را بیشتر استفاده کنید

(مریم آرمانیان)

با سلام و عرض خدا وقت؛ تبلیغات بیشتری برای آشنازی مردم با نشریه انجام دهید. از داستان‌های ارتباط امام زمان علی‌الله با مردم عادی و عرفا در

نشریه بگنجانید.

(یونس رزاقي)

صحیحت‌های آقای نقویان شیرین و واضح است. بهتر است نوشته‌ها با رنگ‌های متنوع باشد و بین سوال و جواب فرقی از نظر رنگ داشته باشد.

(اکبر مجیدی فروشنانی)

با سلام، به مطالب خودسازی ادامه دهید، تبیین نقش امام و امت - شرایط متنظران واقعی - پاسخ به شباهات و دیگر مطالب در این زمینه‌ها را

طرح کنید.

(اعظم السادات جمالی مطلق)

در جلسه شورا یاری معتمدین محل بودم که از صحبت‌ها خسته شدم. در آن‌جا این مجله را به مردم دادند شروع به خواندن آن کردم. خیلی برایم

جالب بود به یقین هم پیشنهاد کردم که بخوانند. از زحمات شما متشرکم.

(مصطفومه سنگری مهدب)

لطفاً نشریه را طوری توزیع کنید که به دست ما هم برسد؛ چون بیشتر کیوسک‌ها مجله را ندارند.

انتقادات

(ابوالفضل اصغر زاده)

دوستان عزیز مطالباتن بسیار پر محظوا ولی زبان ساده‌ای برای مخاطبان ندارد. نوع نگارش آن را آسانتر کنید.

(رضا اصغری)

نشریه خوبی است اگر بیشتر پیرامون جوانان صحبت گردد.

(زهرا - م)

با سلام و تشکر از مجله جالب‌تان. به نظر می‌آید که در مجله وزین امان جای گفتگو با بزرگان و مصاحبه با آن‌ها کم باشد لطفاً به این مسئله بیشتر

توجه شود.

پاسخ: از محبت همه دوستان متشرک‌یم، امیدواریم امان بتواند همه درخواست‌ها، پیشنهادات و انتقادات شما را عملی کند.

تذکر: چون نامه‌های شما بسیار زیاد است، از این‌که نمی‌توانیم همه نامه‌ها را در نشریه بیاوریم یا زمان درج آن طول می‌کشد عذر خواهیم.

ل و ج

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
	۱۹					۱۲						۱۳	۱
۱۱		۱۰			۶								۲
													۳
											۱		۴
۷					۲		۱۶					۸	۵
													۶
													۷
		۴										۱۵	۸
					۱۰								۹
								۱۸					۱۰
			۱۷										۱۱
													۱۲
		۵				۹				۳		۱۴	۱۳
													۱۴

عمودی

افقی

۱. اعتقاد داشتن به خداوند - عفو شده و بخشیده شده - نمک به عربی
 ۲. نام دیگر سوره غافر - سرد نیست - بیماری
 ۳. در مقابل وجوب است و بود و نبودش مساوی نیست - علامت تعجب زنانه
 ۴. مادر گرامی امام عصر علیه السلام - قلب آدمی - رودی در عراق که امام حسین علیه السلام و یارانش در کنار آن و با ایشان به شهادت رسیدند
 ۵. دوست داشتن - پادشاه - رسم کردن
 ۶. روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - تیم وارونه
 ۷. جمع نعل است - ازدواج - قسر اما بدون حرف آخر
 ۸. پوشش زنانه - درد و انواع
 ۹. زهر - تکرار حرف سی ام الفبای فارسی - مقیاسی در وزن - صحیح و درست
 ۱۰. از سوره‌های کوچک قرآن - خانه
 ۱۱. جنگ و نبرد - تیره - عید باستانی
 ۱۲. سر و کارش با چوب است - از صفات خداوند در سوره حمد - تکرار حرف نهم الفبای فارسی
 ۱۳. رها و آزاد - درختی است - چهره و صورت
 ۱۴. از ماهی‌های قمری - گذاشتن مرده در قبر
۱. ولادت این امام همام مصادف با هشتم ربیع الثانی است
 ۲. روز به عربی - خرد و فروش - میوه‌ای خوشمزه - مایه حیات
 ۳. خدمت محال است - توشه - قیمت و بها
 ۴. از میوه‌های بهشتی - شجاع - گرسنگی
 ۵. مادر گرامی امام رضا علیه السلام - غصوی در سر - متعاق و جنس
 ۶. از اصحاب گرامی رسول خدا علیه السلام - از جنگ‌های پیامبر اکرم علیه السلام
 ۷. از شهرهای خراسان قدیم - گرسنه نیست
 ۸. جمع غمند و به معنای تکیه‌گاه - جرم و تبهکاری - مکانی در اطراف مکه
 ۹. گازی بی‌رنگ است - توان
 ۱۰. آشکار کردن راز را گویند - پایان و انتهای - از شاعران بزرگ ایران است
 ۱۱. زنگ استراحت در مدرسه - پایه و اساس
 ۱۲. تعریف - خاتم و خاتون
 ۱۳. از طوایف ایرانی - حرف ندا - سوره چهل و سوم قرآن کریم
 ۱۴. دهم ربیع الثانی مصادف با رحلت این بانوی با کرامت است - در رگ جاری است

با کنار هم قرار دادن حروف خانه‌هایی که شماره دارند رمز جدول را بیابید و به آدرس نشریه ارسال کنید تا به قید قرعه یکی از برندهای ما باشد.

تذکرہ: برای این که هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان از حق قرعه‌کشی محروم نگردند، از این شماره به بعد اسامی برندهای جدول و مسابقه با یک شماره

تأثیر اعلان خواهد شد؛ یعنی برندهای شماره ۱۶ در مجله شماره ۱۸ اعلان خواهد شد.

رمز جدول شماره قبل (۱۵): این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته باشد.

مسابقه:

۱. فاطمه خواجه گودری (ایذه)
 ۲. محمود دانایی پور (تبریز)

جدول:

۱. محمد ثانوی سورکی (شیراز)
 ۲. زینب پور رمضان (تهران)

اسامی برندهای مجله شماره ۱۵

۱. نتیجه کار دجال چه می شود؟
- الف. دجال توبه می کند ب. دجال از یاران امام زمان ع را بر دجال غلبه می دهد ج. خداوند امام زمان ع را بر دجال می گردد
۲. کدام شخصیت، شخصیت خاکستری است؟
- الف. عادس بن ابی شیب ب. سلیمان بن صرد ج. حجاز بن ابجر
۳. شبث بن ربیع جزو کدام شخصیت است؟
- الف. شخصیت سفید ب. شخصیت خاکستری ج. شخصیت سیاه
۴. این روایت (کارگزاران مصلح از نظر روش اجتماعی دارای کمترین طمع هستند) با کدام گزینه ارتباط دارد؟
- الف. تعهد ب. ساده زیستی ج. تخصص و تجربه
۵. این فراز حدیث (یمهد الارض) چه پیامی برای دولتمردان دارد؟
- الف. عدالت در تقسیم بودجه ب. برخورد قاطعانه ج. ایجاد اشتغال
۶. آب زندگانی چیست؟
- الف. بارانی است که از بالا بیارد ب. آب چشمه و یا چاه است ج. حقیقتی است که به صورت قانونی الهی در عرصه تشریع ظهور می کند
۷. قرآن کریم پیروان ادیان ابراهیمی را:
- الف. اهل بصیرت می داند ب. اهل معرفت می داند ج. اهل کتاب می داند
۸. اخبار آخر الزمان هشدار داده است
- الف. شیطان پرستی را ب. بی اعتقادی را
۹. تعریف اصطلاحی غیبت را می توان در
- الف. وصیت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم به ابوذر تحصیل نمود ب. دعای عهد تحصیل نمود ج. دعای مکارم الاخلاق تحصیل نمود
۱۰. کدام گزینه درباره روایت مدعی مشاهده صحیح است؟
- الف. اگر کسی امام را ببیند و به دیگران تگوید تحت این روایت قرار نمی گیرد ب. مراد از تکذیب مدعی مشاهد این است که فردی مدعی ملاقات باشد و شاهد هم داشته باشد ج. مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت عامه و ارتباط است.

نام: نام خانوادگی:
 تلفن: کد شهرستان:
 نشانی پستی:
 کد پستی:

خواننده گرامی! شما با استفاده از این برگه:
 نشریه خودتان را ارزیابی کنید. مطالب زیبایان را برای ما ارزیابی کنید. پاسخ جدول را برایمان ارسال کنید.

فرم اشتراک مجله امان (ویژه امام زمان (عج))

نام:	نام خانوادگی:
میزان تحصیلات:	شغل:
نشانی دقیق:	کد پستی:
تلفن:	تعداد درخواستی:
شروع اشتراک از شماره:	مبلغ پرداختی:
شماره حواله:	

هزینه اشتراک

نوع درخواست	با پست عادی
تک شماره	۵۰۰ + ۵۰۰۰ ریال
۶ شماره	۳۰۰۰ + ۳۰۰۰۰ ریال
۱۲ شماره	۶۰۰۰ + ۶۰۰۰۰ ریال

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۰۰۵۶۴۷۸۱۰) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول ما یا به نشانی - قم / خیابان شهداء (صفاییه) / کوچه شماره ۲۲ (آمار) / بن بست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت (صندوق پستی ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵) جهت نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

یادآوری :

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری کنید.
 - در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید.
 - تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.
- تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

پژوهش‌بازی

هزینه پستی بر اسلس قرارداد شماره ۳۷۱۸۴-۹۲ پرداخت شده است
و نیاز به الصاق تمبر نمی باشد.

